



ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
برای خانواده بزرگ شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی



شماره سوم - خرداد ۱۳۹۳

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اقتصاد و مدیریت: علی دهقان
دبیر فرهنگ و خانواده: آزاده محمد حسین
دبیر اجرایی تحریریه: سینا قلیچ‌خانی

همکاران این شماره:

شرمین نادری، فرناز فرضی، مریم مزروعی،
نسترن فتحی، شاهین یاسمی، مینا زندگی،
راحیل ذبیحی، فرید دانشفر، مهدی شریفی،
ساسان ساعد

طراح جلد: سهیل نوری

صفحه آرایی: مجید مرادی

ویراستار: شیدا محمدطاهر

حروف نگاری: سعید بختیاری

نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵

فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶



فهرست

۲. نیمه‌هه پر لیوان ...

مجله اقتصاد و مدیریت

۳. صنعت برق: تشنه سرمایه‌گذاری، امیدوار به آینده

۶. بازار جان می‌گیرد؟

۸. اهمیت مدیریت ریسک

۱۱. عدالت در تولید، از نگاه سازمان بین‌المللی کار

۱۲. تولید باید تعاملی شود

۱۴. نرم‌افزار اخلاق؛ رمز پیروزی بنگاه

۱۶. گردشگری، گذرگاه توسعه

۱۹. اقتصاد حوزه نشر کتاب

۲۰. سرمایه‌گذاران جوان چگونه پولشان را به باد می‌دهند

مجله فرهنگ و خانواده

۲۱. داستان هزار رنگ قالی یا بر قالی چه گذشت در تاریخ ایران

۲۳. بهره‌هه فراوانم آرزوست

۲۴. درباره آلیس مونرو، نویسنده برنده نوبل

۲۵. راهی آبی برای نجات کره زمین

۲۶. میلیاردها تومان برای این‌که بمیرم!

۲۷. ما آدم‌ها گاهی نیاز به بستنی داریم

۲۸. ستاره‌های جام جهانی از کوچی ما تا مسی آن‌ها

۳۱. رسالت انسان بودن

۳۲. جدول کلمات متقاطع

انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب مقالات، مصاحبه‌ها و گزارش‌ها، لزوماً به معنای تایید محتوای تمامی آن‌ها از سوی ماهنامه نیست.

نیمه پر لیوان

دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

حقوقی اصلی و هم‌چنین کثیری از سهام‌داران ارجمند حقیقی، گواه روشنی بر این پشت‌گرمی است. این دل‌گرمی تا اندازه‌ای قوی است که زمانی که برخی صاحب‌نظران به دلیل آن‌که بسته بودن نماد سهام و حق تقدم آن را خارج از اراده و خواست شرکت دانسته و عدم تمدید مهلت ۶۰ روزه استفاده از حق تقدم را توصیه می‌کردند و از منظر منطق و قانون نیز توصیه‌ای بی‌راه نبود و به دلیل تمایل سهام‌داران بزرگ برای تملک حق تقدم‌های استفاده‌نشده، ریسک عدم تحقق افزایش سرمایه نیز در حد صفر بود، شرکت با اعتقاد به این‌که سرمایه‌گذاران اعم از خرد و کلان باید در فضایی آزاد و آرام نسبت به تصمیم‌گیری برای استفاده از حق تقدم یا فروش آن اقدام کنند، تقاضای تمدید مهلت را به سازمان بورس و اوراق بهادار تسلیم کرد تا رابطه سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر هم‌چنان آکنده از اعتماد و همکاری باشد.

بر اساس موارد پیش‌گفته و در مسیر برنامه راهبردی هفت ساله گروه، اقدام‌های مهمی در چند هفته گذشته که هفته‌های آغازین سال بود، صورت گرفت. سامان‌دهی مدیریت کلان طرح ظهور توانمندی‌ها و قابلیت‌های نیروگاه منتظر قائم، ارتقای کیفیت بهره‌برداری از آن برای عرضه اولیه سهام نیروگاه در قالب شرکت سهامی عام بزرگ در بازار سرمایه که اکنون با نقشه راهی مشخص، گام‌های اجرایی برای رسیدن به هدف پیش‌گفته در کوتاه‌ترین زمان ممکن برداشته می‌شود، مهم‌ترین و فوری‌ترین اقدام‌ها به شمار می‌رود. در کنار آن نیاز به ارتقاء سازمان طرح و برنامه گروه و سازمان‌دهی نظام مدیریت ریسک در گروه برای افزایش ضریب اطمینان از دست‌یابی به تمام اهداف مندرج در برنامه راهبردی در زمان مقرر، موجب توانمندسازی سازمان تشکیلاتی گروه شد و این اقدام‌های راهبردی با موارد پیوسته و مستمری مانند بهینه‌سازی ترکیب سرمایه‌گذاری و جابجایی سهام برخی شرکت‌ها همراه شد تا فرصت‌هایی که چنان باد می‌گذرند، از دست نروند. به خواست شرکت مادر، اکنون شرکت‌های گروه نسخه نخست برنامه راهبردی خود را تدوین و ارائه کرده‌اند تا پس از ویرایش نهایی مسیر هر کدام از شرکت‌ها و سهم آن‌ها در افزایش ارزش و سودآوری گروه مشخص شود.

از آن‌جا که خرداد، همواره ماه حادثه‌سازی بوده است، برای گروه خوارزمی نیز خرداد جلوه دیگری دارد. برگزاری تمام مجامع شرکت‌ها در این ماه، پایان یافتن مهلت استفاده از حق تقدم افزایش سرمایه و آغاز عملیات اجرایی ثبت قانونی آن به گونه‌ای که تا پیش از برگزاری مجمع سالانه مراحل ثبت تکمیل شده باشد، نهایی کردن برنامه‌های شرکت‌ها و ابلاغ آن و رسیدن به پایان سال مالی شرکت از اهم این رویدادهاست که به فضل الهی برنامه‌ریزی مناسب برای تحقق تمام آن‌ها صورت گرفته است. با برنامه‌ریزی و اطلاع‌رسانی مناسبی که در بورس و سامانه کدال صورت گرفته است، اکنون می‌توان با قاطعیت از تحقق کامل سود سال مالی جاری تا پایان خرداد اطمینان حاصل کرد و برای افزایش آن در سال مالی پیش رو اقدام کرد. با این اعتماد و اعتقاد راستین و خدشه‌ناپذیر قدم در راه بی‌برگشت توسعه سرمایه‌گذاری‌ها در خرداد ماه گذاشته می‌شود تا به آن مقصد عالی بتوانیم رسید. الهام‌بخش هر رهروی در این مسیر این کلام متفن مصحف شریف است که فرمود: و من یتوکل علی الله و حسبه... و این تفسیر زیبای خواجه شیراز که:

ای دل از سیل فنا بنیاد هستی برکنند

چون تو را نوح است کشتیبان ز توفان غم مخور

سال نیکوی ۹۳ در حالی وارد سومین ماه از بهار خود می‌شود که در این پنج‌ماه و اندی روز، بیم‌ها و امیدها در میدان اقتصاد کشور فضای چالش‌برانگیزی را ایجاد کرده‌اند. مه ابهام جاده پیش رو که در نوشته‌های پیشین نیز مورد اشاره قرار گرفته بود، نه تنها هم‌چنان پابرجاست، بلکه مسیر ناهموارتر و پیچیده‌تر از آن می‌نماید که گمان می‌رفت. در همین هفته‌های آغازین سال، سیاست‌ها و مهم‌تر از آن تغییر همان سیاست‌ها در بازار مالی و پولی کشور - از جمله نرخ سود بانکی و مدیریت مسئله‌ای به نام مسکن مهر - توان پیش‌بینی و بنابراین برنامه‌ریزی هر بنگاه اقتصادی فعال در کشور را به چالش کشیده است. فشارهای وارد شده از ناحیه قوانین و مقررات جدید - از جمله استاندارد حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها - نیز دارای آثاری کمتر از همان سیاست‌ها نیست. و این همه در حالی است که دولت با جدیت تمام بر اجرای طرح عظیم و پرهزینه - و البته پرمفعت - و متحول‌کننده فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها کمر بسته است. و این همان ابهام در فضای سرمایه‌گذاری است که از سوی شماری از اقتصاددانان به عنوان مهم‌ترین مانع خروج از رکود یاد می‌شود. شاید اقتصاد ایران هیچ سالی را تا به این اندازه سخت و شکننده و البته سرشار از انتظار بهبود تجربه نکرده باشد.

نیمه پر لیوان فضای سرمایه‌گذاری، دقیقاً مربوط به همین انتظار بهبود است. سرمایه‌گذاری که قدم در این راه پرپیچ‌وخم گذاشته است، در کنار بیم‌ها و تردیدهای پیش‌گفته، می‌تواند امید زیادی نیز داشته باشد؛ مگر نه این است که فضای سرمایه‌گذاری یعنی فضای بیم و امید. اگر قصد بر شمردن عوامل امید باشد، فهرست قابل قبولی را می‌توان فراهم کرد. اولین و مهم‌ترین نکته، انضباط مالی است که دولت تا حد زیادی به آن پای‌بند مانده است. تعهدی مانند عدم دست‌درازی به منابع بانک مرکزی، تعهد سخت‌ارزشمندی است که در شرایط حاضر می‌تواند بهبودی اساسی و پایدار در نظام مالی کشور ایجاد کند. افزایش قیمت حامل‌های انرژی با هدف بهینه‌سازی مصرف آن و استفاده از مزیت‌های رقابتی ایران در این زمینه، توجه اساسی به نظام سلامت و اقتصاد بهداشت و درمان، اقدام برای سامان‌دهی بازار مسکن و بازتعریف سیاست‌های دولت در این بخش و تدابیر وزارت نفت برای جلب سرمایه‌گذاری‌ها از طریق بازنگری در قراردادهای هم‌چنین ایفای نقشی فعال در بازار بین‌المللی انرژی، اعلام رسمی وزارت نیرو برای حل مشکلات پیمان‌کاران این بخش و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و نمونه‌هایی از این قبیل، در عین حال که برخی از آن‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت مشکلاتی را به بار بیاورد، نویدبخش اصلاحاتی اساسی در زیرساخت‌های اقتصادی کشور است. این موارد اگر با خوش‌بینی تحلیل‌گران نسبت به پایان خوش مذاکرات هسته‌ای آمیخته شود، همان فضایی را به بار می‌آورد که هر سرمایه‌گذاری - به ویژه سرمایه‌گذار نهادی - در آرزوی آن است.

اگر چه علاوه بر راندن در مه، از آن به راه رفتن بر لبه تیغ نیز تعبیر شود. با این تحلیل و با اتکا به نیمه پر لیوان، سرمایه‌گذاری خوارزمی مأموریت خود در ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها را از طریق ارتقای کیفیت دارایی‌های موجود در سبد سرمایه‌گذاری خود و گسترش سرمایه‌گذاری‌های جدید پی می‌گیرد. انگیزه خوارزمی در این راه، زمانی دوچندان می‌شود که اقبال شایسته بازار به سهام این شرکت و حق تقدم آن مشاهده می‌شود. مدیران اجرایی زمانی که خود را در پشتیبانی کامل سرمایه‌گذاران می‌بینند، توان بیشتری برای استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و ساختن حال و آینده گروه به دست می‌آورند. واریز وجوه افزایش سرمایه از سوی هر دو سهام‌دار

یک چهارم از بار برق تهران بر دوش نیروگاه منتظر قائم صنعت برق؛ تشنه سرمایه‌گذاری، امیدوار به آینده

این نیروگاه عظیم نیز به خانواده بزرگ خوارزمی پیوست



عدم سرمایه‌گذاری مناسب و کوتاهی در توسعه نیروگاه‌ها و به‌طورکلی غفلت از نیازهای گسترده کشور به انرژی برق در هشت سال گذشته و عقب‌ماندگی آن در پشتیبانی مناسب از برنامه‌های توسعه ملی از یک سو و جهت‌گیری دولت تدبیر و امید برای جبران مافات در این عرصه و رویکرد تازه برای توسعه صنعت برق، از سوی دیگر فرصت مناسبی برای سرمایه‌گذاری‌های جدید به وجود آورده است. شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در این راستا در اسفند ماه ۱۳۹۲ مجموعه نیروگاه منتظر قائم را از بانک صادرات ایران به صورت نقد و اقساط خریداری و به مجموعه خود اضافه کرده است. این نیروگاه در محور کرج - فردیس واقع شده است. ظرفیت اسمی تولید نیروگاه منتظر قائم بیش از ۱/۶ هزار مگاوات است و دارای ۶ واحد گاززی، ۴ واحد بخار و ۳ واحد سیکل ترکیبی است. این اقدام شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در راستای برنامه استراتژیک گروه خوارزمی و با هدف تقویت حضور در بخش انرژی صورت پذیرفته است. در این شماره خوانندگان گرامی را با اهمیت صنعت برق و سرمایه‌گذاری در آن و ویژگی‌های نیروگاه منتظر قائم آشنا می‌کنیم.

صنعت برق در ایران جزو صنایع است که نقشی زیربنایی برای تولید ایفا می‌کند و نقش مولدی در ایجاد توسعه اقتصادی دارد. کارشناسان بر این باورند که ارزش صنعت برق به این خاطر است که این صنعت در عین حال که تکنولوژی مدرن را به کار می‌گیرد، اما در مقابل ضرورت‌های زیست‌محیطی را نیز در همه‌الگوهای توسعه خود رعایت می‌کند. چشم‌انداز صنعت برق نیز گویای این ماجراست که فرایند صنعتی شدن به طور مداوم بیشتر با صنعت برق همراه می‌شود و این یعنی این‌که هر روز بیشتر از دیروز، برق نقش کلیدی را در ارزش افزوده تولید ایفا می‌کند.

در ایران نیز طی چند دهه گذشته صنعت برق توانسته است رشد مثبتی را به نمایش بگذارد. دسترسی به دانش تولید، توزیع و انتقال برق به گونه‌ای است که هم‌اکنون ایران در رتبه نخست صنعت برق منطقه و رتبه چهاردهم صنعت برق

جهان ایستاده است. صنعت برق کشور تنها تا پایان سال ۹۱ با ظرفیت مصوبه نیروگاهی حدود ۷۰،۰۰۰ مگاوات، بیش از ۲۵۰ تراوات ساعت (میلیارد کیلووات ساعت) تولید ناویژه برق داشته است، که پس از کسر مصرف داخلی نیروگاه‌ها، تلفات شبکه انتقال و توزیع و صادرات برق، حدود ۱۹۰ تراوات ساعت آن در داخل کشور و توسط



در کنار این ارقام شاخص‌هایی وجود دارند که نیازمند توجه ویژه برنامه ریزان توسعه کشوراند. برای مثال در حال حاضر متوسط رشد مصرف سالانه ۳۵.۸ درصدی موجب شده که شاخص «شدت مصرف» برق کشور دو برابر متوسط جهان و بیش از چهار برابر کشورهای چون آلمان و ژاپن باشد. راندمان نیروگاه‌های حرارتی نیز ۲۰.۳۷ را نشان می‌دهد که رقم ضعیفی است. هم‌چنین

تحلیل‌گران صنعت برق می‌گویند، بحران کمبود نقدینگی و بدهی شدید به پیمان‌کاران، اصلی‌ترین گره‌های صنعت برق محسوب می‌شوند. جالب این‌جاست که در هشت سال گذشته میزان نقدینگی از کمتر از ۹۰ هزار میلیارد تومان به بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. اگر بخشی از این نقدینگی به سمت صنعتی با پتانسیل صنعت برق هدایت شده بود، بدون شک اکنون این صنعت می‌توانست جایگاهی رفیع‌تر از امروز داشته باشد. با این همه در پی استقرار دولت تدبیر و امید و اعلام سیاست‌های این دولت مبنی بر حمایت جدی از سرمایه‌گذاری‌های گسترده در صنعت برق، هم‌اینک چشم‌انداز امید بخشی در برابر فعالان بازار سرمایه برای حضور تمام عیار در این عرصه شکل گرفته است. با توجه به جهت‌گیری گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در این زمینه از طریق تملک نیروگاه منتظر قائم و برنامه‌ریزی برای مدیریت هدفمند این مجموعه^۱ توانمند، شما را با ظرفیت‌های این نیروگاه آشنا می‌کنیم.

معرفی نیروگاه منتظر قائم

نیروگاه منتظر قائم دو نیروگاه بخاری و سیکل ترکیبی دارد که می‌توان از آن‌ها با عنوان شاخص‌های نمونه‌ای در صنعت برق یاد کرد. ظرفیت اسمی این نیروگاه ۱۶۲۳ مگاوات است که در قالب ۱۳ واحد نیروگاهی بخار و سیکل ترکیبی شکل گرفته است. نیروگاه برق منتظر قائم ۲۵ درصد از برق پایتخت و در حدود ۳۰.۵ درصد از مجموع برق مصرفی کشور را تامین می‌کند.

تولید برق نیروگاه منتظر قائم در سال‌های گذشته به طور متوسط در محدوده ۹ میلیون مگاوات ساعت رقم خورده است. سوخت مصرفی نیروگاه را گاز طبیعی، گاز و فیلومازوت تشکیل می‌دهد. هم‌چنین در سال‌های گذشته ضریب بهره‌برداری نیروگاه در حدود ۶۵ الی ۷۰ درصد بوده است.

در کنار این ارقام شاخص‌هایی وجود دارند که نیازمند توجه ویژه برنامه ریزان توسعه کشوراند. برای مثال در حال حاضر متوسط رشد مصرف سالانه ۳۵.۸ درصدی موجب شده که شاخص «شدت مصرف» برق کشور دو برابر متوسط جهان و بیش از چهار برابر کشورهای چون آلمان و ژاپن باشد. راندمان نیروگاه‌های حرارتی نیز ۲۰.۳۷ را نشان می‌دهد که رقم ضعیفی است. هم‌چنین

برآورد میزان ظرفیت، تولید و مصرف برق در ایران

شرح	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲
مجموع ظرفیت تولید (مگاوات)	۵۹,۵۵۶	۶۰,۸۹۸	۶۲,۳۱۱	۶۲,۳۷۷	۶۵,۹۹۰	۶۷,۸۰۷	۶۹,۸۳۳	۷۱,۶۳۳	۷۳,۳۲۷	۷۵,۱۳۰
مجموع تولید ناخالص (تراوات ساعت)	۲۱۳	۲۱۷	۲۲۳	۲۴۲	۲۵۲	۲۶۴	۲۷۴	۲۸۲	۲۹۰	۲۹۹
مصرف داخلی (تراوات ساعت)	۷-	۷-	۸-	۸-	۸-	۹-	۹-	۹-	۱۰-	۱۰-
تلفات شبکه (تراوات ساعت)	۳۴-	۳۴-	۳۵-	۳۶-	۳۸-	۳۹-	۴۱-	۴۱-	۴۲-	۴۲-
مجموع تولید خالص (تراوات ساعت)	۱۸۲	۱۸۶	۱۹۱	۱۹۸	۲۰۶	۲۱۶	۲۲۴	۲۳۱	۲۳۸	۲۴۷
میزان مصرف (تراوات ساعت)	۱۸۵	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۴	۲۱۰	۲۲۱	۲۲۸	۲۳۶	۲۴۳	۲۵۲
مازاد (کسری) تولید (تراوات ساعت)	۴-	۴-	۵-	۶-	۶-	۵-	۳-	۵-	۵-	۵-

منبع: سایت شرکت توزیع، BMI q4, EIA

سهم تولید برق از طریق روش‌های مختلف

شرح	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲
نسبت ظرفیت برق حرارتی به کل ظرفیت (درصد)	۸۵.۱	۸۵.۳	۸۵.۵	۸۵.۸	۸۶.۰	۸۶.۱	۸۶.۳	۸۶.۴	۸۶.۴	۸۶.۶
نسبت ظرفیت برق برق هسته‌ای به کل ظرفیت (درصد)	۱.۷	۱.۶	۱.۶	۱.۶	۱.۵	۱.۵	۱.۴	۱.۴	۱.۴	۱.۳
نسبت ظرفیت برق برق آبی به کل ظرفیت (درصد)	۱۳.۱	۱۲.۹	۱۲.۷	۱۲.۵	۱۲.۳	۱۲.۳	۱۲.۲	۱۲.۱	۱۲.۰	۱۱.۹
نسبت ظرفیت برق برق متجددپذیر به کل ظرفیت (درصد)	۰.۰۲	۰.۱۵	۰.۱۶	۰.۱۶	۰.۱۶	۰.۱۶	۰.۱۶	۰.۱۵	۰.۱۵	۰.۱۵
مجموع (درصد)	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۲۸ میلیون مشترک مصرف شده است. برآوردهای موجود نشان می‌دهد که مجموع ظرفیت تولید برق در ایران تا پایان سال ۲۰۲۲ به ۷۵ هزار و ۱۳۰ مگاوات می‌رسد و مجموع تولید ناخالص نیز در همین سال به ۲۹۹ تراوات ساعت می‌رسد. سهم تولید برق از روش‌های مختلف نیز بر اساس برآوردهای موجود در سال ۲۰۲۲ به ۱۰۰ درصد افزایش می‌یابد. البته این تنها بخشی از ماجرای صنعت برق است.

رشد روزافزون مصرف سوخت مایع در نیروگاه‌های کشور از ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۷ به حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده است. تلفات ۱۵ درصدی شبکه انتقال و توزیع برق (۵۰ درصد بیشتر از متوسط تلفات ۱۰ درصدی صنعت برق جهان) و هم‌چنین بدهی چند هزار میلیارد تومانی دولت به صنعت برق نیز از دیگر مشکلاتی هستند که دست و پای صنعت برق را بسته‌اند. البته آن‌طور که

رشد روزافزون مصرف سوخت مایع در نیروگاه‌های کشور از ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۷ به حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده است. تلفات ۱۵ درصدی شبکه انتقال و توزیع برق (۵۰ درصد بیشتر از متوسط تلفات ۱۰ درصدی صنعت برق جهان) و هم‌چنین بدهی چند هزار میلیارد تومانی دولت به صنعت برق نیز از دیگر مشکلاتی هستند که دست و پای صنعت برق را بسته‌اند. البته آن‌طور که



شرحی بر دارایی‌های نیروگاه

هر واحد نیروگاه بخار که وظیفه تولید برق را برعهده دارد، دارای چهار تجهیز اصلی به نام توربین، بویلر و سیستم خنککن است. در بویلر یا دیگ بخار سوخت مایع با گاز به داخل کوره پاشیده شده و پس از ترکیب با هوای ورودی به دیگ بخار انرژی شیمیایی آن به انرژی حرارتی تبدیل می‌شود. انرژی حاصل شده به آب داخل لوله‌های اویپراتور بویلر از طریق تشعشع و کنوکسیون منتقل شده و بخار اشباع در لوله‌های هیتراکه به صورت اویزان در داخل کوره نصب شده‌اند، به بخار خشک تبدیل شده و بخار خشک با فشار PSI ۱۸۷۵ و درجه حرارت ۱۰۰۵ فارنهایت از طریق لوله‌ها به شیر اصلی توربین هدایت و به قسمت فشارقوی (HP) توربین وارد شده و باعث گرداندن توربین می‌شود.

مشخصات توربوژنرهای نیروگاه‌های بخار و سیکل ترکیبی نیروگاه منتظر قائم و قدرت تولید انرژی آن‌ها به شرح ذیل است:

نوع نیروگاه	نام واحد	سازنده	ظرفیت اسمی (MWh)	مهلت عملی (سال)	تاریخ شروع بهره‌برداری	کارکرد به سال
نیروگاه بخار	ST1	GE	۱۵۶۲۵	۱۴۰	۱۳۵۰/۶/۲۹	۴۰
	ST2	GE	۱۵۶۲۵	۱۴۰	۱۳۵۰/۱۱/۳۶	۴۰
	ST3	GE	۱۵۶۲۵	۱۴۰	۱۳۵۲/۰۷/۰۱	۲۸
	ST4	GE	۱۵۶۲۵	۱۴۰	۱۳۵۲/۰۷/۲۴	۲۸
جمع ظرفیت‌های نیروگاه بخار			۶۲۵	۵۶۰	ظرفیت مطمئن ۴۴۰ مگاوات	
نیروگاه سیکل ترکیبی	GT11	GE	۱۱۶۴۲	۹۲	۱۳۷۱/۰۸/۱۷	۱۹
	GT12	GE	۱۱۶۴۲	۹۲	۱۳۷۱/۱۱/۳۲	۱۹
	GT13	GE	۱۱۶۴۲	۹۲	۱۳۷۲/۰۳/۰۲	۱۸
	GT14	GE	۱۱۶۴۲	۹۲	۱۳۷۲/۰۶/۲۲	۱۸
	GT15	GE	۱۱۶۴۲	۹۲	۱۳۷۲/۰۶/۲۵	۱۸
	GT16	GE	۱۱۶۴۲	۹۲	۱۳۷۲/۰۱/۲۵	۱۸
	جمع		۶۹۲۸	۵۵۲		
	CC1	زیمنس	۱۰۰	۹۰	۱۳۷۸/۱۲/۱۸	
	CC2	زیمنس	۱۰۰	۹۰	۱۳۷۸/۰۶/۲۲	
	CC3	زیمنس	۱۰۰	۹۰	۱۳۷۹/۰۹/۰۱	
جمع ظرفیت‌های نیروگاه سیکل ترکیبی		۹۹۷۸	۸۲۲	ظرفیت مطمئن ۶۴۰ مگاوات		
جمع ظرفیت‌های کل نیروگاه		۱۶۲۲۸	۱۳۸۲	ظرفیت مطمئن ۱۰۸۰ مگاوات		

درجه حرارت دود خروجی واحدهای گازی به دلیل پایین بودن راندمان آن‌ها بسیار بالاست و می‌توان به طرق مختلف تا ۵۰ درصد انرژی آن‌ها را بازیافت کرد که یکی از این راه‌ها نصب بویلر HRSG در مسیر دود خروجی از توربین گاز است. بنابراین در نیروگاه سیکل منتظر قائم سه واحد بخار ساخت شرکت زیمنس به ظرفیت هر کدام ۱۰۰ مگاوات و مجموعاً ۳۰۰ مگاوات نصب شد. این واحدها در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹ راه‌اندازی و به شبکه سراسری برق پیوستند. برج خنککن واحدهای سیکل ترکیبی از نوع برج خشک هلر و بتنی هستند. آب داخل رادیاتورهای برج که از کندانسور گرفته می‌شود، با گردش طبیعی هوا در برج خنک می‌شود و سپس این آب توسط پمپ‌های خنککن به داخل کندانسور راه یافته و توسط نازل‌ها اسپری شده و با بخار خروجی توربین فشار ضعیف مخلوط و باعث تقطیر آن‌ها می‌شود.

تاریخ بهره‌برداری واحدهای بخار و سیکل ترکیبی نیروگاه منتظر قائم به شرح جدول ذیل است.

نوع نیروگاه	نام واحد	ظرفیت اسمی (MWh)	تاریخ شروع بهره‌برداری
نیروگاه بخار	ST1	۱۵۶۲۵	۱۳۵۰/۰۶/۲۹
	ST2	۱۵۶۲۵	۱۳۵۰/۱۱/۳۶
	ST3	۱۵۶۲۵	۱۳۵۲/۰۷/۰۱
	ST4	۱۵۶۲۵	۱۳۵۲/۰۷/۲۴
نیروگاه سیکل ترکیبی (واحدهای گازی)	GT11	۱۱۶۴۲	۱۳۷۱/۰۸/۱۷
	GT12	۱۱۶۴۲	۱۳۷۱/۱۱/۳۲
	GT13	۱۱۶۴۲	۱۳۷۲/۰۳/۰۲
	GT14	۱۱۶۴۲	۱۳۷۲/۰۶/۲۲
	GT15	۱۱۶۴۲	۱۳۷۲/۰۶/۲۵
	GT16	۱۱۶۴۲	۱۳۷۲/۰۱/۲۵
نیروگاه سیکل ترکیبی (واحدهای بخار)	CC1	۱۰۰	۱۳۷۸/۱۲/۱۸
	CC2	۱۰۰	۱۳۷۸/۰۶/۲۲
	CC3	۱۰۰	۱۳۷۹/۰۹/۰۱

نیروگاه بخار منتظر قائم، دارای ۴ واحد بخار ساخت شرکت جنرال الکتریک آمریکا است که ظرفیت هر کدام ۱۵۶/۲۵ مگاوات و مجموعاً ۶۲۵ مگاوات را نشان می‌دهد. این ۴ واحد بخار در سال‌های ۱۳۵۰ الی ۱۳۵۲ راه‌اندازی و به شبکه سراسری برق پیوستند. توربین این نیروگاه دارای سه مرحله فشار قوی HP با ۱۰ طبقه و فشار متوسط IP با ۸ طبقه و فشار ضعیف LP با ۵ طبقه دابل است. بویلر این نیروگاه از نوع درام‌دار با گردش آب طبیعی و فشار ثابت و اویزان بوده که در یک ساعت ۱۱۰۰۰۰۰ بخار خشک با فشار ۱۸۷۵ Psi و دمای ۱۰۰۵ درجه فارنهایت تولید می‌کند و راندمان آن ۹۰ درصد است.

سیستم خنککن نیروگاه بخار برج تر و نوع باز است و بخار خروجی از انتهای توربین فشار ضعیف (درخلاً) با تبادل حرارت به صورت تماس با سطح بیرونی لوله‌های کندانسور تقطیر می‌شود. در این لوله‌ها آب سرد جریان دارد. نیروگاه سیکل ترکیبی دارای ۶ واحدگازی GE-۹F ساخت شرکت جنرال الکتریک به ظرفیت هر کدام ۱۱۶/۴۲ مگاوات و مجموعاً ۶۹۸/۵ مگاوات است که واحدهای آن در سال‌های ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۲ راه‌اندازی و به شبکه برق سراسری پیوستند.

با توجه به پایین بودن راندمان واحدهای گازی در مقابل واحدهای بخار و استفاده از انرژی دود خروجی توربین‌های گازی که قابل بازیافت هستند، قرارداد احداث سه واحد بخار سیکل ترکیبی به ظرفیت هر کدام ۱۰۰ مگاوات و جمعاً ۳۰۰ مگاوات، با ۶ دستگاه بویلر بازیافت انرژی (HRSG) بین شرکت هامپناو شرکت توانیر منعقد شد که واحد شماره یک بخار سیکل بخار در سال ۷۸ و واحدهای دو و سه آن در سال ۷۹ راه‌اندازی و به شبکه سراسری برق پیوستند. در نهایت مجموع ظرفیت اسمی واحدهای نیروگاه قائم ۱۶۲۲۸ مگاوات است.

بازار جان می‌گیرد؟

تزارش «وخوارزم» از رونده بازار سهام در بهار ۹۳

بورس



شاهین یاسمی

بازار این روزها جان ندارد. بورس تهران روزهای متعادلی را از سر می‌گذراند و با نوسان محدود شاخص کل، فضایی از انتظار و رکود را برای سهام‌داران ترسیم کرده است. کاهش محدود نرخ سود بانکی و ورود صندوق توسعه بازار سرمایه در نقش حمایت‌کننده نیز تنها توانسته هیچان منفی اخیر حاکم بر فضای بازار را تعدیل کند و نوسانات کاهشی پرشتاب را مهار کند. با این حال در مقیاس وسیع‌تر به نظر می‌رسد انگیزه کلی فعالان بورس جهت هدایت قیمت‌ها به سطوح بالاتر نسبتاً کم‌رنگ باشد و بر هم خوردن این فضا در کوتاه‌مدت نیازمند تحولات جدی سیاسی و اقتصادی است؛ تحولاتی که شاید بتوان سراغ آن را در آینده نزدیک از دور جدید مذاکرات هسته‌ای در وین گرفت. از ویژگی‌های مرسوم رفتار معامله‌گران کوتاه‌مدت در بورس تهران می‌توان به علاقه آن‌ها به سهام صنایعی اشاره کرد که در وضعیت بحرانی به سر می‌برند، اما جریان تحولات می‌تواند موجب تغییر جدی شرایط بنیادی آن‌ها شود. در این شماره «وخوارزم» با علیرضا عسگری مارانی، کارشناس بازار سهام به گفت‌وگو نشستیم تا روند اخیر بورس را بررسی کنیم.

چرا شاخص بورس ریزش کرد؟

عسگری مارانی در پاسخ به این سوال «وخوارزم» که دلیل ریزش شاخص بورس و فراخواندن وزیر اقتصاد به مجلس چه بود که نمایندگان از پاسخ نوسان عادی در بورس از سوی وزیر اقتصاد قانع نشدند، گفت: ریزش شاخص بورس دو دلیل دارد؛ یکی صحبت‌های وزیر صنعت در مورد خروج پتروشیمی‌ها از بورس کالا بود که نه در اختیار ایشان بود و نه به صلاح کشور بود و دوم این‌که وزیر اقتصاد به سازمان خصوصی‌سازی دستور داده بود زمانی که بازار کشتش ندارد، سهام دولتی عرضه نکند و دیروز سازمان

بازار را افزایش داده است. از زمانی که تبصره‌های بودجه ارائه شد، علی‌رغم این‌که دولت اعلام می‌کرد از بورس حمایت می‌کند، اما با تصویب بهره مالکانه و افزایش قیمت گاز و نیز قیمت‌گذاری محصولات باعث وارد شدن ریسک سیستماتیک به بازار شده که از اختیار مدیران بورس خارج بوده است. دولت از اسفندماه مسائلی را مطرح کرد و در بخش نامه ۲۴ اسفند ۹۲ آقای شریعتمداری، معاون اجرایی رئیس جمهور، گفت هیچ افزایش قیمتی تا اطلاع ثانوی نباید باشد و کسی به بهانه هدفمندی یارانه‌ها نباید قیمت‌ها را بالا ببرد.

ریسک سیستماتیک به بورس وارد نکند

علیرضا عسگری مارانی در مورد اثر مصوبه نقدینگی چهار هزار میلیارد تومانی بانک‌ها برای رونق بازار سرمایه، به «وخوارزم» می‌گوید: شاخص بورس هیچ ربطی به پول و نقدینگی ندارد، بورس بازاری است که آینه تمام‌نمای اقتصاد کشور است. اگر وضع اقتصاد مناسب باشد، انعکاس آن در بورس خوب خواهد بود. او معتقد است: مشکلی که در شش ماه گذشته در بورس داشتیم و افت شاخص شروع شد، ناشی از تصمیماتی بود که دارای ریسک سیستماتیک بوده که اختیار آن دست مدیران بورس نبوده است و ریسک

خصوصی سازی عرضه نداشت. هر وقت دولت می خواهد سهام بفروشد، باید اعلام عمومی کند و سهام دار عمده مانند سازمان خصوصی سازی حق ندارد بدون اطلاع سهام بفروشد. مثلاً روز گذشته که سازمان خصوصی سازی یک باره سهام سایپا را عرضه کرد، باعث ریزش بازار شد و به سایر بخش ها هم رسید. وقتی مکانیزم قیمت گذاری همراه با زبان کارخانه ها اعمال می شود، دیگر کارخانه ها مجبور می شوند کارگر اخراج کنند و تصمیم گیری در این شرایط برای فعالان اقتصادی سخت شده است. این مسائل هنوز ادامه دارد. مثلاً وزیر ارتباطات یک باره می گوید چرا مخابرات واگذار شده و باید این واگذاری باطل شود، یا وزیر نیرو گفته بود که نیروگاه های واگذار شده را باید پس بگیریم. و این عدم اعتقاد برخی از وزیران به سیاست های اصل ۴۴ باعث ریسک بازار شده است.

آخرین مورد در بهمن ۹۲ بود که بانک مرکزی نرخ سود اوراق مشارکت را ۲۳ درصد تعیین کرد و همه بانک ها در یک رقابت برای جذب سپرده وارد شده اند و حتی سودهای ۲۴ درصد هم به سپرده گذاران دادند و ریسک سیستماتیک و قیمت گذاری بی پروا وارد بازار سرمایه شد. انجمن صنایع سیمان بعد از این که یک سال قیمت نهادهای آن مانند گاز، مازوت، برق و آهک و گچ از معادن افزایش یافته بود، تصویب کردند که ۲۰ درصد قیمت سیمان افزایش پیدا کند، اما آن قدر فشار آوردند و وزارت صنایع و معادن این وزارتخانه آن قدر فشار آورد تا این مصوبه انجمن سیمان باطل شود. زیرا اعلام شد این افزایش قیمت غیرقانونی است، در حالی که خود انجمن سیمان بعد از افزایش قیمت مواد اولیه و حامل های انرژی آن را تصویب کرده بود.

دولت باید بورس را درک کند

این کارشناس بازار سرمایه در پاسخ به این پرسش که در واقع معادن جزو انفال و اموال عمومی هستند و تاکنون بهره مالکانه واقعی را به دولت نپرداخته اند و حال که دولت می خواهد برای تنوع بخشی به درآمد خود علاوه بر نفت، از معادن هم درآمد کسب کند، چرا علیه بهره مالکانه حرف می زنید، گفت: مثلاً در معدن چادرملو و گل گهر که ابتدا یک بیابان و معدن کم رونق بود و هیچ کس حاضر به سرمایه گذاری در آن نبود، بانک سپه از طریق سرمایه گذاری امید مشارکت کرد و پس از آن صندوق بازنستکی کارکنان فولاد مشارکت کردند و از سال ۶۹ تا امروز معدنی که بیابان بود، تبدیل به یکی از معادن بزرگ سنگ آهن دنیا شده است و در آن بخش های فلوتاسیون و کنستانتره ایجاد شده. کارخانه گندله سازی درست کردند و سپس کارخانه فولاد احداث کردند. و درآمد آن جا صرفاً از خاک معدن نیست، بخش مهمی از سود آن از ارزش افزوده ایجاد شده در آن است. وقتی یک معدن شروع به کار می کند، توسط بهره بردار و با بودجه خود معدن و خارج از بودجه دولتی در آن جاده، آب، برق، گاز و همه امکانات ایجاد می شود... دولت باید الگوی اقتصادی مناسبی داشته باشد و بازار سرمایه را درک کند و با حمایت از تولید و اشتغال درست گام

بردارد و وزرای اقتصادی در یک سیاست هماهنگ و درست گام بردارند.

مجموع زودتر از موعد آستین ها را بالا زند

روند برگزاری مجامع در سال جاری نشان می دهد که شرکت ها عموماً زودتر از موقع معمول در سال های پیشین آستین بالا زده و در تدارک برگزاری گردهمایی سالانه خود برآمده اند. داروسازان به روال گذشته گوی سبقت را در این زمینه از رقبای خود برده اند و مجامع پر تعدادی را در هفته های اخیر برگزار کرده اند. نکته مشترک در بین اظهارات مدیران دارویی در مجامع اخیر، تسهیل قابل توجه مبادلات خارجی در نیمه دوم سال گذشته است که امیدواری به کاهش هزینه های مالی ناشی از کاهش مبلغ پیش پرداخت گشایش اعتبار اسنادی از صددرد به ۳۰ درصد را ایجاد کرده است. هم چنین دسترسی کامل به ارز مبادله ای در واردات مواد اولیه و نیز عدم تخصیص ارز مبادله ای به واردکنندگان محصولات دارویی که مشابه داخلی دارند، از مهم ترین حمایت های عملی دولت یازدهم از داروسازان عنوان شده است که احتمالاً در سال ۹۳ منجر به کاهش بهای تمام شده و نیز بهبود نسبت های مالی (از قبیل دوره

دولت نسبت به محاسبه نرخ ۲۶۵ تومانی با فجر و مبین اصرار ورزد، افزایش قابل توجه هزینه یوتیلیتی برای شرکت های پتروشیمی مصرف کننده قطعی خواهد بود؛ مسئله ای که در بودجه های جاری شرکت ها نیز لحاظ نشده و تأثیرات کاهنده با اهمیتی (بیش از ۱۰ درصد) بر سود سال ۹۳ پتروشیمی ها دارد.

خودروسازان به دنبال رهبری بازار هستند

اما در یک سال اخیر این گروه از معامله گران، صنعت خودرو را جهت جولان دهی انتخاب کرده اند، در هفته های اخیر بهانه چشم هفت درصدی شاخص این صنعت اخبار خوش ناشی از بهبود شرایط تولید و احتمال تقویت همکاری های خارجی برای تولید محصولات جدید بود. چند هفته قبل هم خبر تخصیص ارز مبادله ای محرک حرکت این گروه شده بود تا خودروسازان با جهش بیش از ۱۶ درصدی از ابتدای سال در صدر صنایع پربازده قرار گیرند. در این میان، هم چنین اخباری از واگذاری دارایی ها در گروه سایپا و نیز ایران خودرو به گوش می رسد که می تواند محرک تداوم حرکت سهام گروه «خ» در کوتاه مدت باشد. با وجود همه این خبرهای خوش، نگاهی گذرا به صورت های مالی شرکت های خودروساز به خوبی نشان می دهد که وضعیت مالی و اقتصادی حاضر نگاه ها تا شرایط عادی فاصله قابل توجهی دارد و اخبار خوش اخیر، هر چند ممکن است کماکان طبل رشد قیمت های سهام را به صدا درآورد، اما در عالم واقعیت، زمان طولانی لازم برای اصلاح ساختار مالی و خروج خودروسازان از شرایط اضطرار را کوتاه نخواهد کرد.

بازار در انتظار گشایش سیاسی در مذاکرات هسته ای

آمارهای رسمی اولیه نشان می دهد که بخش صنعت ایران در سال های ۹۱ و ۹۲ در مجموع حدود ۱۸ درصد کوچک شده است؛ افت شدیدی که سابقه آن بعد از دوران جنگ با عراق در کشور وجود نداشته است. در این میان، هر چند شتاب افت در نیمه اول سال ۹۲ به ۷/۷ درصد رسیده، اما در آخرین ماه همین سال (اسفند) نرخ تغییرات به محدوده صفر درصد بازگشته که نشان دهنده توقف انقباض بخش صنعت است. گمانه زنی ها از بازگشت صنعت به محدوده رشد مثبت در ماه های اولیه سال ۹۳ حکایت دارد. از سوی دیگر، افت تورم فروردین ماه به ۱۷/۶ درصد بنا بر آمار مرکزی افق جدیدی را در شتاب کاهش نرخ تورم گشوده است؛ روندی که انتظار می رود در آغاز تابستان، تورم نقطه به نقطه را به محدوده ۱۵ درصد تقلیل دهد. هر چند پس از آن کاهش بیشتر تورم با توجه به شتاب خلق نقدینگی و نیز افزایش اخیر نرخ ارز و حامل های انرژی دشوار خواهد بود. با این حال، مسلم است که پس از تجربه دو سال از سخت ترین دوران رکود تومری، اقتصاد ایران در حال بازگشت به روزهای متعادل خود است؛ روندی که در صورت بروز گشایش سیاسی عمده در مذاکرات هسته ای می تواند تسریع شود و انعکاس آن در حیات عمومی مردم و ویرترین اقتصادی کشور (بازار سهام) قابل رصد خواهد بود.

آمارهای رسمی اولیه نشان می دهد که بخش صنعت ایران در سال های ۹۱ و ۹۲ در مجموع حدود ۱۸ درصد کوچک شده است؛ افت شدیدی که سابقه آن بعد از دوران جنگ با عراق در کشور وجود نداشته است. در این میان، هر چند شتاب افت در نیمه اول سال ۹۲ به ۷/۷ درصد رسیده، اما در آخرین ماه همین سال (اسفند) نرخ تغییرات به محدوده صفر درصد بازگشته که نشان دهنده توقف انقباض بخش صنعت است.

وصول مطالبات و دوره گردش کالا) خواهد شد. در مورد افزایش نرخ دارو هم برای حدود ۲۵۰ قلم در اسفند ماه افزایش قیمت جزئی صادر شده، اما تا نیمه دوم امسال افزایش دیگری در دستور کار نیست. در تحوولی دیگر، در مجمع بزرگ ترین متانول ساز جهان، یعنی زاگرس نیز بر کاهش ۳۰ تا ۴۰ درصدی قیمت متانول تا محدوده ۳۵۰ تا ۴۰۰ دلار در سه ماه اخیر تأکید شد که ناشی از بازگشت ظرفیت های معلق به مدار تولید است. هم چنین در افق بلندمدت، ظرفیت تولید متانول در جهان تا هشت سال دیگر حدود ۷۰ درصد رشد خواهد داشت که به منزله احتمال ایجاد مازاد در عرضه در این محصول شیمیایی است. در مورد اختلافات شرکت های پتروشیمی بر سر نرخ یوتیلیتی دریافتی از شرکت های فجر و مبین نیز مباحثاتی در این جلسه مطرح شد. در این راستا، تعیین تکلیف نهایی موضوع به قیمت خوراک گاز واحدهای مزبور بستگی دارد و در صورتی که

اهمیت مدیریت ریسک

از دیدگاه مدیریت کلان مجموعه خوارزمی

دکتر علیرضا پاکزاد

مشاور مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

شکی نیست که برای حضور و تداوم حضور در عرصه رقابت جهانی باید عملکرد سازمان‌ها در همه زمینه‌ها، از جمله طراحی و اجرای مطلوب و تمرکز بر برنامه‌ها و صرفه‌جویی در منابع و امکانات بهبود یابد. البته برنامه‌ریزی و اجرای هر برنامه با درجه‌ای از ریسک همراه است که از شرایط عدم قطعیت ناشی می‌شود. به همین دلیل همواره تصمیم‌گیری‌ها باید متضمن سطوحی از خطرپذیری باشند. نکته مهم این است که چگونه می‌توان با تدبیر صحیح و درایت مبتنی بر دانش نوین مدیریت ریسک، ضمن شناسایی و کنترل آن، این خطرات را در هر مرحله از تهدید به فرصت‌هایی برای بهبود اهداف برنامه‌های عملیاتی تبدیل کرد.



فرایند کلی استقرار مدیریت ریسک



اهداف مدیریت ریسک

مدیریت ریسک به دنبال تامین اطلاعات موارد ریسک جاری به منظور کنترل و ممیزی آن‌هاست. هم‌چنین از این طریق می‌خواهد به اطلاعات مورد نیاز دسترسی پیدا کند تا به موقع تصمیم‌های مناسبی در راستای اهداف استراتژیک و اهداف عملیاتی شرکت بگیرد. مدیریت ریسک برای افزایش میزان کارآمدی خود و تامین بیشترین منافع برای مجموعه شرکت،

ناشی از اجرا تسهیل شود. از این طریق اولویت‌بندی مناسب برای اجرای بهینه نیز فراهم می‌شود. طبقه‌بندی عوامل مرتبط با احتمال وقوع ریسک همواره از اهمیت ویژه‌ای در فرایند مدیریت ریسک برخوردار است تا بر این اساس مدیریت بنگاه تجاری قادر به تحصیل و تامین اهداف با کمترین هزینه و آسیب باشد.

تعاریف کلی

مدیریت ریسک: فرایند شناسایی، ارزیابی و اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل واکنش مناسب نسبت به ریسک‌های عملیاتی را می‌گویند. مدیریت ریسک وظیفه دارد فرهنگ و ساختارهایی را ایجاد کند که به طور مستقیم در راستای تشخیص بالقوه فرصت‌ها و عوامل خطرساز در راستای تامین اهداف استراتژیک شرکت به کار گرفته شوند.

مفهوم ریسک: عبارت است از تحقق مواردی که وقوع آن‌ها بر تامین اهداف اثر می‌گذارد.

مفهوم کنترل ریسک: تنظیم رویه‌ها، نظارت بر نحوه اجرای فرایند موثر بر عملکرد مدیران اجرایی و سایر کارکنان را شامل می‌شود. کنترل ریسک در کسب اطمینان معقول و منطقی در ارتباط با تحقق اهداف شرکت طراحی و به کار گرفته می‌شود.

ریسک پدیده‌ای است که احتمال وقوع آن پیش‌بینی می‌شود و می‌تواند بر برنامه‌های اجرایی و عملیاتی تأثیرات مثبت و منفی بگذارد. هر مورد ریسک ممکن است دارای یک یا چندین علت وقوع باشد و در صورت تحقق منجر به بروز تأثیرات متفاوت شود. از این رو باید روند مذکور تحت مدیریت اصولی و کارآمد قرار گیرد. مدیریت ریسک در طول حیات اقتصادی هر بنگاه تجاری به عنوان یک فرایند مستمر محسوب می‌شود. این مدیریت شامل فرایندی است که با برنامه‌ریزی مدیریت ریسک آغاز می‌شود و مراحل تشخیص، تحلیل و کنترل ریسک را در بر می‌گیرد. لازم است عمده عوامل مذکور در طول استمرار مدیریت ریسک مورد بازبینی قرار بگیرد و به‌روز شود. یکی از اهداف عمده مدیریت ریسک کاهش احتمال وقوع عوامل ریسک در آینده است، تا از آثار معکوس این عوامل بر عملکرد اجرایی بنگاه اقتصادی پیش‌گیری کند.

در تعیین عوامل ریسک موثر بر فعالیت‌های عملیاتی، ممیزی‌های اولیه صورت می‌گیرد تا تشخیص میزان احتمال وقوع ریسک، درجه تأثیر آن بر نتایج عملیات و نحوه اجرای آن، برنامه تنظیم و استقرار مدیریت ریسک، دورنمای نتایج حاصل و میزان هزینه و کیفیت

همین حواله

زمینه‌های ایجاد آن به صورت گزارش شناخت)
۳- شناسایی و تعیین عوامل ریسک (ناشی از مطالعه و تحلیل گزارش شناخت موارد ریسک)
۴- تحلیل ریسک (بررسی تأثیرات ریسک و شرایط آن)
۵- ارزیابی ریسک (تعیین وزن و درجه اهمیت ریسک)
۶- تعیین راهکارهای مقابله با ریسک (استخراج روش‌ها و گزارش‌ها)
۷- کنترل و بررسی و نظارت بر ریسک (بررسی نتایج و روند تغییرات آن)

مهم‌ترین گام در استقرار مدیریت ریسک، برگزاری جلسه و انجام مصاحبه با مدیران ارشد میانی و اجرایی در زیرمجموعه شرکت است. از این طریق درک عینی و واقعی از شرایط و نوع ریسک‌های موجود به دست می‌آید. در این زمینه شناسایی انواع ریسک‌ها و روش‌های عملی مقابله با آن‌ها در زمره نتایج قابل احتساب خواهد بود (استفاده از خرد جمعی درون‌سازمانی) و انجام بررسی لازم در خصوص نقطه نظرهای سرمایه‌گذاران و سهام‌داران در استقرار رویکرد کنترل ریسک و خطرهای موجود بر سر راه اهداف تجاری شرکت، به عنوان اقدام لازم در فرایند استقرار مدیریت ریسک ضروری است (استفاده از خرد جمعی برون‌سازمانی). فرایند استقرار و استمرار مدیریت ریسک باید به صورت سالانه و بر مبنای انجام کنترل‌های دوره‌ای در مقاطع زمانی مذکور، صورت پذیرد. به عبارتی مدیریت ریسک باید همواره مورد بازنگری و به‌روزرسانی قرار گیرد و مفید بودن و کاربرد آن در رابطه با واحدهای زیرمجموعه شرکت به صورت جداگانه و منفرد بررسی شود. در ضمن لازم است تدابیر لازم برای انجام ارزیابی‌های مذکور، به صورت از بالا به پایین و همچنین از پایین به بالا در ساختار سازمانی شکل گیرد. علاوه بر ارزیابی نتایج عملکرد مدیریت ریسک به صورت سالانه، لزوم انجام این ارزیابی عملکرد در طول دوره نیز ضروری است. در این رابطه لازم است همه مراجع تصمیم‌گیری از نتایج حاصل از فرایند مدیریت ریسک مطلع شوند و از آن جهت گرفتن تصمیم‌های مقتضی استفاده کنند. تاکید می‌شود، به‌روزرسانی ارزیابی نتایج کنترل شاخص‌های ریسک از اهمیت خاصی برخوردار است.

زمینه‌های استقرار بهینه مدیریت ریسک

در رابطه با استقرار مناسب و اصولی فرایند مدیریت ریسک در شرکت، لازم است علاوه بر استفاده از نتایج مصاحبه و مشاوره با ذی‌نفعان خارج از مجموعه (سهام‌داران و سرمایه‌گذاران) و ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران داخل مجموعه (مدیران ارشد، میانی و اجرایی)، ابزار و روش‌ها و موارد مشروح ذیل نیز به

افراد سازمان و نقش آن‌ها در ارتباط با لزوم اعمال مدیریت ریسک بسیار مهم است، از این رو ایجاد انعطاف‌پذیری سازمانی و زمینه مشارکت آن‌ها در ارتباط با استمرار فرایندهای مدیریت ریسک ضروری است. در این رابطه استفاده از خرد جمعی جهت شناسایی موارد ریسک و تدوین دستورالعمل‌های اعمال مدیریت ریسک، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ساختار نظارتی مدیریت ریسک در چهارچوب ساختار سازمانی شرکت به صورت ذیل تعیین می‌شود:



فرایند و مراحل استقرار مدیریت ریسک

۱- به‌کارگیری خرد جمعی سازمانی (انجام تعامل و مشورت با مدیران اجرایی شرکت و مجموعه‌ها)
۲- تبیین مفاهیم و معانی (استخراج موارد ریسک و

مهم‌ترین گام در استقرار مدیریت ریسک، برگزاری جلسه و انجام مصاحبه با مدیران ارشد میانی و اجرایی در زیرمجموعه شرکت است. از این طریق درک عینی و واقعی از شرایط و نوع ریسک‌های موجود به دست می‌آید. در این زمینه شناسایی انواع ریسک‌ها و روش‌های عملی مقابله با آن‌ها در زمره نتایج قابل احتساب خواهد بود

باید هم‌سو و مرتبط با فرایندهای تجاری مجموعه واحدهای عملیاتی شرکت و به‌ویژه برنامه فعالیت‌های تجاری (Business plan)) و حسابرسی داخلی (Internal Auditing) حرکت کند.

مهم‌ترین اهداف مدیریت ریسک عبارت‌اند از:
۱- استقرار رویکرد منظم و سیستماتیک جهت تامین اطلاعات مورد نیاز برای مدیریت ریسک‌های آتی
۲- تعیین معیارهای مناسب برای ممیزی و بررسی ریسک‌های موجود
۳- ایجاد فرایند تامین اطلاعات دقیق و مناسب از ریسک‌های موجود به نحوی که انجام تصمیم‌گیری‌های مناسب و ضروری را در راستای تامین اهداف تجاری مجموعه میسر کند.
۴- فراهم آوردن زمینه و راهکارهای استراتژیک که دارای تأثیرهای مورد نظر با توجه به هزینه و اثربخشی مناسب در جهت کاهش ریسک در سطوح قابل قبول باشد.
۵- نظارت و بررسی سطوح ریسک به منظور اطمینان بخشی از کشف به موقع ریسک‌های مرتبط با سطوح فعالیت

منافع و مزیت‌های مدیریت ریسک

مدیریت ریسک، شرکت (Holding) را قادر می‌کند، در راستای تحقق اهداف شرکت، برای شناسایی ارزش‌های سازمانی اقدامات به موقع را به انجام برساند.
به‌کارگیری مدیریت جامع ریسک، مزایای ذیل را در بر خواهد داشت:

۱- افزایش احتمال دستیابی به اهداف استراتژیک تجاری مجموعه شرکت
۲- تبیین و ترویج منظم و مستمر استانداردهای مناسب حساب‌خواهی در سطوح مختلف سازمانی (سنجش مسئولیت)
۳- ایجاد زمینه‌های لازم جهت حمایت و پوشش موثر در تصمیم‌گیری‌های اثربخش از طریق کشف به موقع مخاطرات آتی
۴- ایجاد فضای مناسب برای دستیابی به موقع و موثر به اهداف اجرایی عملیاتی از طریق استمرار رویه‌های کم‌هزینه و اثربخش
۵- ایجاد حفاظ مناسب برای نگهداری اصولی دارایی‌ها، نیروی انسانی، شهرت و اعتبار شرکت

قواعد و مسئولیت‌ها

توانمندی‌های سازمانی، زمانی برای استقرار مدیریت ریسک مناسب است که براساس یک ساختار نظارتی مناسب و قواعد تعریف‌شده در خصوص تعیین مسئولیت‌های سازمانی، انجام پذیرد. از آن‌جا که درک

تطابق و ارتباط آن با اشخاص ذی ربط نیز مشخص باشد.

تحلیل و ارزیابی ریسک

تحلیل موارد ریسک شناسایی شده در سطح شرکت بر اساس نوع رویداد، علت ایجاد آن و تاثیر آن بر روند عملیات جاری، از اهمیت خاصی برخوردار است. در این زمینه انجام اقدامات ذیل ضروری است:

- ۱- تعیین کنترل‌های جاری جهت مدیریت ریسک هم در زمینه کاهش تاثیرات، هم احتمال وقوع ریسک
- ۲- ارزیابی اثربخشی کنترل‌های جاری
- ۳- تعیین اثرات و نتایج بالقوه و تاثیرات و نتایجی که در شرایط عدم از بین بردن ریسک به وقوع خواهد پیوست.
- ۴- پس از تعیین اثربخشی کنترل‌های جاری، عوامل ثبات رویه و کاربرد آن، لازم است با هدف رساندن درجه ریسک به یک سطح قابل قبول و مورد انتظار، صورت پذیرد. همچنین نتیجه تحلیل و ارزیابی ریسک، اولویت‌بندی ریسک‌های موجود خواهد بود.



نتایج مورد انتظار مدیریت ریسک

- ۱- اجتناب از ریسک از طریق تغییر فرایند عملیاتی یا اهداف به منظور اجتناب از وقوع مجدد ریسک
- ۲- تغییر احتمالات بروز ریسک و ایجاد تدابیر لازم برای کاهش عوامل ایجاد ریسک
- ۳- ایجاد تدابیر لازم برای تغییر نتایج یا اقداماتی که منجر به کاهش تاثیر ریسک می‌شود.
- ۴- تقسیم ریسک یا انتقال آن به اشخاص ثالث
- ۵- توجه به موضوع هزینه و فایده از اقدامات پیش‌گیرانه ریسک به گونه‌ای که هزینه هر اقدام پیش‌گیرانه با برنامه و بودجه پیش‌بینی شده در تناسب باشد.
- ۶- تخصیص اشخاص و واحدهای مسئول و تنظیم و تدوین وظایف آن‌ها برای اجرای اقدامات پیش‌بینی شده
- ۷- تعیین مقاطع زمانی مناسب و معقول برای اقدامات تعیین شده جهت کاهش ریسک
- ۸- تعیین روش‌های قابل اجرای اندازه‌گیری برای سنجش نتایج اقدامات پیش‌گیرانه نسبت به تحقق موارد ریسک

از آن‌جا که اثربخشی مدیریت ریسک مستلزم اعمال کنترل‌های منظم و بررسی‌های لازم جهت حصول اطمینان از تاثیرپذیری آن است، از این رو محیط تجاری شرکت به دلیل تغییرات دائمی آن، باید مورد نظارت دقیق باشد و اطلاعات ریسک نیز مورد ارزیابی مستمر قرار گیرد. اطلاعات مرتبط با ریسک نباید غیرصحيح و غیردقیق باشد، زیرا منجر به گرفتن تصمیم‌های نامناسب و ضعیف می‌شود. پیش گرفتن روش‌های مناسب جهت تامین بهینه اطلاعات ریسک باید موجب حفظ و توسعه مکانیزم‌های کنترل ریسک و ایجاد تسهیل در اجرا و استمرار منظم فرایند مدیریت ریسک شود.

اثربخشی مدیریت ریسک مستلزم اعمال کنترل‌های منظم و بررسی‌های لازم جهت حصول اطمینان از تاثیرپذیری آن است، از این رو محیط تجاری شرکت به دلیل تغییرات دائمی آن، باید مورد نظارت دقیق باشد و اطلاعات ریسک نیز مورد ارزیابی مستمر قرار گیرد. اطلاعات مرتبط با ریسک نباید غیرصحيح و غیردقیق باشد

۲- برنامه تجاری (BUSINESS PLAN): در ارتباط با این برنامه که بودجه را نیز شامل می‌شود، مدیریت ریسک، به تشخیص و تعیین موارد انحراف در خلال اجرای فرایند برنامه تجاری می‌پردازد که در برنامه‌ریزی استراتژیک، امکان تعیین مقاطع زمانی برای بررسی ریسک مترتب بر برنامه و حذف موارد عمده آن را فراهم می‌آورد.

۳- برنامه عملیات اجرایی: همه مسئولیت‌های ریسک اعم از مسئولیت‌های عمومی در ارتباط با کاربرد فرایند ریسک یا مسئولیت‌های ویژه معین شده در این زمینه و پیش گرفتن راه‌حل‌های لازم جهت بر طرف کردن ریسک، باید با برنامه‌های اجرایی در

- کار گرفته شود:
- ۱- مطالعه و بررسی گزارش‌های حسابرسی مستقل و بازرسی قانونی
 - ۲- رویه‌های کنترل داخلی در شرکت‌ها (یا گزارش‌های واحدهای حسابرسی داخلی)
 - ۳- تنظیم پرسش‌نامه‌های مناسب جهت دریافت اطلاعات
 - ۴- استفاده از تجارب مشابه داخلی و خارجی
 - ۵- مطالعه برنامه‌ها و اهداف استراتژیک شرکت در زیرمجموعه‌ها
 - ۶- تمرکز بر نظرات گروه‌های مختلف سازمانی
 - ۷- بررسی گزارش‌های رویدادهای معوق و بلا اقدام
- همچنین در تعیین موارد ریسک، نگاه به آینده در خصوص شناسایی امکان بالقوه ریسک‌های احتمالی آتی، ضروری ارزیابی می‌شود و موارد ذیل لازم است در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد:
- ۱- رویدادهای اقتصادی مرتبط در گستره جهانی محیط تجاری و کشور
 - ۲- توقعات و انتظارات عمومی در سطح اجتماعی و شرکت‌های ذی ربط
 - ۳- تغییر دیدگاه عمومی نسبت به حاکمیت اقتصادی و سیاسی کشور

ارتباط مدیریت ریسک با سایر فرایندهای کنترلی

۱- حسابرسی داخلی: واحد حسابرسی داخلی موضوع اثربخشی کنترل‌ها را مورد نظارت و بررسی قرار می‌دهد، در حالی که مدیریت ریسک نحوه اجرای فرایندها را کنترل و نظارت می‌کند، بنابراین تفکیک بین وظایف مذکور در واحدهای اجرایی زیرمجموعه شرکت، لازم است.

عدالت در تولید، از نگاه سازمان بین‌المللی کار

دکتر نادر هوشمندیار *



واقعی شدن دستمزد کارگران یا به عبارتی ارائه الگویی برای تعیین بهینه دستمزد کارگران در کنار فرایند اجتماعی‌سازی منابع انسانی در تولید، اصلی‌ترین دستورالعمل فعالیت سازمان بین‌المللی کار (ILO) برای سال جاری است. البته در سال‌های گذشته نیز سازمان بین‌المللی کار نگاهی ویژه به این موارد داشته است، اما به نظر می‌رسد در سال ۲۰۱۴ قرار است به شکل خاص‌تری به این موضوع پرداخته شود. به نظر می‌رسد کارشناسان سازمان بین‌المللی کار با ظرافتی خاص این دو مولفه را در نقطه اصلی فعالیت سازمان برای روزهای آتی قرار داده‌اند. در دنیای امروز به دلیل تغییر شاخص‌های اقتصادی طی چند سال گذشته دستمزد کارگران در بسیاری از کشورها افت‌های کوچک و بزرگی را تجربه کرده است و این مسئله باعث شده است تا عدالت در تولید گرفتار حاشیه‌های ناخوشایندی شود. عدالت در تولید واژه و نگاه جدیدی است که این روزها صاحب‌نظران اقتصادی در دنیای توسعه‌یافته از آن سخن می‌گویند. منظور عدالت در تولید نیز همان همسان شدن مفهوم انسان در روند تولید است. در این برداشت فکری فقط کارکردها جایگاه آدم‌ها را در تولید متفاوت می‌کنند که این کارکرد نیز هیچ مشخصه طبقاتی ندارد. به عبارتی سرمایه‌گذاران کارکرد ایجاد و ثبات را برای تولید دارند، چون سرمایه مورد نیاز را برای تولید فراهم می‌کنند. این گروه به طور طبیعی اگر نباشند، در اصل هیچ صنعتی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. در ادامه نیز کارگران صنعتی وجود دارند که چرخ تولید در واقع به همت کارکرد صحیح آن‌ها به انطباق و مولدسازی می‌رسد.

همسان بودن این دو طیف در بستری که حق تولید در قبال سایر فعالیت‌های پول‌محور اقتصاد حفظ می‌شود، عدالت در تولید را شکل می‌دهد. البته این بخشی از مفهوم عدالت برای تولید است. مفهوم اصلی عدالت در تولید در جایی به دست می‌آید که تولید در استفاده از منابع، نسبت به بخش‌های غیرمولد اقتصاد، اولویت اصلی باشد. بر همین اساس زبان دیدن سطح عمومی درآمد کارگران باعث شده است تا این تصویر همسان گرفتار مشکل شود. کارشناسان سازمان بین‌المللی کار اگر می‌گویند که باید استاندارد برای تقویت سطح درآمد کارگران به وجود آید، در واقع در پی آن نیستند تا سطح استراحت و رضایتمندی کارگران را

صنعتی از پیش در روند سیاست‌گذاری‌های دولتی بازی را به فعالان سوداگر اقتصاد واگذار می‌کنند، کار تا حد زیادی متفاوت است. مدیران دولتی اقتصاد باید این پیش‌فرض را در نظر داشته باشند که اگر می‌خواهند بر اساس استانداردهای سازمان بین‌المللی کار حرکت کنند، باید اوضاع تولید را به گونه‌ای بهبود بخشند که سرمایه‌گذاران صنعتی بتوانند برای نوع حضور کارگران ایرانی در تولید، منابع مالی جهت پرداخت دستمزد در اختیار داشته باشند و از سوی دیگر نیز اگر به مفهوم عدالت در تولید باور دارند، زمینه حضور اجتماعی کارگران و کارفرماها را نیز مهیا کنند. برنامه سازمان بین‌المللی کار برای سال ۲۰۱۴ تولید را اصل قرار داده است و با اشاره به واقعی شدن دستمزد کارگران و سپس حضور اجتماعی کارگران و کارفرمایان در فعل و انفعالات اجتماعی، در واقع می‌خواهد مسیر ارتقای رشد صنعتی را هموار سازد. به نظر می‌رسد در ایران نیز تولید باید تبدیل به یک آگاهی شود. این آگاهی نیز مختص سرمایه‌گذاران صنعتی نیست، کارگران نیز باید آگاهی خود را نسبت به صنعت و جایگاه آن افزایش دهند و بعد در فرایندی مدرن هیچ‌گاه از تلاش در ظرفیت‌های اجتماعی برای تحقق نیازهای اقتصادی خود دست برندارند. *استاد دانشگاه

در استفاده هر چه بیشتر از اوقات فراغت افزایش دهند. آن‌ها در واقع می‌خواهند از این طریق ترازوی تولید را از آفت عدم تعادل نیروی انسانی نجات دهند. بدون تعارف، شاید تنها در ایران باشد که قوانین کار و حتی سخن‌گویان کارگران این‌گونه فکر می‌کنند که کارگران هر چه کمتر در خدمت تولید باشند و در ازای کار کمتر دریافتی بیشتری داشته باشند، حتماً حق آن‌ها رعایت شده است. در دنیای توسعه‌یافته، کار معنا، زمان و مفهوم مشخصی دارد که بر اساس این مفهوم کاهش دستمزدها واقعا موجب بر هم خوردن ظرف عدالت در تولید می‌شود. در دنیای توسعه‌یافته اگر کار با زمان غیرمعمولی از اوقات فراغت گره خورده باشد، خود کارگران می‌گویند که حق در مورد آن‌ها رعایت نشده است و این باور را دارند که باید حضور واقعی در تولید داشته باشند. به عبارتی این‌که «تولید اصل است» برای کارگران نیز تبدیل به یک آگاهی شده است. برای همین آن‌ها از مواهب جامعه‌ای آزاد استفاده می‌کنند و با تحصن‌های مختلف سعی می‌کنند به درآمد واقعی برای حضور بهتر در مدار تولید دست یابند. چنین فرایندی به ایجاد هر چه بهتر پروسه اجتماعی‌سازی منابع انسانی در صنعت کمک می‌کند. برای جایی نظیر ایران که سرمایه‌گذاران



آرزویایه نگاه اصلی سازمای بین‌المللی کار
در سال ۲۰۱۴

تولید باید تعاملی شود

«کارگران رمز بقای تولید هستند.» این جمله‌ای بود که گروهی از کارگران فرانسه روی پارچه بزرگی نوشتند و صبح روز کارگر با آن به خیابان‌های پاریس آمدند و جالب این‌جاست که همین شعار فقط چند ساعت بعد از همه‌همه بزرگ روز کارگر، تیترا اصلی یکی از نشریات اقتصادی فرانسه شد که از اقتصاد آزاد دفاع می‌کند. به نظر می‌رسد که جدا از تعاریف ایدئولوژیکی که برای کارگر ارائه می‌شود، دنیای امروز به برداشتی نوین از مفهوم کارگر رسیده است و آن هم چیزی نیست جز همان که در آخرین همایش ilo مطرح شد: «کارگر انسانی است که در کنار کارفرما جریان جهانی صنعت را تداوم می‌بخشد.» در واقع امروز کارگر و کارفرما گروهی واحد را شکل می‌دهند که هدفی جز ارتقای صنعت و رشد تولید ندارد.

به نظر می‌رسد حق با این استاد دانشگاه باشد. صندوق معروف مشاوره کارگران تویوتا یکی از معروف‌ترین مدل‌های تعامل کارگران با کارفرمایان است. مدیران تویوتا با قرار دادن صندوق مشاوره در سوله‌های صنعتی، از کارگران خواسته بودند تا نظر خود را برای تغییر پلنفرم صنعتی مدل‌های مختلف تویوتا ارائه دهند و در نهایت نیز نظر کارگران باعث شد تا بهترین ایده‌ها برای تولید شکل‌های جدیدی از تویوتا در اختیار مدیران و سرمایه‌گذاران تویوتا قرار بگیرد. این دقیقاً همان چیزی است که سازمان بین‌المللی کار نیز در محور برنامه‌های خود قرار داده است. کارشناسان این سازمان بر این باورند که با

صنعتی به وجود آمده است. کارگران فهمیده‌اند که بدون صاحبان سرمایه هیچ اتفاق مطلوبی در حوزه صنعت رخ نمی‌دهد و حتی کارگر بودن هم امکان وجود پیدا نمی‌کند و از سوی دیگر صاحبان سرمایه نیز به این درک رسیده‌اند که کارگر برده نیست، بلکه بر گردن تولید حق دارد و تجربه و آگاهی او از مدار تولید می‌تواند موجب رشد ارزش افزوده تولید شود.»

تقوی در توضیح این مطلب خود می‌گوید: «اگر به بنگاه‌های بزرگ صنعتی نگاه کنید، به خوبی می‌بینید که آن‌ها برای ارتقای موقعیت رقابتی تولید خود میز مشورت با کارگران دارند و بر این باورند که نظر آن‌ها برای تغییر شکل بهینه محصول می‌تواند مفید باشد.»

مهدی تقوی، استاد دانشگاه، در این باره می‌گوید: «واقعیت کارگر در دنیای امروز کاملاً متفاوت است با برداشتهایی که در گذشته در مورد کارگر وجود داشت. اکنون همه در دنیای توسعه‌یافته تلاش می‌کنند که کارگران صاحب آگاهی باشند. تشکلهای متعدد و آزادی که برای کارگران وجود دارد، این مسئله را به خوبی ثابت می‌کند. آن‌ها به سادگی برای بهتر شدن اوضاع اقتصادی خود اعتراض می‌کنند و بعد هم دوباره به مدار تولید بازمی‌گردند و سرمایه‌گذاران نیز به خوبی صدای آن‌ها را می‌شنوند و به خواسته‌های کارگران عمل می‌کنند.

تعامل دو طرفه میان کارگران و سرمایه‌گذاران

هموار شدن مسیر توسعه بهینه اقتصاد در هر کشوری، باید به سمتی رفت که کارگران و کارفرمایان بیشتر از هر وقت دیگری به سمت ایجاد تولید تعاملی بروند. نگاه به فهرست برنامه‌های توسعه مورد نظر سازمان بین‌المللی کار نیز نشان می‌دهد که آن‌ها می‌خواهند با باز کردن گره‌های اقتصادی از دست و پای کارگران آن‌ها را در مسیر تولید تعاملی قرار دهند. در همین رابطه سرپرست دفتر امور بین‌الملل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌گوید: «سازمان جهانی کار در نشست‌های امسال، از یک سو بر موضوع حمایت از مزد و هم‌چنین منع تبعیض در اشتغال و حرفه تاکید دارد.

یکی از موضوعاتی که امسال سازمان بین‌المللی کار بر آن تاکید دارد، بحث مقاله‌نامه شماره ۹۵ (حمایت از مزد) و مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ (منع تبعیض در اشتغال و حرفه) است. چون آن‌ها بر این باورند که با اجرای این مقاله‌نامه‌ها کارگران بهتر می‌توانند در تولید مشارکت داشته باشند.

گذار از اقتصاد رسمی به اقتصاد غیررسمی، تقویت اقدامات برای پایان دادن به کار اجباری، استانداردهای بین‌المللی کار و گفت‌وگوی اجتماعی و فعالیت‌های صنفی کارگری و کارفرمایی؛ از جمله چهار موضوعی است که در لیست سازمان بین‌المللی کار قرار دارد..»

برنامه‌های سازمان بین‌المللی کار برای سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد که جهت‌گیری نگاه آن‌ها به گونه‌ای است که کارگران و کارفرمایان باید در کنار یکدیگر قرار بگیرند و در یک پروسه تعامل اجتماعی وزن تولید را افزایش دهند. این دقیقاً همان چیزی است که کلاوس شواب (Schwab Klaus) بنیان‌گذار و رئیس اجرایی مجمع جهانی اقتصاد نیز تقریباً هر سال به آن اشاره می‌کند و در همایش داووس هر سال بر این امر تاکید می‌کند که تولید را اجتماعی شدن نیروی انسانی صنعت ارتقا می‌دهد.

او در آخرین سخنرانی خود می‌گوید: «کارگران و کارفرمایان باید شانه به شانه هم صنعت را بالنده کنند. در نگاه تولید هیچ‌کس بر دیگری صاحب طبقه‌ای برتر و غیرواقعی نیست. کارفرما خون صنعت را به وجود می‌آورد و کارگر نیز این خون را به جریان می‌اندازد و این گونه می‌توان به بهبود وضع جهان متعهد بود.»

او خطاب به سازمان بین‌المللی کار و سایر نهادهای جهانی که در حوزه کار و تولید فعال هستند، می‌گوید: «یک «تغییر پارادایم» در رویکرد به چالش‌های اجتماعی و توسعه‌ای باید صورت بگیرد که در واقع تضمین‌کننده رشد ارزش افزوده صنعتی از سوی کارگر و کارفرما باشد.»

شواب هم‌چنین خطاب به نمایندگانی که هر سال در کنفرانس بین‌المللی کار برای مواجهه با بی‌کاری و بی‌عدالتی حضور دارند، می‌گوید: «راه‌های خلاقانه‌ای باید یافت شود تا به سرعت توسعه پایدار اجتماعی را تضمین کند. بدون راهبردهای

خلاقانه و بدون رشد اجتماعی نباید انتظار داشت که تغییری در توسعه موقعیت اقتصادی تولید به نفع کارگران رخ دهد.

برای دستیابی به پیشرفت، باید مدل‌های توسعه اجتماعی‌ای ایجاد کرد که برای تاثیر و گستردگی بیشتر به سوی تامین سرمایه عمومی برود. این امر فقط می‌تواند با اهرم ابتکارات بخش خصوصی از طریق مشارکت خصوصی-عمومی یا از طریق کارآفرینی اجتماعی محقق شود.

دیوارهای بین بخش‌های عمومی و خصوصی ویران‌کننده‌اند. بدیهی است که نمی‌توان با آتش‌نشانی مالی با چالش‌های فرارو برخورد کرد. داده‌های تکنولوژیک و راهکارهای کارآفرینانه و

دهه آتی با چالش ۶۰۰ میلیون شغل مواجهیم. امروز، در سراسر جهان ۲۰۰ میلیون نفر بی‌کارند، که ۷۵ میلیون نفر آنان جوان هستند و تخمین زده می‌شود که سالانه ۴۰ میلیون نفر نیروی کار را وارد اقتصادهایی می‌کنند که نمی‌توانند به آنان کمک کنند. به علاوه، حدود ۱۱۱ میلیون کارگر کمتر از دو دلار آمریکایی در روز دستمزد می‌گیرند و ۱۵ درصد جمعیت جهان حمایت اجتماعی مناسب ندارند.

برای رسیدن به عدالت در تولید باید نظم عادلانه‌ای برای چنین فضایی به وجود آورد، چون در نظم اجتماعی نوین نمی‌توان از کسانی که کسالت معیشتی دارند، خواست تا فعالیت منسجم داشته باشند.

جهان به یک «تغییر پارادایم» نیاز دارد؛ جایی که



**رشد قیمت حامل‌های انرژی
حداکثر چهار درصد در قیمت
تمام شده اثر دارد. پیش‌بینی‌ها
حاکم از آن است که با توجه به
افزایش قیمت حامل‌های انرژی
سطح عمومی قیمت‌ها حدود
چهار درصد افزایش می‌یابد.**

کارآفرینی محرک پیشرفت اقتصادی شود، اما همیشه باید در خدمت جامعه باشد. بخش خصوصی باید دست در دست دولت و جامعه مدنی برای خلق هم‌افزایی مورد نیاز برای بهبود وضعیت جهان کار کند. این هم‌افزایی و بودن در یک ظرف اجتماعی مسیر توسعه را نیز هموار می‌کند. بخش‌های خصوصی طلبکاران یا بدهکاران جامعه نیستند و نباید باشند. این خصلت را باید کارگران نیز داشته باشند. اصل حضور مشارکتی برای رفع دیوار سدکننده مسیر توسعه صنعت و تولید است.»

بدون شک اتفاقی بزرگ در جهان اقتصادی رخ داده است و امروز بسیاری از تعاریف گذشته با چالش مواجه شده است. اکنون دیگر همه می‌دانند که اصل تولید است و برای رونق و ارتقای آن تلاش می‌کنند. صاحبان و برنامه‌ریزان اقتصادی ایران نیز باید بدانند که اگر می‌خواهند پای میز سازمان‌های بین‌المللی کار حاضر شوند، باید چیزی برای ارائه داشته باشند که نشان دهد در ایران تولید قربانی اقتصاد پولی و سوداگرمحور نیست و کارگران نیز شعارهای تزئینی نیستند، بلکه بدنه اصلی و واقعی تولید محسوب می‌شوند. اما آیا می‌توان معیار منابع انسانی تولید را در ایران با معیارهای جهانی همسان کرد؟

نرم افزار اخلاق؛ رمز پیروزی بنگاه

اخلاق حرفه‌ای پدیده‌ای است که در دنیای امروز به عنوان یک ترم عقلانی در میان مباحث مربوط به ارتقای کارایی سازمان وجود دارد.

به عبارتی بنگاه‌های اقتصادی و در کل سازمان‌هایی که با منابع انسانی مواجه هستند، به اخلاق با عنوان پدیده‌ای نگاه می‌کنند که می‌تواند ارزش افزوده بنگاه یا سازمان را افزایش دهد. در نگاهی غالب مروجین اخلاق حرفه‌ای در سازمان نیز مدیران محسوب می‌شوند و وظیفه آن‌ها مشخص کردن چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در تمام حرفه‌هاست تا این عوامل با حس مسئولیت و تعهد کامل به مسائل جامعه و حرفه خود بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود را رعایت کنند.



مانند شمشیر دولبه‌ای است که یک لبه آن تهدید است.

ضعف در سیستم اخلاقیات، منجر به کاهش ارتباطات و افزایش خسارات در سازمان می‌شود و مدیریت، بیشتر روی کنترل گذشته‌نگر تکیه خواهد کرد؛ زیرا افراد اطلاعات را به مدیریت نمی‌رسانند و در این صورت، انرژی سازمان به منفی تبدیل می‌شود و به عبارت دیگر، توان سازمان به جای آن‌که صرف هدف شود، صرف شایعه، غیبت، کم‌کاری و... خواهد شد.

لبه دیگر این شمشیر، فرصت است

اخلاق حرفه‌ای تاثیر چشم‌گیری روی فعالیت‌ها و نتایج سازمان دارد. اخلاق حرفه‌ای بهره‌وری را افزایش می‌دهد، ارتباطات را بهبود می‌بخشد و درجه ریسک را کاهش می‌دهد؛ زیرا هنگامی که اخلاق حرفه‌ای در سازمان حاکم است، جریان اطلاعات به راحتی تسهیل می‌شود و مدیر قبل از ایجاد حادثه، از آن مطلع می‌شود.

مشارکت و اعتماد، ایجاد تعامل با یکدیگر و... تعریف، و برای تحقق آن فرهنگ‌سازی شود. امروزه بسیاری از کشورها در جهان صنعتی به این بلوغ رسیده‌اند که بی‌اعتنایی به مسائل اخلاقی و فرار از مسئولیت‌ها و تعهدات اجتماعی، به از بین رفتن بنگاه می‌انجامد. نقش اخلاق حرفه‌ای آن قدر پررنگ است که بنگاه‌ها و سازمان‌های بزرگ منشور اخلاق تدوین می‌کنند و همه، از مدیران تا سایر نیروهای انسانی، به جدیت آن را در محور عمل خود قرار می‌دهند. البته مدیریت سازمان باید بیشتر از سایر نیروها در این ترم اخلاقی کوشا باشد.

مشخصه‌های اخلاق حرفه‌ای در سازمان

اخلاق و اخلاقیات مجموعه اصول یا به عبارتی بستر اصول فعالیت در سازمان محسوب می‌شود و اغلب به عنوان منشوری که برای راهنمایی و هدایت استفاده می‌شود، تعریف شده است. این مجموعه اصول، چهارچوبی برای اقدام ارائه می‌کند. اخلاق حرفه‌ای،

در بنگاه اخلاق حرفه‌ای، مدیران بیش از سایر نیروهای سازمان زیر ذره‌بین قرار دارند. کارشناسان فراگرد افزایش کارایی در سازمان آن قدر به رفتار مدیران حساسیت دارند که گروهی از آن‌ها معتقدند مدیرانی که همیشه در اتاق خود را می‌بندند، گرفتار اخلاق غیرحرفه‌ای در محیط سازمان شده‌اند. اما مدیرانی که در اتاق خود را روی پرسنل باز می‌گذارند، با انجام این اخلاق حرفه‌ای به رشد ارزش افزوده سازمان کمک می‌کنند.

در حال حاضر اخلاق حرفه‌ای یکی از مسائل اساسی همه جوامع بشری است. اما متأسفانه به نظر می‌رسد در جامعه ما و در محیط‌های مختلف کار کمتر به اخلاق حرفه‌ای توجه می‌شود. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته، در دانش‌های مربوط به مدیریت و سازمان، شاخه‌ای با عنوان اخلاق حرفه‌ای وجود دارد، ولی در جامعه ما در مدیریت، به اخلاق توجه کافی نشده است. جامعه ما نیازمند آن است که ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای مانند دل‌بستگی به کار، روحیه

روش فرایند کاربردی کردن اخلاق در رفتار افراد و گروه‌ها و روش به‌کارگیری اخلاق در موفقیت سازمانی، دارای مراحل زیر است:

- ۱- موفقیت از اخلاق حرفه‌ای سرچشمه می‌گیرد.
- ۲- اخلاق حرفه‌ای از اعتماد آفرینی ایجاد می‌شود.
- ۳- اعتماد آفرینی از پیش‌بینی رفتار ایجاد می‌شود.
- ۴- پیش‌بینی رفتار از مستمر بودن و قانونمند بودن رفتار سرچشمه می‌گیرد.
- ۵- مستمر بودن و قانونمندی از مسئولیت ناشی می‌شود.

۶- مسئولیت از قانون و باورهای فرد شکل می‌گیرد. موفقیت در سازمان ناشی از ایجاد و به‌کارگیری مدیریت اخلاق در سازمان است. اخلاق سازمانی از اعتماد آفرینی شروع می‌شود. هر چه اعتماد به سازمان، برنامه‌ها و مدیران (ارشد، میانی و مدیران پایه) بیشتر باشد، میزان تعهد به سازمان و وظایف بیشتر خواهد شد. اعتماد آفرینی، منجر به افزایش توان سازمانی در پاسخ‌دهی به نیازهای محیطی می‌شود. زیرا اعتماد آفرینی هم‌افزایی در توان سازمان ایجاد کرد. هر چه اعتماد کارکنان به مدیران و سازمان، کاهش یابد، مدیران باید هزینه بیشتری را جهت کنترل رفتار کارکنان بپردازند که نتیجه کمتری نیز به دست خواهند آورد. اعتماد آفرینی از پیش‌بینی رفتار ایجاد می‌شود. مدیرانی که دارای ویژگی‌های زیر هستند، اعتماد آفرینی را خدشه‌دار و نابود می‌کنند:

- ۱- مدیران متغیر در رفتار.
- ۲- مدیران ملون و دوگانه در رفتار.
- ۳- مدیرانی که به جای تصمیم عقلانی، تصمیم احساسی می‌گیرند.
- ۴- مدیرانی که به قول و قرار خود اهمیت نمی‌دهند.
- ۵- مدیرانی که نظم فکری ندارند.
- ۶- مدیرانی که نظم رفتاری ندارند.
- ۷- مدیرانی که قاطعیت در برخورد ندارند.
- ۸- مدیرانی که برنامه ندارند.

ایجاد اعتماد، از پیش‌بینی رفتار حاصل می‌شود. چرا ما به بانک اعتماد می‌کنیم، زیرا رفتارهای بانک دقیقاً برای ما قابل پیش‌بینی است. هر چه پیش‌بینی رفتار ما برای دیگران آسان و دقیق باشد، اعتماد به ما بیشتر خواهد شد و میزان ریسک‌پذیری را برای کارکنان و مشتری‌ها کاهش خواهد داد و همین امر باعث جذب افراد و کارکنان به طرف سازمان و مدیریت می‌شود.

ویژگی‌های دیگر اخلاق حرفه‌ای

امروزه در اخلاق حرفه‌ای، تلقی «شما حق دارید و من تکلیف»، مبنای هر گونه اخلاق در کسب‌وکار است. این مبنا از رفتار ارتباطی فرد، به صورت اصلی برای ارتباط سازمان با محیط قرار می‌گیرد و سازمان با دغدغه رعایت حقوق دیگران، از تکالیف خود می‌پرسد. ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای در مفهوم امروزی آن عبارت‌اند از: دارای هویت علم و دانش بودن، داشتن نقشی کاربردی، ارائه وضعیت‌های حرفه‌ای، بومی و وابسته بودن به فرهنگ، وابستگی به یک نظام اخلاقی، ارائه

دانشی انسانی دارای زبان روشن انگیزشی، ارائه روی آوردی میان‌رشته‌ای.

«کادوزیر»-اندیشمند حوزه مدیریت و اخلاق- درباره ویژگی‌های افرادی که اخلاق حرفه‌ای دارند، موارد زیر را بیان می‌کند:

مسئولیت‌پذیری، برتری‌جویی و رقابت‌طلبی، صادق بودن، احترام به دیگران، رعایت و احترام نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، عدالت و انصاف، هم‌دردی با دیگران و وفاداری.

همه کسانی که از اخلاق حرفه‌ای بهره می‌برند

وقتی مدیران و کارکنان سازمان اخلاق حرفه‌ای را ترویج می‌کنند، جدا از آن‌ها و سهام‌داران و در نهایت ارزش افزوده بنگاه که زیر سایه اخلاق حرفه‌ای قرار می‌گیرند، گروه‌های دیگری نیز وجود دارند که از اقدامات سازمان تأثیر می‌پذیرند و دارای منافع مشروعی از سازمان‌اند. از جمله این گروه‌ها می‌توان به مشتریان، تامین‌کنندگان مواد اولیه، دولت و جامعه اشاره کرد.

اخلاق و اخلاقیات مجموعه اصول یا به عبارتی بستر اصول فعالیت در سازمان محسوب می‌شود و اغلب به عنوان منشوری که برای راهنمایی و هدایت استفاده می‌شود، تعریف شده است. این مجموعه اصول، چهارچوبی برای اقدام ارائه می‌کند. اخلاق حرفه‌ای، مانند شمشیر دولبه‌ای است که یک لبه آن تهدید است.

این گروه‌ها نیز در واقع از گسترش مشخصه‌های اخلاق حرفه‌ای بهره می‌برند.

لستر تارو (۱۹۹۰) و ایوان و فریمن (۱۹۸۸) بر این باورند که توجه به تمام افراد و گروه‌هایی که ذی‌نفع هستند، میزان سود شرکت‌ها را در بلندمدت افزایش خواهد داد، زیرا موجب انگیزش نیروی انسانی، افزایش حسن نیت اجتماعی و اعتماد مردم به یکدیگر و نیز کاهش جرمه‌ها می‌شود. فریمن بر این باور است که: «روز به روز باور سازمان‌ها در این مورد راسخ‌تر می‌شود که ترویج اصول اخلاقی و تقویت فرهنگ معنوی موجب ایجاد مزیت‌های استراتژیک خواهد شد. کی و پاکین باور دارند که تجزیه و تحلیل شکست‌های شرکت‌ها و مصیبت‌های وارد شده به آن‌ها نشان می‌دهد که لحاظ اخلاقیات و حساسیت‌های اجتماعی، در نهایت در

فرایند تصمیم‌گیری و تدوین استراتژی، موجب افزایش سودآوری شرکت خواهد شد. هم‌چنین طبق گزارشی که در سپتامبر ۲۰۰۵ توسط دولت استرالیا منتشر شده، رشد اقتصادی این کشور از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ به رقم متوسط سالانه ۶٫۳ درصد رسیده که بیشتر از بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، مانند آمریکا، آلمان، ژاپن و انگلستان است. بر اساس این گزارش، عوامل رشد این کشور، نگرش مثبت به تغییر و نیروی انسانی آموزش‌دیده با اخلاق کار بسیار قوی اعلام شده است (OECD، ۲۰۰۵). بر اساس گزارش مجله فورچون، ۶۲ درصد مدیران عالی شرکت‌های برتر بر این باورند که رعایت اخلاقیات، موجب افزایش تصویر مثبت و شهرت سازمان می‌شود و منبعی برای مزیت رقابتی به شمار می‌آید. به علاوه تحقیق سوینی (۱۹۹۹) در استرالیا نشان داد که ۹۰ درصد استرالیایی‌ها علاقه‌مند به خرید از شرکت‌هایی هستند که رفتارهای آن‌ها اخلاقی است. این تحقیق مشخص کرد هر چه اعتماد بین اعضای یک سازمان بیشتر باشد، نیاز به کنترل مستقیم کاهش می‌یابد.

استفاده از مزایای چندگانگی

مختصان پیش‌بینی می‌کنند که نیروی کار به گونه‌ای روزافزون متنوع‌تر خواهد شد و شرکت‌هایی که بتوانند نیازهای این افراد متنوع را درک کنند و از این تنوع به خوبی بهره‌گیرند، موفق خواهند بود. لازم است مدیران توانایی اداره افراد با جنسیت، سن، نژاد، مذهب، قومیت و ملیت‌های مختلف را داشته باشند. رعایت عدالت و اخلاق در برخورد با این افراد در محیط کار، مدیریت آن‌ها را تسهیل می‌کند و این امکان را برای سازمان فراهم می‌کند که از مزایای نیروی کار متنوع، بهره‌گیرند. مطالعه‌ای که توسط رایت و همکاران در سال ۱۹۹۵ در مورد رابطه بین چندگانگی و عملکرد سازمانی انجام گرفته، رابطه مثبتی را بین افزایش سطح چندگانگی در محیط کار و عملکرد مالی سازمان‌ها نشان می‌دهد. باکلی (۲۰۰۱) بر این باور است که چندگانگی سازگار با برنامه‌های اخلاق و فرهنگ‌های اخلاقی می‌تواند موجب شهرت و اعتبار سازمان شود و عملکرد آن را بهبود بخشد.

نتیجه

امروز و در دنیای توسعه‌یافته دیگر هیچ شکی باقی نمانده است که بدون نرم‌افزاری به نام اخلاق نمی‌توان موفقیت یک سازمان و بنگاه را تا حد استانداردهای رقابت‌پذیری افزایش داد. ویژگی‌های اخلاق سازمانی نیز برای همه‌اندیشمندان مدیریت و ترویج‌کنندگان دانش مدیریت نوین آشکار است. آن‌ها می‌گویند که رمز پیروزی یک سازمان استفاده از متدهای اخلاق حرفه‌ای است و مدیران بنگاه باید اجرای این متدها را از خود آغاز کنند. نرم‌افزار اخلاق می‌تواند بر همه سخت‌افزارهای صنعتی پیروز شود و در ارتباط با مشتری بهترین دست‌مایه را برای سازمان فراهم کند.

منابع: علی‌نقی امیری، محمد همتی، مهدی مبینی، امین شهنازی و حسین رحمانسرشت

گردشگری، گذرگاه توسعه



مریم مزرعی

این روزها نه تنها تعداد افراد اطرافمان که به عنوان گردشگر یا توریست به کشورهای دیگر سفر کرده‌اند افزایش یافته است، بلکه هر روز نام کشوری جدید به عنوان مقصد گردشگری شنیده می‌شود و رقابت در میان کشورها برای جذب گردشگر و در میان تورها برای جلب مشتری تنگاتنگ شده است و همه این‌ها در کنار غرور ملی و علاقه کشورها به دیده شدن و در درجه مهم‌تر و به زبان ساده‌تر برای کسب درآمد است. واقعیت این است که رایج‌ترین نگاه به جهان‌گردی در جهان معاصر رویکرد اقتصادمحور است و این روزها گردشگری یکی از منابع عمده درآمدزایی و ایجاد اشتغال در جهان به شمار می‌آید.

تقویت‌کننده غرور و اعتماد ملی، زمینه‌ساز تبادل فرهنگی ملل و عامل کاهش فقر و توسعه پایدار در کشورهاست، انکارناپذیر است و در واقع یکی از منابع مهم ایجاد درآمد و رهایی از مشکلات مربوط به محدودیت منابع درآمد ملی در صحنه‌های بین‌المللی، صنعت گردشگری است که طی سال‌های اخیر توانسته به عنوان منبع درآمد مهمی برای بسیاری از کشورهای جهان مطرح شود. کشورهای پیشرفته هم به‌خوبی نیاز انسان به سفر را درک کرده‌اند و برای افزایش جذب گردشگر به هر دری از جمله تبلیغات می‌زنند تا تحولی شگرف، پایدار و با ثبات در اقتصاد خود ایجاد کنند. آمریکا با برخورداری از منابع طبیعی سرشار و صنایع و تکنولوژی‌های پیشرفته به صنعت گردشگری خود به عنوان صنعت سودمند،

در برنامه‌های توسعه اقتصادی خود بی‌نصیب مانده و آثار ملموس آن به صورت تورم و بی‌کاری در جامعه مشهود است که احتمال بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله بی‌نظمی و ناامنی را نیز ممکن می‌کند. ایران یکی از هفت کشور تمدن‌ساز بشری است و با داشتن بیش از یک میلیون و دویست هزار اثر تاریخی و فرهنگی غیرمنقول در رتبه دهم جهان قرار گرفته است، هم‌چنین با دارا بودن تنوع اقلیمی و تنوع فرهنگی رتبه پنجم جهان را از نظر جاذبه‌های اکوتوریستی و صنایع دستی داراست، اما در جذب گردشگر در مقام نودو هشتم جهان قرار گرفته است. این حقیقت که صنعت جهان‌گردی بیشتر از هر صنعت دیگری در جهان درآمدزا، اشتغال‌آفرین، عامل حفظ محیط زیست، تقویت‌کننده میراث‌ها و ارزش‌های فرهنگی،

ایران ما سال‌هاست در مسیر توسعه قرار گرفته است و گردشگری نیز گذرگاه توسعه نیز نامیده می‌شود. اگر منافع گردشگری در سطح جوامع و مناطق یک کشور به‌درستی توزیع شود، می‌تواند سطح زندگی مردم را بهبود بخشد، به همین دلیل توسعه گردشگری، به ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، عامل موثری در مقابله با فقر است و موجب افزایش درآمد قشرهای مختلف، کاهش بی‌کاری و رونق اقتصادی و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رفاه اجتماعی می‌شود. واقعیت این است که ایران با وجود دارا بودن مزیت‌های نسبی فراوان از جمله مواهب طبیعی و جاذبه‌های منحصربه‌فرد گردشگری، میراث فرهنگی و فصول چهارگانه در استفاده از مزایای این همه نعمت خدادادی

اشتغال‌زا و مفید تکیه دارد، به طوری که بیشترین درآمد ارزی خود را از صنعت گردشگری کسب می‌کند. درآمد حاصل از جذب گردشگران خارجی به کشور اسپانیا نیز بیش از درآمدهای نفتی کل کشورهای حوزه خلیج فارس است. این سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های دقیق در توسعه گردشگری و جذب گردشگران تنها در کشورهای صنعتی رخ نداده است، بلکه برخی از کشورهای در حال توسعه نیز اقدامات زیادی در این زمینه انجام داده‌اند که می‌توان از کشور کویت نام برد که جذب گردشگر را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است و انتظار دارد که تا سال ۲۰۲۴ میزان ۲۰ میلیون گردشگر باشد و از این طریق درآمدی معادل ۳۰ میلیارد دلار را کسب کند.

در پاسخ به این که چرا گردشگری در ایران به شکل مهره‌ای مغفول و حتی سیستمی ناکارآمد درآمد است، اما در کشورهای دیگر خیر، عوامل بسیاری دخیل است، اما شاید بارزترین آن‌ها آگاهی این کشورها از اهمیت بحث اقتصاد گردشگری، نگاه کلان و علمی آن‌ها به صنعت توریسم، صنعت محسوب کردن این عرصه و سرمایه‌گذاری درازمدت و با برنامه در آن است. اما اقتصاد گردشگری چیست؟

اقتصاد گردشگری به سهم گردشگری در اقتصاد جهانی، ملی و محلی اشاره دارد که می‌تواند شامل درآمد، اشتغال و صادرات باشد و در هر مکان تابع عرضه و تقاضایی است که بازار گردشگری را شکل می‌دهد.

یکی از شاخه‌های اقتصاد، اقتصاد کلان است. اقتصاد کلان گردشگری معمولا به مطالعه رشد اقتصادی، توازن در پرداخت‌ها، اشتغال‌زایی و مخارج، می‌پردازد. چون گردشگری به میزان قابل توجهی بر تمام این حوزه‌ها تاثیر می‌گذارد، گزینه جذابی برای بیشتر دولت‌هاست. با این حال، منافع اقتصادی باید با هزینه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی مقایسه شود. امکان کسب ارز خارجی، به ویژه ارزهای معتبر مانند دلار آمریکا، پوند انگلیس یا یورو که تاثیر مثبت زیادی بر توازن پرداخت‌ها دارد، دولت‌ها را به سمت توسعه گردشگری سوق می‌دهد. گردشگری می‌تواند به افزایش تولید ناخالص داخلی کمک کند. تولید ناخالص داخلی به ارزش بازاری کل کالاها و خدمات تولیدشده به‌وسیله اقتصاد یک کشور در یک دوره زمانی مشخص گفته می‌شود. اقتصاد خرد هم به مطالعه رفتار بنگاه‌ها، مصرف‌کنندگان و تعیین قیمت بازار می‌پردازد. گردشگری اساسا تحت سلطه شرکت‌های چندملیتی‌ای است که برای جذب مصرف‌کنندگان با یکدیگر رقابت می‌کنند. بازار گردشگری به شدت قطبی شده است؛ در یک طرف آن تعدادی خطوط هوایی، هتل و تورگردان زنجیره‌ای بزرگ قرار دارند و در طرف دیگر، شماری از تورگردانان کوچک هستند که به بازارهای بکر خدمات می‌رسانند. محیط کلان اقتصادی تاثیر بسزایی بر موفقیت کسب‌وکارها می‌گذارد. برای مثال، رکود اقتصادی جهان ممکن است سبب ورشکستگی برخی شرکت‌ها شود. تورگردانان و هتل‌ها به شدت در دنیای واقعی و مجازی با یکدیگر در رقابت هستند. میزان کشش قیمتی نیز بسیار بالاست؛ یعنی تورگردانان برای پاسخ‌گویی به تقاضای مصرف‌کنندگان می‌توانند انعطاف‌پذیر عمل کنند. با این حال، چنین کشش بالایی می‌تواند سبب ورشکستگی آن‌ها شود. عوامل بسیار دیگری از قبیل مقدار درآمد قابل تصرف مردم، اولویت سفر در زندگی افراد، واکنش آن‌ها به تبلیغات و بازاربایی و تغییر

مدها و روندها بر تقاضای گردشگری تاثیر می‌گذارند. به طور کلی تاثیر گردشگری در اقتصاد را می‌توان به سه حوزه کلی تولید ناخالص داخلی، اشتغال‌زایی و صادرات تقسیم کرد.

امروزه سهم زیادی از درآمد کشورهای گردشگری‌پذیر از محل فعالیت‌های گردشگری است. گردشگری علاوه بر ایجاد اشتغال موجب درآمد ملی می‌شود که بخشی از درآمد به صورت درآمد ارزی حاصل می‌شود. درآمدهای گردشگری عبارت‌اند از مقدار ارزی که بازدیدکنندگان خارجی به داخل کشور می‌آورند و خرج می‌کنند. قسمت اعظم درآمدهای ناشی از گردشگری بیشتر به مناطقی از

سرمایه‌گذاری از شرکت‌های خارجی و داخلی و بهبود اثرات تکاثری درآمد به کشورهای کمک کند.

امروزه بیشتر کشورهای جهان، به‌خصوص کشورهای در حال توسعه، به دلایل مختلفی از جمله افزایش جمعیت، بالا بودن میزان مهاجرت روستاییان به شهرها و ناتوانی بازار کار در جذب نیروی انسانی ماهر با معضل بی‌کاری مواجه‌اند. سازمان ملل متحد اگرچه تعداد بی‌کاران جهان را ۱۸۴ میلیون نفر برآورد کرده، اما تاکید کرده است که در ۱۵ سال آینده صنعت جهان‌گردی قادر است ۲۲۰ میلیون فرصت شغلی را برای کشورهای مختلف فراهم کند. یکی از مهم‌ترین عوامل دخیل بودن گردشگری در اقتصاد

آمار گردشگری در جهان توسط سازمان گردشگری جهانی

۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۵۰
۹۳۵	۸۸۰	۶۸۱	۴۳۸	۲۷۷	۲۵
میلیون نفر	میلیون نفر	میلیون نفر	میلیون نفر	میلیون نفر	میلیون نفر

یک کشور، صادرات است. در سال‌های اخیر درآمدهای صادراتی حاصل از بازدهی‌های بین‌المللی و مبادله کالاهای گردشگری در حدود ۱۱ درصد از کل صادرات جهانی بوده و انتظار می‌رود که این آمار حداقل تا سال ۲۰۱۸ روند رو به رشد خود را حفظ کند. به همین دلیل در چند سال آینده گردشگری نقش مهمی در اقتصاد جهانی ایفا خواهد کرد.

شورای جهانی سفر و گردشگری (WTTC) در گزارش‌های سالانه‌ای که توسط کارشناسان خود و با کمک دانشکده اقتصاد آکسفورد تهیه می‌کند، به بررسی اثرهای صنعت گردشگری بر اقتصاد کشورها می‌پردازد. در این گزارش‌ها معمولا به مسائلی مانند «درآمدهای حاصل از گردشگری»، «اثر فعالیت‌های گردشگری بر تولید ناخالص داخلی کشور»، «میزان سرمایه‌گذاری» و «وضعیت اشتغال» پرداخته می‌شود.

به گزارش WTTC چین تا ۱۰ سال آینده، در صورت ادامه روند کنونی، آمریکا را در عرصه گردشگری و اقتصاد بین‌الملل عقب می‌راند و به عنوان نخستین مقصد برتر در اقتصاد توریسم جهان نقش برجسته‌ای خواهد داشت.

نکته جالب توجه این است که تصور می‌رفت بحران اقتصادی جهان در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ روی تعداد و درآمد حاصل از گردشگری اثر منفی بگذارد، ولی برخلاف این تصور متوسط نرخ گردشگران با رشد چند درصدی همراه بود، به طوری که در کشورهای پیشرفته این نرخ در حدود چهار درصد و در کشورهای در حال توسعه هشت درصد بود.

شورای جهانی سفر و گردشگری در جدیدترین گزارش سالانه خود از تاثیر و نقش اقتصادی صنعت سفر و گردشگری در ۱۸۴ کشور خبر داده است. اگرچه گزارش‌های سال‌های گذشته این شورا وضعیت اسفباری را برای گردشگری ایران پیش‌بینی می‌کرد، اما به نظر می‌رسد تغییر شرایط کشور در سال گذشته تحلیل‌های این شورا را کمی مثبت‌تر کرده است. به گزارش خبرگزاری میراث فرهنگی، بخشی از این گزارش از سهم ۲/۲ درصدی گردشگری در تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۳ خبر می‌دهد؛ سهمی

جهان اختصاص دارد که از اوضاع اقتصادی و رفاهی بهتری نسبت به بقیه نقاط جهان برخوردارند. در این خصوص می‌توان به اتحادیه اروپا، آمریکای شمالی و آسیای شرقی اشاره کرد. جالب آن که بیشترین مولدین گردشگری را نیز

یکی از شاخه‌های اقتصاد، اقتصاد کلان است. اقتصاد کلان گردشگری معمولا به مطالعه رشد اقتصادی، توازن در پرداخت‌ها، اشتغال‌زایی و مخارج، می‌پردازد. چون گردشگری به میزان قابل توجهی بر تمام این حوزه‌ها تاثیر می‌گذارد، گزینه جذابی برای بیشتر دولت‌هاست

همان کشورهای عمده پذیرای گردشگران یعنی آمریکا، آلمان، ژاپن، انگلیس، فرانسه و ایتالیا تشکیل می‌دهند.

از دیگر تاثیرهای گردشگری در حوزه اقتصاد یک کشور اشتغال‌زایی است. جهان‌گردی در اشتغال مستقیم یعنی اشخاصی که در موسسات مرتبط با جهان‌گردی از قبیل هتل‌ها، رستوران‌ها، فروشگاه‌های توریستی و آژانس‌های سیر و سفر کار می‌کنند، اشتغال غیرمستقیم یعنی مشاغل ایجادشده در بخش‌های عرضه از قبیل کشاورزی، شیلات و صنایع و هم‌چنین اشتغال القایی یعنی اشخاصی که از طریق خرج کردن درآمدی که شاغلان مستقیم و غیرمستقیم کسب کرده‌اند، تاثیر دارد.

اگرچه شغل‌هایی که گردشگری ایجاد می‌کند، معمولا پاره‌وقت و فصلی هستند، اما گردشگری می‌تواند به جذب

که در سال ۲۰۱۴ رو به فزونی است. براساس این گزارش، سهم مستقیم گردشگری و سفر در تولید ناخالص داخلی ایران (GDP) در سال گذشته ۱۵۱.۷۱۳ میلیارد ریال ایران برابر با ۲/۲ درصد از کل تولید ناخالص ملی کشور بود و پیش‌بینی می‌شود که این میزان در سال ۲۰۱۴ به ۲۸۹.۷۶۷ میلیارد ریال یعنی ۲/۸ درصد از کل تولید ناخالص ملی کشور برسد.

هم‌چنین مجموع سهم گردشگری و سفر در GDP ایران در سال ۲۰۱۳ برابر با ۴۱۲.۰۹۵ میلیارد ریال یعنی برابر با ۶.۱ درصد از کل تولید ناخالص ملی کشور بوده است که این گزارش پیش‌بینی می‌کند در سال ۲۰۱۴ این میزان به ۷۶۴.۳۶۶ میلیارد ریال برسد. این میزان برابر با ۷/۶ درصد از کل تولید ناخالص ملی کشور در سال ۲۰۱۴ است.

طبق گزارش WTTC، در سال ۲۰۱۳ صنعت گردشگری و سفر به‌طور مستقیم از ۴۱۴،۵۰۰ شاغل در ایران حمایت کرده است. این میزان برابر با ۱.۹ درصد از کل شاغلان کشور است و انتظار می‌رود که این رقم در سال ۲۰۱۴ به حدود ۶۲۵،۰۰۰ شاغل برسد. این رقم به معنی ۲/۲ درصد از کل بازار اشتغال کشور در سال ۲۰۱۴ است.

هم‌چنین در سال ۲۰۱۳ سهم کل صنعت سفر و گردشگری ایران در بازار اشتغال کشور و از جمله مشاغلی که مستقیماً توسط این صنعت حمایت می‌شوند، ۵.۳ درصد از کل اشتغال کشور بود که برابر با ۱،۱۸۴،۰۰۰ شاغل است. پیش‌بینی می‌شود که این میزان در سال ۲۰۱۴ به یک میلیون و ۲۱۶ هزار شاغل برسد. این گزارش حاکی از آن است که تولید درآمد صادراتی ایران از طریق بازدیدکنندگان در سال گذشته ۲۰۱۳ برابر با ۴۹.۵۷۷ میلیارد ریال بود که به معنی ۳/۱ درصد از کل درآمد صادراتی بود. پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۱۴ به ۶۴.۱۵۶ میلیارد برسد.

به علاوه در سال ۲۰۱۳ سرمایه‌گذاری در صنعت سفر و توریسم ۵۱.۷۹۱ میلیارد ریال بود که معادل ۲/۹ درصد از کل سرمایه‌گذاری کشور بوده است. این میزان در سال ۲۰۱۴ به ۱۰۰.۰۳۱ میلیارد ریال خواهد رسید که برابر با ۳/۷ درصد از مجموع سرمایه‌گذاری‌هاست.

اگرچه به گفته گروهی از کارشناسان این آمارها برای ایران تخمینی است و تحلیل‌های شورای جهانی سفر و گردشگری به دلیل نبود پایگاه آماری مستمر و انجام نشدن حساب اقماری سفر و گردشگری در کشور و هم‌چنین فقدان یک متولی آمارگیری دائمی داخلی قابل تعمیم به ایران نیست، اما با نسبت گرفتن این اعداد با ارقام دیگر کشورها می‌توان دیدی کلی از اوضاع گردشگری کشور به دست آورد.

از میان این همه آمار و ارقام به علاوه آن‌هایی که روزانه از رسانه‌های مختلف به گوش ما می‌رسد، جان کلام و معنای عینی بحث، گزارش مجمع جهانی اقتصاد است که ایران با وجود این‌که از نظر جاذبه‌های گردشگری در میان ۱۰ کشور

اول دنیا قرار دارد، اما از نظر درآمدزایی و رقابت‌پذیری در این صنعت در رتبه ۹۸ جهان قرار گرفته است. البته لازم به ذکر است که نسبت به سال ۲۰۱۳ که در رتبه ۱۱۴ قرار داشتیم، ۱۶ پله صعود کرده‌ایم.

همه این‌ها در حالی است که کشورهای همسایه ترکیه، امارات و هم‌چنین مالزی، گرجستان و ارمنستان مقصد اصلی مسافران نوروزی ایرانی شده‌اند و در دو سال گذشته حتی با وجود افزایش ناگهانی نرخ دلار و افزایش چشم‌گیر قیمت تورهای خارجی، طبق آمار آژانس‌های مسافرتی، افزایش نرخ ارز به کاهش قابل ملاحظه‌ای در مسافرت‌های خارجی منجر نشده است.

نکته قابل توجه دیگر در سخنان معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی پیش از شروع نوروز ۱۳۹۳ نهفته است. او با اشاره به این‌که یک ماه مانده به تعطیلات عید نوروز در حالی که ظرفیت تورهای خارجی پر شده است، بسیاری از هتل‌های داخل ایران خالی است، گفت: تعداد ۵.۷ میلیون نفر در ۱۰ ماه اول سال ۹۲ به خارج از کشور سفر کرده‌اند.

اگرچه به گفته کارشناسان گردشگری در ماه‌های پایانی



داخل کشور جذب کند، اما این امر بدون نگاه کارشناسانه و علمی به بحث گردشگری چگونه ممکن خواهد بود؟ رشته اقتصاد گردشگری اگرچه چند سالی است که در ایران در سطح دکتری به عنوان یک رشته مستقل مطرح شده است، اما هنوز استفاده از تحصیل‌کردگان این رشته در امور اجرایی گردشگری به طور اساسی عملی نشده است و این دانش‌آموختگان نیز فارغ از پایان‌نامه خود به طور حرفه‌ای به تجربه امور اجرایی این رشته نپرداخته و جذب بازار مستقیم گردشگری ایران نشده‌اند. مهم‌تر از همه، به تاکید اساتید اقتصاد گردشگری ما هنوز در ایران گردشگری را به عنوان یک صنعت نپدیرفته‌ایم؛ صنعتی که بعد از نفت بزرگ‌ترین منجی بسیاری از کشورهای در حال توسعه است.

نکته مهم و اساسی در توجه به اقتصاد گردشگری برای هر کشور آموزش است. آموزش‌های عمومی و کلاسیک گردشگری در کشور هنوز به طور تخصصی جدی نگرفته شده است و به گفته یکی از اساتید اقتصاد گردشگری در کشورهای پیشرفته از پایه‌های پیش‌دبستانی، گردشگری مورد توجه قرار می‌گیرد و اگر جزو دروس اصلی هم نباشد، به عنوان یکی از فعالیت‌های کم‌درسی بر آن تاکید شده است، تا از همان ابتدا شکلی درست و منطقی در ذهن نوجوان و جوان و کودک ایجاد شود. چون قرار است این افراد در صنعت گردشگری کشور نقش ایفا کنند، محمدحسین ایمانی آموزش را یکی از موضوعات مهم توسعه گردشگری می‌داند. در کشور ما گردشگری هم مانند بسیاری از امور دیگر به شکل سنتی اداره می‌شود و عوامل اجرایی گردشگری کشور نیز توسط نیروهای متخصص و تحصیل‌کرده آموزش حرفه‌ای و تخصصی ندیده‌اند. متولی امر گردشگری در دولت نیز

برای هماهنگی با بخش خصوصی

به خصوص بخش انجمن صنفی راهنمایان گردشگری راه درازی را در پیش دارد. هرچند حضور رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در اولین هفته‌های مسئولیتش در جمع راهنمایان گردشگری کشور نوید از هماهنگی‌های بیشتر این دو نهاد می‌دهد.

آن‌چه مسلم است، استفاده از عالمان باتجربه اقتصاد گردشگری و آموزش‌اصولی‌عاملان امر گردشگری در کشور و یک‌کاسه‌کردن منافع گروه‌های مختلف دست‌اندرکار امر گردشگری، قدمی بزرگ است در جهت اعتلا و توسعه ایران پهناور.

این روزها که تورگردانان خبر از بهتر شدن اوضاع گردشگری می‌دهند، لازم است که مسئولان این موضوع را در نظر داشته باشند که نباید درآمدهای فصلی حاصل از گردشگری را تنها به خدمات اختصاص داد و ضروری است این درآمدها را صرف امور زیربنایی و بنیادی‌ای نظیر احداث بزرگراه‌ها، ریل‌های استاندارد، توسعه ناوگان هوایی، خطوط کشتی‌رانی، کاهش آلودگی محیط زیست و اقداماتی از این قبیل کرد تا در درازمدت اثرات مثبت خود را بر گردشگری و اقتصاد کشور عیان کند.

سال ۲۰۱۳ اقبال عمومی گردشگران جهان نسبت به سفر به ایران افزایش یافته و این موضوع باعث شده است سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مربوط به گردشگری بیش از پیش علاقه نشان دهند، اما یکی از مسئولان آژانس‌های معتبر گردشگری ضمن اعلام این‌که تا شهریور ماه اکثر ظرفیت تورهای ایران توسط گردشگران خارجی رزرو شده است، می‌گوید: این مسئله علاوه بر خوشحالی موجی از نگرانی را هم در میان دست‌اندرکاران توریسم کشور ایجاد کرده است. چراغوند آماده نبودن زیرساخت‌ها و از بین رفتن بسیاری از حداقل شرایط مناسب برای گردشگران در هشت سال گذشته را از نگرانی‌های عمده فعالان گردشگری می‌داند. این فعال گردشگری با تاکید بر این‌که بزرگ‌ترین مبلغ هر کشوری گردشگرانی هستند که از آن کشور دیدن می‌کنند، تاکید کرد: ممکن است عدم وجود امکانات مناسب موجب تبلیغ منفی برای دیگر گردشگران علاقه‌مند به ایران شود.

آن‌چه مسلم است، بر اساس چشم‌انداز ۲۰ ساله دولت، ایران باید تا سال ۲۰۲۰ میلادی ۲۰ میلیون گردشگر را به

پول به چه کسی می‌رسد، نویسندگان یا مترجم‌ها؟!

فرید دانش‌فر

امروزه در کنار تمام چیزهایی که روی آن‌ها دست می‌گذاریم، یا مسائلی که در محیط اطرافمان با آن سروکار داریم و هر چیزی که در معرض دیدمان قرار دارد، یک بخش اقتصادی وجود دارد. البته این موضوع امری طبیعی است؛ اگر پشتوانه‌ای برای هر حرفه و شغلی وجود نداشته باشد، آن کار با شکست مواجه می‌شود و نمی‌تواند ادامه پیدا کند. به ویژه این که امروزه با وجود مشکلات و مشغله‌های مختلف زندگی، کمتر کسی برای کارهایی که سود و منفعتی ندارند و به اصطلاح عامیانه «کار دلی» به حساب می‌آیند، وقت می‌گذارد. نشر کتاب هم از این موضوع استثناء نیست. با توجه به مسائل مختلفی که در بخش اقتصاد نشر کتاب وجود دارد، سعی می‌کنیم تا حد امکان به چند سرفصل مهم بپردازیم.

نویسندگان بی‌جیره و مواجب!

وقتی کتابی پرفروش می‌شود (که در کشور ما خیلی کم پیش می‌آید!)، مردم عادی می‌گویند: «خوش به حال نویسنده‌اش!» البته آن‌ها نمی‌دانند که انتشار کتاب مورد نظر چه فرایندی را طی کرده. بعضی از نویسندگان به صورت حق‌التحریری با ناشرها کار می‌کنند؛ یعنی به اندازه تعداد کلمه‌هایی که می‌نویسند، پول می‌گیرند. آن دسته از نویسندگان که معروف و شناخته شده هستند، با ناشرها قرارداد می‌بندند تا اگر کتاب به چاپ‌های بعدی رسید، از فروش آن درصدی هم نصیب آن‌ها شود. در این میان هم عده‌ای هستند که نه فروش کتاب برایشان مهم است و نه نقدهایی که نسبت به کتاب می‌شود؛ در واقع تنها موضوع مهم انتشار کتابی به نام خودشان است. این افراد که دغدغه مالی ندارند، تمام هزینه‌های انتشار کتاب را برعهده می‌گیرند. البته با توجه به تیراژ ۱۰۰۰ تایی کتاب و پایین بودن سرانه مطالعه، شاید بهتر باشد از سود و منفعت مالی برای نویسندگان صحبت نکنیم. هنوز هم بعضی از کارشناسان حوزه کتاب، به دلیل این که نویسندگی در ایران در حدی نیست که بتوان از طریق آن مخارج زندگی را تأمین کرد، آن را یک شغل به حساب نمی‌آورند.

سود در آثار ترجمه است؟

اگر دقت کرده باشید، تعداد کتاب‌های ترجمه بیشتر از تعداد آثار تالیفی است. این هم یک دلیل بسیار مهم و اساسی دارد؛ عضو نبودن در کنوانسیون حمایت از آثار ادبی و هنری. یعنی چون ما عضو قانون کپی‌رایت جهانی نیستیم، می‌توانیم به راحتی هر کتابی را که در دنیا منتشر می‌شود، به فارسی ترجمه کنیم، بدون این که به نویسنده و ناشر اصلی آن، که حق امتیاز آن اثر را دارند، پولی بپردازیم. این موضوع باعث شده که هم تعداد مترجم‌ها در کشورمان زیاد شوند و هم تعداد آثار ترجمه. به نظر می‌رسد که انتشار این کتاب‌ها به صرفه‌تر هستند؛ چون هزینه‌ای به نویسنده اصلی پرداخت نمی‌شود و از طرفی هم به خاطر شهرت جهانی نویسنده‌اش، اثر او با فروش بهتری روبه‌رو می‌شود.

کتاب بود، صحبت می‌کردی، بحث از هر جایی که شروع می‌شد، به گرانی کاغذ می‌رسید. همان زمان موضوعات مختلفی در رابطه با افزایش یا کاهش قیمت کاغذ مطرح شد که بسیاری را سردرگم می‌کرد. به طور مثال، رئیس اتحادیه چاپخانه‌داران اصفهان در گفت‌وگویی به نقش پررنگ دلان اشاره کرد و گفت که کاهش دلار تأثیری در قیمت کاغذ نداشته. این در حالی بود که بعضی‌ها از تأثیر مستقیم نرخ دلار بر قیمت کاغذ می‌گفتند. از طرفی احمدرضا اعتماد مظاهری، مدیرعامل شرکت تعاونی چاپخانه‌داران تهران، علت گرانی کاغذ گلاس را موجی



کتاب بدون کتابخوان

ناگفته پیداست تا زمانی که تقاضایی نباشد، عرضه‌ای هم صورت نمی‌گیرد. هرچقدر تقاضا بیشتر باشد، دامنه عرضه هم فراگیرتر می‌شود و بازار کالای مورد نظر هم رونق بیشتری پیدا می‌کند. مثال بسیار بارز را در ورزش می‌توانیم ببینیم؛ جایی که بیشترین مدال‌های جهانی و المپیک در رشته‌هایی مانند وزنه‌برداری، کشتی و تکواندو کسب می‌شود، اما بیشترین هزینه در فوتبال صورت می‌گیرد. به جرئت می‌توان گفت که مهم‌ترین جزء در بازار نشر کتاب، مخاطب است. پایین بودن سرانه مطالعه در کشور ما امری نیست که بتوان آن را انکار کرد. کافی است نگاهی به تیراژ کتاب‌ها بیندازیم؛ برای کشوری با جمعیت بیش از ۷۰ میلیون نفر، میانگین تیراژ کتاب‌ها رقمی نزدیک به ۱۰۰۰ یا ۱۵۰۰ است. این موضوع وقتی جالب‌تر (یا بهتر بگوییم، تاسف‌بارتر) می‌شود که بی‌می‌بریم کتاب‌فروشی‌های کشور، ۵۰۰ عدد از کتابی را که فقط هزار نسخه از آن منتشر شده، به ناشر برمی‌گردانند. با این حال، بعضی‌ها اعتقاد دارند که دلیل پایین بودن تیراژ کتاب‌ها، گرانی آن است. باید از این افراد پرسید که آیا در کشور فقط کتاب گران می‌شود؟ چطور است که با افزایش قیمت مواد غذایی، هنوز هم رستوران‌ها و فست‌فودها شلوغ هستند و مردم برای خرید از آن‌ها صف می‌کشند؟ باید به خاطر داشته باشیم که این مسئله نیازمند فرهنگ‌سازی است؛ اتفاقی که به نظر می‌رسد هنوز برنامه‌ای برای آن در نظر گرفته نشده.

قیمت کاغذ و تأثیر زلزله‌های هیبتی بر آن

برای انتشار یک کتاب، پیش از هر چیز به کاغذ احتیاج داریم. وقتی کاغذ نباشد، نه کاری از نویسنده معروف برمی‌آید و نه کاری از ناشر معتبر! تقریباً شبیه اتفاقی که سال گذشته انتشاراتی‌ها با آن درگیر بودند؛ گرانی کاغذ. مسئله‌ای که برای مدتی تیتیر یک خبرگزاری‌ها شد و با هر شخصی که دستی به قلم داشت یا سروکارش با

می‌داند که برخی در بازار در مورد نیاز تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری به این نوع کاغذ به راه انداختند. پس از توافقات ژنو عده‌ای منتظر کاهش قیمت کاغذ بودند، اما این موضوع هم تأثیر قابل ملاحظه‌ای نداشت. به هر حال، عوامل بسیاری در این امر دخیل بودند و هستند. حتی سه سال قبل، زلزله‌ای هم که در شیلی و هایتی رخ داد، باعث افزایش ۱۰ تا ۱۵ درصدی قیمت کاغذ شد؛ اما موضوع جالب و دارای اهمیت در این میان این است که با توجه به پایین بودن سرانه مطالعه در کشورمان، خریدن کتاب جزو هزینه‌های فرعی به حساب می‌آید. به این ترتیب، گران شدن کاغذ و در پی آن گرانی کتاب، باعث کاهش چشم‌گیر خرید کتاب می‌شود.

بهترین زمان برای آموختن هر مهارتی، دوران جوانی است. کسب مهارت‌های سرمایه‌گذاری نیز از این قاعده مستثنی نیست. هنگام آموختن موضوعی جدید اشتباهات شایع پیش می‌آیند، اما وقتی پای سرمایه در میان است، اشتباهات گاه پیامدهای بسیار خطرناک دارند. سرمایه‌گذارانی که آموختن و دادوستد را از جوانی آغاز می‌کنند، معمولاً انعطاف و زمان کافی برای پذیرش ریسک و جبران اشتباهات مالی را دارند. اما اجتناب از اشتباهات شایع زیر، احتمال موفقیت را افزایش خواهد داد.

سرمایه‌گذاران جوان چگونه پولشان را به باد می‌دهند

برای بقیه عمر سرمایه‌گذاری‌اش به شدت کاهش یابد.

سوال نکردن

اگر ارزش سهامی به شدت کاهش یابد، سرمایه‌گذار جوان انتظار دارد قیمت‌ها به سرعت افزایش یابد، اما در اغلب موارد علتی برای کاهش قیمت‌ها وجود دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده به تصمیم‌ها در حوزه سرمایه‌گذاری، پرسیدن علت‌هاست. اگر سهامی با نصف ارزش ذاتی که سرمایه‌گذار تصور می‌کند دارد، در حال دادوستد است، علتی برای این امر وجود دارد و وظیفه پیدا کردن علت بر دوش سرمایه‌گذار است. سرمایه‌گذاران جوانی که تجربه‌ای در زمینه شکست‌های سرمایه‌گذاری ندارند، بسیار احتمال دارد بدون بررسی و اطلاعات کافی تصمیم بگیرند.

سرمایه‌گذاری نکردن

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، هنگامی که افق زمانی سرمایه‌گذار بلندمدت است، او بیشترین توانایی را برای کسب سود بالا و پذیرش ریسک بالا دارد. سرمایه‌گذاران در جوانی بیشترین افق زمانی و در نتیجه بالاترین تحمل را برای پذیرش ریسک دارند. معمولاً سرمایه‌گذاران جوان تجربه کمتری در مورد پول دارند، در نتیجه اغلب به این فکر می‌کنند که اکنون با پول خود چه سودی می‌توانند کسب کنند و کمتر بر اهداف بلندمدت (نظیر بازنشستگی) تمرکز می‌کنند. اما خرج کردن پول به جای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، به شکل‌گیری عادات زیان‌بار منجر می‌شود و فرد در دوران بازنشستگی از استقلال مالی بی‌بهره خواهد بود.

نتیجه‌گیری

سرمایه‌گذاران جوان باید از سن خود و توانایی پذیرش ریسک بالا بهره ببرند. به‌کارگیری روش‌های صحیح سرمایه‌گذاری هنگام ورود به بازار زمینه را برای تشکیل سبدهای مناسب از دارایی‌ها فراهم می‌کند. به یاد داشته باشید که ریسک‌های زیادی هنگام تصمیم‌گیری‌ها در برابر سرمایه‌گذاران کم‌تجربه‌تر و جوان‌تر وجود دارد. امیدواریم اجتناب از برخی اشتباهات رایج ذکر شده در این مقاله به سرمایه‌گذاران جوان کمک کند از همان ابتدا با اصول سرمایه‌گذاری آشنا شوند و از فعالیت‌های خود سود ببرند.

سرمایه زمان کافی برای جبران آن از طریق ایجاد درآمد و سودهای بعدی دارد. این امر ممکن است دلیلی باشد برای سرمایه‌گذاران جوان تا وارد سفته‌بازی شوند. اما این رفتار اشتباه است. هر سرمایه‌گذار جوان یا تازه‌کار، در صورتی که از روند سرمایه‌گذاری درک کافی نداشته باشد، تمایل دارد وارد سفته‌بازی شود. سفته‌بازی اغلب کاری شبیه قمار است، زیرا سفته‌باز لزوماً دلیلی برای خرید سهامی خاص ندارد جز این‌که فکر می‌کند احتمالاً قیمت آن افزایش خواهد یافت. این روش برای تصمیم‌گیری در حوزه سرمایه‌گذاری خطرناک است، زیرا تعداد زیادی سرمایه‌گذار حرفه‌ای و باتجربه در بازار هستند که منتظرند از اشتباهات سرمایه‌گذاران بی‌تجربه استفاده کنند.

به جای سفته‌بازی و قمار، سرمایه‌گذاران جوان باید به دنبال شرکت‌هایی برای سرمایه‌گذاری باشند که ریسک بالاتری دارند، اما پتانسیل رشد آن‌ها در بلندمدت بالاتر است. بنابراین با این‌که سبدهای پریسک برای یک سرمایه‌گذار در دوران بازنشستگی مناسب نیست، سرمایه‌گذاران جوان می‌توانند چنین سبدهایی داشته باشند، اما تنها در صورتی که بررسی‌های لازم و کافی را درباره سهام این سبدها کرده باشند و چشم‌پوشی وارد سرمایه‌گذاری نشوند.

استفاده بیش از اندازه از اهرم

استفاده از اهرم فواید و نقاط ضعف خاص خود را دارد. اگر زمانی وجود داشته باشد که سرمایه‌گذار بتواند بر اهرم سبدهای سرمایه‌گذاری خود بیفزاید، آن زمان دوران جوانی است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، سرمایه‌گذاران جوان توانایی بالاتری برای جبران زیان‌های خود از طریق ایجاد سود یا درآمد دارند، اما شبیه سفته‌بازی، اهرم نیز می‌تواند بر سبدهای سرمایه‌گذاری تأثیر منفی بگذارد.

اگر یک سرمایه‌گذار جوان می‌تواند کاهش ۲۰ تا ۲۵ درصدی ارزش سبدهای خود را تحمل کند، کاهش ۴۰ تا ۵۰ درصدی که در مرحله اهرم‌سازی حاصل می‌شود، بالاتر از حد تحمل این سرمایه‌گذار خواهد بود. پیامدهای چنین کاهش‌هایی شبیه زمانی است که از سفته‌بازی به سبدهای وارد می‌شود؛ سرمایه‌گذار جوان ممکن است ناامید شود و میزان ریسک‌پذیری او

به تعویق انداختن کارها

به تعویق انداختن کارها همواره تبعات منفی در پی دارد، اما در حوزه سرمایه‌گذاری این عادت بسیار زیان‌بارتر است، زیرا تحولات در بازارها بسیار سریع رخ می‌دهند. یافتن ایده‌های سودآور سرمایه‌گذاری همواره ساده نیست و اگر پس از مدت‌ها جست‌وجو و تحقیق به ایده‌ای مناسب برخوردید، ضروری است هر چه زودتر و قبل از این‌که دیگر سرمایه‌گذاران به آن پی ببرند، وارد عمل شوید. بسیار رخ می‌دهد که سرمایه‌گذاران جوان به دلیل ترس یا فقدان تجربه کافی، به موقع اقدام نمی‌کنند.

از دست دادن فرصت ممکن است دو وضعیت بسیار بد برای سرمایه‌گذاران جوان پدید آورد؛ اولی گول زدن خود، اقدام دیر هنگام یعنی خرید سهام هنگامی که قیمت‌ها به اوج خود رسیده‌اند. برای مثال فرض کنید سرمایه‌گذار متوجه می‌شود سهامی که قیمت آن ۲۵۰ تومان است، ۵۰۰ تومان می‌آورد. اگر قبل از آن‌که او به خرید این سهام اقدام کند، قیمت‌ها به ۵۰۰ تومان برسند، در این هنگام او برای منطقی جلوه دادن اقدام خود، فرض کند ارزش واقعی سهام یادشده ۶۰۰ تومان است و اقدام به خرید کند.

دومی جست‌وجو برای یافتن یک جایگزین؛ این به آن معناست که سرمایه‌گذار مثال بالا که نتوانسته سهام با قیمت ۲۵۰ تومان را بخرد و قیمت‌ها حال به ۵۰۰ تومان افزایش یافته‌اند، ممکن است به سرعت تلاش کند سهامی دیگر را که قیمت آن دو برابر خواهد شد، بیابد. در نتیجه ممکن است او بدون بررسی سریعا سهامی را بخرد تا فرصت از دست‌رفته پیشین را جبران کند. این اقدام در اکثر اوقات به خرید سهامی کم‌ارزش و زیان سرمایه‌گذار منجر می‌شود.

سفته‌بازی به جای سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذار جوان در زندگی مالی خود از مزیتی بزرگ برخوردار است، زیرا او در مقایسه با یک سرمایه‌گذار میان‌سال یا سال‌خورده می‌تواند ریسک بالاتری بپذیرد و سود بالقوه بالاتری هم کسب کند. در واقع معمولاً سن بر میزان ریسکی که سرمایه‌گذار می‌تواند بپذیرد، تأثیر دارد.

اگر سرمایه‌گذار جوان باشد، در صورت از دست دادن

پایه‌های چه گذشت در تاریخ ایران



روی گنجه‌هایی قدم می‌گذاریم که دیرزمانی برای طراحی و رنگشان وقت صرف شده و به قول پروین اعتصامی خون از سرانگشت‌ها چکیده برای بافتن و رفوکردنشان. (۱)

اشک و جان کودگانی که صدها سال به جای درس آموختن پای دارهای قالی نشست‌اند و توی سردابه‌ها و اتاق‌های نمور کمر خم کرده‌اند و نان خانواده را با سپید کردن گیشان داده‌اند. همین هم هست که پروفیسور پوپ مطالعه دقیق قالی را بهترین مقدمه برای آگاهی از صنایع ایران می‌داند، زیرا «این صنعت بیش از تمام صنایع خصایص مخصوص و رسوم متنوع قدیمی را در بر داشته و مراحل مختلف زندگی و فرهنگ ایران را نشان می‌دهد.» (۲)

همان فرهنگ پرنقش‌ونگاری که مثل فرش پر از رسوم و آداب مختلف و شکل‌های متنوع و هزار زبان و هنر است و شعرای ایرانی در مدحش شعرها گفته‌اند و سلاطین این همسایه و آن همسایه از حسادتش رنج‌ها برده‌اند و پادشاهان و وزیران و سفیران خوش‌سلیقه همه دنیا حداقل یکی یک دانه‌اش را بر زمین دفتر کارشان انداخته و از زیبایی‌اش انگشت به دهان گزیده‌اند.

قالی‌های خوش‌نقشی که مثل غزلی شیرین بر دفتر شعر صنایع دستی ایران نشست‌اند، تاج‌اند بر دست‌باف‌های ایرانی، گردن‌آویز یاقوت و فیروزه‌اند بر هنرش و وقتی مثل آن مغرش ابریشم که ناصرالدین شاه به حرم امام رضا هدیه کرده بود، با مرواریدها و زمردها می‌درخشند، چشم را

خیره می‌کنند از آن سوی تاریخ تا این سو.

اما این قالی‌ها قصه هم زیاد دارند؛ تو از قصه رنج بافتن بگیر تا قصه نارنج و ترنج و اسلیمی و شاه عباسی و ترنج و افشانش. (۳)

داستان محراب و محرمات نقش قالی، حکایت گره ترک و فارس، روایت آمدن نخ ابریشم به دار قالی و هزار و یک داستان و قصه دیگر. این میان اما گاهی قصه‌ها خود تاریخ‌اند، پانگداشته بر قالی شاید، اما ایستاده بر سینه حکایت‌های تاریخی...

۱- قالی خوب ایران مانند قطعه شعر زیبایی است که بافنده آن مانند شاعر جمال طبیعت را ترجمه و به صورت شیء زیبایی درآورده که هم قشنگ است و هم قابل استفاده. ویلسن، تاریخ صنایع ایران (۴)

۲- در وصف قالی ایرانی و زندگی روی قالی تاریخ‌گفته‌ها و ناگفته‌های بسیار دارد؛ تو از شرح حال پادشاهان و پسرانشان روی قالی‌های بزرگ و رنگین بگیر تا رنگین و مرواریددوزی‌هایی که به پادشاهان کشورهای دیگر هدیه می‌دادند و شرحشان در سفرنامه‌ها و خاطره‌نویسی‌های روزگار دور آمده و البته شرح زندگی روزگار گذشته مردم، آن روی فرش نشست‌هایشان، نوروز و عاشورایشان و همه احوالشان که با فرش ایرانی گره خورده بود و البته خضوعی که نشستن روی قالی ایرانی باعث و بانی‌اش بود؛ قالی‌ای که هرکسی می‌توانست یک دانه‌اش را روی زمین خانه‌اش پهن

کند و نقش آسمان داشت و بهشت.

۳- «... ارباب و رعیت روی زمین می‌نشستیم. این فضولات به عنوان مبل لازم نبود، به اتاق مهمانخانه، دفتر خواب، ناهارخوری حاجت نداشتیم؛ سه تخته نمد و یک قالی اتاق را قابل سکنا می‌کرد، امروز میز و تخت و صندلی فضای اتاق را گرفته و به تناسب در همه مراتب تکلفات افزوده، همه مایه دردسر و مخارج بیپهوده...»

مخبرالسلطنه، خاطرات و خطرات (۵)

۴- «قسمی از گلیم پرزدار منقش گران‌بها که خالی نیز گویند.»

از فرهنگ ناظم الاطباء (۶)

۵- یکی از مهم‌ترین قصه‌هایی که حول و حوالی قالی گفته می‌شود، قصه آمدن گریبایدوف، فرستاده امپراتور روسیه، است به حضور فتحعلی شاه، پادشاه قاجاری، در روزی سرد، آن هم برای مطالبه غرامت جنگ.

تاریخ می‌گوید وزیر مختار مغرور با چکمه‌های بلند روسی و کلاه افسری به کاخ شاهی وارد شد که مثلا استوارنامه تقدیم کند و البته غر بزند که چرا پادشاه ایران به حد کافی در انجام مفاد قرارداد ترکمنچای سعی و تلاش نکرده، اما از بخت بدش، یا از شدت غم و دل‌تنگی‌اش بابت تبعیدش به کشوری دور، گوش و چشمش به روی آداب ایرانی بسته بود و همین هم شد که با همان چکمه‌های گلی به روی فرش‌های رنگین قدم گذاشت و جلوی شاه نشست و دهان

همه را باز گذاشت. (۷)

از همان جا هم بود که خیلی‌ها دشمنش شدند و به دنبال فرصتی برای گوش برایش گشتند و تا خراب‌کاری کرد، چنان ریزشش کردند که تکه بزرگ‌اش همان گوشش شد؛ همان گوش‌هایی که نشنید می‌گویند روی قالی باید کفش کند و احترام گذاشت؛ حالا چه جلوی روی شاه چه جلوی روی رعیتش.

۶- «در تقبیل سده سلطنت و گفت و شنود در حضرت خلافت (فتعلی‌شاه) خضوعی [که] در خور چاکران است، نداشت و قدم به جرئت و جسارت نمی‌زد و سخن به غلظت و خشونت نمی‌گفت.»

قسمتی از نوشته تاریخی محمدتقی لسان‌الملک سپهر درباره اولین دیدار وزیر مختار و شاه قاجاری (۸)

۷- «می‌گویند که اسکندر کبیر وقتی برای اولین بار مقبره کوروش بزرگ را بازدید کرد، مشاهده کرد که آن با قالی خیلی خوب پوشیده شده و نیز می‌گویند که در قصر تیسفون با طاق کسری در زمان ساسانیان یک قطعه قالی وجود داشته که با جواهر و فلزات قیمتی پوشیده شده بود، ولی شرح این قالی آن قدر با افسانه آمیخته شده که نمی‌توان آن را کاملاً باور کرد...»

دهخدا

۸- قدیمی‌ترین قالی جهان، قالی بازریک با افسانه‌های بافنده‌اش، قالی مرواری‌دوز

حرم امام رضا، فرش پانصد ساله مقبره شاه عباس صفوی، فرش مشروطه تبریز و صدها فرش و قالی دیگر حامل هزاران افسانه‌ها و قصه‌های قشنگ‌اند که همراه این اشیای گران‌بها و زیبا به ما ارث رسیده است. گنجی در تصاویر و نقوش این زیرانداز پرزدار که به قول تاریخ‌نویس «ایرانیان برای این‌که بسترشان نرم باشد، قالیچه زیر بستر خود می‌گسترند» و به قول فردوسی گاهی به قدری زیباست که زمین را همچون آسمان پر از نقش‌های رنگین می‌کند.

۹- «در قالی‌قلا فرشی بافته می‌شود که آن را قالی نامند و قالی نسبت اختصاری است به شهر قالی‌قلا و قالی‌قلا شهری است در ارمنستان کبیر... از عهد انوشیروان، هنوز ارمنستان به دست ایرانیان بود تا اسلام آمد... «ارمینیاغس» یکی از مردم ارمنستان زمام حکومت... را در دست گرفت. پس از وی زنی به حکومت رسید به نام «قالی» و شهری ساخت و آن را «قالی‌قاله» نامید که به معنای احسان است.»

در نَزْهَةُ الْقُلُوبِ حَمَلَةُ مستوفی (۹)

۱۰- یکی از آن پادشاهانی که همیشه سهمی خواندنی و عجیب در تاریخ شفاهی ما دارند، جناب ناصرالدین شاه قاجار است که تقریباً توی دفتر خاطراتش و عکس‌هایش می‌شود درباره هر شیء و اسم تاریخی یادداشت و عکسی پیدا کرد. حتی می‌گویند در سال‌های سلطنت همین شاه هم بوده که توجه سفیران و وزیران دولت‌های خارجی به فرش ایران جلب شده و صادرات فرش رونقی پیدا کرده و حتی یکی از زنان روزگار آخرش به نام خانم باغبانباشی بافنده بوده و عکسی هم در میان عکس‌های حرم شاهی

که خود شاه زحمت گرفتنش را کشیده از این خانم هست در حال یافتن فرش. غافل از دل سوخته این خانم که همان وقت برای انتقام می‌زده و دست‌های زخم‌شده از گره ترکی‌اش لاید، چون اگر خوب به پیچ‌پچه‌های یواشکی تاریخ گوش بدهیم، می‌شنویم که ناصرالدین شاه بر اثر توطئه و خیرچینی همین زن جوان بوده که طعمه گلوله شده و زیر خاک رفته، آن هم به خاطر این‌که درست وقتی داشته از زن نوجوان و باردارش عکس می‌انداخته، دل در گروی خواهر تازه‌سال زن داشته و خلاصه انگار همان روزها قصه‌ای تلخ بر آن قالی نقش انداخته و گل‌دار شده از بد حادثه. البته اگر نخواهیم از دل خونین میرزا رضای کرمانی و زن و بچه‌اش



هم حرفی بزنیم و چیزی بگوییم.

۱۱- یکی دیگر از قالی‌هایی که سهمی در تاریخ و قصه‌های ما دارند، قالی مشروطه است؛ یکی از ده‌ها قالی قشنگی که بعد از قیام مشروطه به یاد مردان و زنان غیور آذربایجان بافته شد. این قالی سرخ که با قرمزداغ رنگ شده و انگار به خون مشروطه‌خواهان رنگ گرفته، شعری زیبا دارد بر



تارکش که خواندنش خالی از صفا نیست؛ یاشاسین مشروطه، آباداولسون ملک ایران باشلاندی ایکی ایل بوندان ازل شورش ایران استردیله مشروطه نی کیم حوراولانسان مین لرحه بویولدا وئر یلن صونکره قربان فتح اولدی بو تاریخده چون قلعه تهران مین دو قوز یوز دو قوز میلادی (ایول) مین اوچ یوز ایگرمی یدی (شریعه) زنده باد مشروطه، آباد باد ملک ایران

شورش ایران دو سال پیش آغاز شد به خاطر این مشروطه می‌خواستند که انسان آزاد باشد و در این راه هزاران نفر تا آخرین قربانی پیش رفتند چون در این تاریخ قلعه تهران فتح شد هزار و نهصد و نه میلادی (ایول)

هزار و سیصد و بیست و هفت (شریعه) (۱۱)

۱۲- قصه دیگری که اهالی تاریخ از قالی ایران نقل می‌کنند، قصه دل بستن هیتلر به قالی ایرانی است. پیشوای آلمان که با تفکرات غریب خودش برای خیلی از مردم جهان جنگ و نیستی آورد، هنرمند و نقاش و هنردوست بود و آن‌طور که مادر محمدرضای پهلوی در خاطراتش می‌گوید، سخت دل‌بسته قالی‌اهدایی دربار شد. خانم تاج‌الملوک در خاطراتش می‌گوید: «ما برای هیتلر چند هدیه برده بودیم که عبارت بود از دو قطعه قالی نفیس دست‌باف ایرانی و مقداری پسته رفسنجان و هدایای دیگر. حاج محتشم السلطنه اسفندیاری قالی‌ها را در جلوی پای هیتلر باز کرد و شروع به توضیح دادن کرد. هیتلر خیلی از نقش قالی‌ها و بافت و رنگ آن‌ها خوشش آمد. روی یک قالی که در تبریز بافته شده بود، عکس خود هیتلر بود. روی قالی دیگر هم علامت آلمان نازی را نقش کرده بودند. از مطالب هیتلر دستگیرمان شد که باورش نمی‌شود این تصاویر ظریف را با دست بافته باشند. هیتلر هم متقابلاً سه قطعه عکس خود را امضا کرد و به من و دخترانم

داد. دیلم‌جای سفارت گفت: آقای هیتلر می‌گویند متاسفانه پیشوای آلمان مثل شاه ایران ثروتمند نیست و نمی‌تواند متقابلاً هدیه گران‌قیمت به ما بدهد و از این بابت معذرت می‌خواهد.»

خاطرات تاج‌الملوک، ویراستار مصطفی اسلامی

۱۳- «خونت برای قالی سلطان بریختند

ایله چرا نخفتی بر بوریای خویش»

سعدی

توضیحات:

۱- «از رنج پاره دوختن و زحمت رفو /خونابه دلم ز سر انگشت‌ها چکید»؛ پروین اعتصامی ۲- پروفیسور پوپ می‌گوید: «شاید مطالعه دقیق قالی‌های اولیه بهترین مقدمه برای آگاهی از صنایع ایران باشد، زیرا این صنعت بیش از تمام صنایع خاصیت مخصوص و رسوم متنوع قدیمی را در بر داشته و مراحل مختلف زندگی و فرهنگ ایران را نشان می‌دهد. قالی‌های عالی ایران را شعرا مدح گفته و سیاحان تمجید و تعریف کرده‌اند. سلاطین کشورها بر آن حسد برده و کشورهای دیگر از آن تقلید کرده‌اند. قالی‌های ایران روح حقیقی صنعت این کشور را مجسم می‌سازد...» ۳- قالی ایران، ادوارد سیسیل، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران، انجمن دوستداران کتاب ۴- تاریخ صنایع ایران، ج. کرستی ویلسن، ترجمه عبیده فریار، ناشر: بروخیم ۵- خاطرات و خطرات، مخیرالسلطنه هدایت، کتاب‌فروشی زوار، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۱ ۶- لغتنامه و فرهنگ دهخدا ۷- گریبایدوف شاعر سیاست‌پیشه، لارنس کلی، ترجمه غلامحسین میرزاصالح، نشر نگاه معاصر ۱۳۸۶ ۸- سایت موسسه مطالعات تاریخ ایران، مقالات ۹- لغتنامه و فرهنگ دهخدا ۱۰- سایت موسسه مطالعات تاریخ ایران، بخش زنان، شماره ۲۱-۱۱، روزنامه شرق به تاریخ ۱۳۸۵/۳/۷

یادداشتی از امیدبنام ۱۲- خاطرات تاج‌الملوک، ویراستار مصطفی اسلامی، انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۲- بگسندر فرشی ز دبیای چین که گفتی مگر آسمان شد زمین فردوسی



به مناسبت اول خرداد روز جهانی بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف

بهره فراوانم آرزوست...

آقا انجام نمی‌شود و برنامه‌ای برای زندگی و بهبود آن پیش‌بینی نشده است.

حالت دوم: با در نظر گرفتن بهره‌وری

آقا صبح زود بیدار می‌شود، بعد از ورزش صبحگاهی و صرف صبحانه راهی اداره می‌شود. از وسایل حمل‌ونقل عمومی برای طی مسیر استفاده می‌کند و در راه روزنامه یا کتاب می‌خواند. صبح به موقع سر کار حاضر می‌شود و با انگیزه و روی خوش وظایف خود را انجام می‌دهد و کار ارباب رجوع را راه می‌اندازد و حضور او باعث افزایش کارایی و کیفیت کارهای واحد می‌شود. با همکاری‌اش برای بهتر شدن امور مشورت و هم‌فکری می‌کند. ظهر غذای سالمی می‌خورد و بعد به انجام مابقی کارها می‌پردازد. بعد از آمدن به خانه تا زمان روشنایی روز پرده‌ها را کنار می‌زند و از نور طبیعی برای روشن کردن خانه استفاده می‌کند. با حداقل آب مورد نیاز دوش می‌گیرد. حواسش هست که وسایل گرم‌کننده یا خنک‌کننده بدون نیاز روشن نباشند و برای خنک بودن خانه پنجره‌ها را باز می‌کند. برای گرم شدن فضای خانه با همسر و فرزندان صحبت می‌کند. شام هم غذایی سالم می‌خورد و هنگام صرف غذا درباره مسائل همسر و فرزندان با آنها صحبت می‌کند و با هم‌فکری همدیگر راهکار برای مسائل و مشکلات خانواده پیدا می‌کنند. مسائل مالی را مدیریت می‌کند. فرزندان با انگیزه به دنبال یادگیری درسشان هستند و در درس‌هایشان از پدر و مادرشان کمک می‌گیرند و موفق هستند. زندگی فردی و اجتماعی این آقا و خانواده‌اش زنده و پویاست و برای خودشان و جامعه‌شان مفیدند.

برای رفع خستگی و صرف صبحانه صرف می‌کند و بعد کار را شروع می‌کند. اکثر کارها را نصفه و نیمه انجام می‌دهد، به همکاری‌اش برای انجام دادن کارها استرس می‌دهد، انگیزه کاری بالایی ندارد، وظایفش را به عنوان کارمند به‌درستی انجام نمی‌دهد. هنگام ظهر حدود یک ساعت و نیم را برای استراحت و ناهار صرف می‌کند و بعد دوباره زمان کار است که با چند کار نیمه‌کاره می‌گذرد، تلفن‌های روزمره زده می‌شود و زمان زیادی صرف صحبت با تلفن می‌شود. عصر دوباره در ترافیک به خانه بازمی‌گردد. وارد خانه که می‌شود، تمام چراغ‌ها را روشن می‌کند و بعد به حمام می‌رود و بعد از نیم ساعت که آب هم در تمام این مدت باز بوده است، بیرون می‌آید. برای این‌که در خانه صدایی باشد، تلویزیون را روشن می‌کند، همسرش رادیو را و فرزندان پلی استیشن و ضبط و کامپیوتر را. تصور کنید اوایل بهار است و هنوز شوفازهای خانه روشن هستند و پنجره‌ها هم برای خنک شدن هوا بازند. البته در زمستان هم درجه شوفازخانه در بالاترین درجه خود گذاشته شده بوده تا خانه گرم باشد. هنگام شام، غذا با سرعت خورده می‌شود و قبل و بعد از شام هم به علت خستگی ایشان صحبت‌های خاص و مفیدی در خانه زده نمی‌شود. حواسش به دخل و خرج خانه نیست و معمولاً به آخر ماه نرسیده خرجی خانه تمام می‌شود. فرزندان تکالیف مدرسه‌شان را بدون هیچ خلاقیت و علاقه‌ای انجام می‌دهند، وسایلشان به هم ریخته است و گاهی آن‌ها را گم می‌کنند و معمولاً چند روز یک بار هم توسط پدر تنبیه می‌شوند. کلاً هم در خانه فکری برای کارها و بهتر شدن امور خانواده توسط خانم و

بهره‌وری جزو آن دسته از کلماتی است که در زندگی روزمره اجتماعی و فردی زیاد استفاده و بر آن تاکید می‌شود، اما معمولاً با محقق شدنش فاصله زیادی وجود دارد و در حد کلام و کتاب باقی می‌ماند. معنای عبارت شفاف و گویاست؛ استفاده مطلوب از امکانات، سرمایه‌ها، نیروها، منابع و فرصت‌ها و... در واقع این استفاده باید طوری باشد که بیشترین استفاده از کمترین امکانات باشد و بهترین نتیجه را هم داشته باشد.

بحث درباره این مفهوم و باید‌ها و نبایدهای تئوریک حول محورش در منابع مختلف مانند مقالات و کتب و اینترنت فراوان است. به همین دلیل این‌جا می‌خواهیم از منظر تجربی این مفهوم را مرور کنیم، به زبان ساده. با این فرض یک روز از زندگی یک شهروند فرضی طبقه متوسط از شهر تهران را در نظر می‌گیریم و میزان کاربرد بهره‌وری را در آن جست‌وجو می‌کنیم. از یک مقایسه ساده می‌توان به کاربردها و تاثیرات ساده، اما مهم بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف پی برد. برای مثال شهروند موردنظر مردی میان‌سال، متأهل و کارمند و همراه با اضافه وزن است!

حالت اول: بدون در نظر گرفتن بهره‌وری

ساعت کاری اداره هشت صبح آغاز می‌شود. او معمولاً صبح‌ها دیر از خواب بیدار می‌شود و با کسالت راهی می‌شود. برای این‌که به موقع برسد، از وسیله شخصی‌اش استفاده می‌کند، معمولاً یک ساعت در راه است، مسیر پرترافیک را پشت سر می‌گذارد، در راه و هنگام رانندگی با چند نفر جر و بحث می‌کند و صبح با تاخیر سرکار می‌رسد. حدود یک ساعت را

درباره آلیس مونرو، نویسنده برنده نوبل

شوهر ایده‌آل فقط در داستان‌ها پیدا می‌شود!



مینا زندگی

آلیس مونرو، همان زن خانه‌داری است که داستان‌های کوتاه می‌نویسد و با همین داستان‌های کوتاه‌اش، در سال ۲۰۰۲ برنده جایزه نوبل شد. نویسنده مجموعه داستان کوتاه‌هایی از جمله «رقص سایه‌های شاد»، «زندگی دختران و زنان»، «فکر کردی کی هستی؟» و «فرار». او همان نویسنده‌ای است که ترانه علی‌دوستی کتابی از او را به فارسی ترجمه کرده است. ترانه علی‌دوستی همان بازیگر مشهور سینمای ایران است، دختر حمید علی‌دوستی، بازیکن سابق تیم ملی و همای تهران. ای بابا... حالا سراغ او رفته‌ایم تا کمی درباره آخرین کتابش بدانیم. «زندگی دوست‌داشتنی» یکی از کتاب‌های پرفروش سال ۲۰۰۲ بود و وقتی کتاب یک نویسنده جدی موفق می‌شود، حتماً ما با کتاب خاصی روبه‌رویم.

دستور کار

آلیس مونرو برنده جایزه پن/مالامود، جایزه حلقه منتقدان کتاب ملی، جایزه اوهری و جایزه بین‌المللی بوکر بوده است. از این نویسنده داستان‌های مختلفی به صورت پراکنده به فارسی ترجمه شده که فقط کافی است جست‌وجوی کوتاهی در اینترنت داشته باشید. او از جمله نویسندگانی است که صبح زود از خواب بیدار می‌شود و مثل کارمندها شروع می‌کند به نوشتن و اتفاقاً شباهت زیادی به کارمندهای ایرانی دارد، چون هم زیاد مرخصی می‌گیرد و هم تخصص بالایی برای از زیر کار در رفتن دارد. او هر وقت که حوصله نداشته باشد، نوشتن را کنار می‌گذارد. آلیس از همان بچگی علاقه زیادی به نوشتن داشت. می‌گوید که اسم آدم‌ها زندگی‌شان را تغییر می‌دهد و اسم او، باعث شده تا همه او را با داستان «آلیس در سرزمین عجایب» بشناسند. او از همان روزهای کودکی یادگرفت که بچه‌های دور و اطرافش را با قصه‌گفتن سرگرم کند. اما نوشتن بعدها برایش یک حرفه شد با همه خوبی‌ها و بدی‌هایش. «واقعاً برایم شگفت‌آور بود که این همه نویسنده مستعد در نسل‌های پیشین خانواده‌مان وجود داشته است. اما حقیقت این بود که اطرافیانم به غیر از مادرم همیشه مرا تشویق می‌کردند تا مثل آن‌ها بافندگی یاد بگیرم. مثلاً خاله‌ها و مادربزرگم همیشه بر این امر اصرار داشتند و من هم هیچ‌وقت علاقه‌ای به این موضوع نشان ندادم. یک روز در کمال شگفتی همگی‌شان اعلام کردند که می‌خواهم نویسنده شوم، که سرانجام هم شدم.»

می‌گوید همه داستان‌هایی که می‌نویسد، از همان لحظه اول برایش دل‌چسب نیستند. خیلی از این داستان‌ها، کمی بعد از آن که شروع می‌شوند، خود به خود جالب می‌شوند. «مثلاً همین الان روی داستانی کار می‌کنم که خیلی داستان را دوست ندارم. هر روز صبح روی آن کار می‌کنم و چنگی به دلم نمی‌زند. واقعاً دوستش ندارم، اما ادامه می‌دهم، شاید جایی تغییری رخ دهد و جذب آن شوم.» (البته منظور او

همین الانی که شما این نوشته را می‌خوانید نیست، چون کانادا با ما بیش از ۱۰ ساعت اختلاف زمانی دارد و از طرفی مونرو گفته که می‌خواهد بازنشسته شود.)

خاله آلیس ادامه می‌دهد: «اغلب پیش از شروع به نوشتن داستانی، کلی با آن نشست و برخاست می‌کنم. وقتی به طور مرتب وقت نوشتن ندارم، داستان‌ها مدام در ذهنم رژه می‌روند، تا جایی که وقتی می‌نشینم به نوشتن، کاملاً در آن غرق شدم. این روزها این غرق شدن را با یادداشت برداشتن انجام می‌دهم. چندین و چند دفترچه یادداشت دارم که با خط خرجنگ قورباغه پر شده‌اند. همه چیز را در آن می‌نویسم. گاهی وقتی به این نسخه‌های اولیه نگاه می‌کنم، با خودم می‌گویم واقعاً سودی هم دارند؟ می‌دانید من از آن نویسندگانی نیستم که از موهبت سرعت برخوردار هستند و سریع می‌نویسند.» مکن است او روزی از کارش راضی باشد و کلی هم چیز نوشته باشد، اما فرادیش از خواب بیدار می‌شود و حوصله ادامه دادن داستان‌ش را نداشته باشد. در این جور مواقع متوجه می‌شود که حتماً یک جای کار می‌لنگد. «اغلب یعنی ۷۵ درصد اوقات همان ابتدای کار می‌فهمم که باید بی‌خیال داستان شوم. یکی دو روز دچار افسردگی می‌شوم و دور خودم می‌چرخم. به چیز دیگری که می‌توانم بنویسم، فکر می‌کنم. مثل یک رابطه می‌ماند. وقتی می‌خواهید کسی را فراموش کنید، با فرادید دیگری بیرون می‌روید که اصلاً علاقه‌ای به او ندارد، اما هنوز این مسئله را متوجه نشده‌اید.»

دختری در جست‌وجوی شوهر ایده‌آل

داستان «آموندسن» ماجرای دختری است که گرفتار زندگی با مردی بسیار خودخواه و متکبر است. اما در نهایت تصمیمی عاقلانه می‌گیرد. او سعی می‌کند که بیشتر منطقی باشد و آن مرد را فقط در رویاهایش دوست داشته باشد. اما در داستان «رهایی ماورلی» ماجرا در مورد چند نفر روایت می‌شود که در جست‌وجوی محبت هستند. «ما در زندگی

ماشینی خود عشق و محبت را گم کرده‌ایم. یکی از این شخصیت‌ها، زن معلولی است که سرنوشت او و همسرش معلوم است و چاره‌ای جز پذیرش این زندگی ندارد. البته این را هم بگویم. گاهی وقت‌ها خیلی دوست داشتم شخصیت‌های داستان‌ها را با هم برخورد کنند و بالاخره جوری با هم کنار بیایند. اما به طور اخص در داستان «بندرگاه»، که قدری هم به داستان جوانی‌های خودم شبیه است، دوست داشتم یک همسر ایده‌آل را تصویر کنم. اما در نهایت گذاشتم شخصیت داستانم از ایده‌آل بودن خسته شود. فقط خدا می‌داند که بعدش چه خواهد شد. داستان «قطار» کمی متفاوت است. در مورد مردی است که از نبودن هیچ زنی در اطرافش بی‌نهایت خوشحال است. فکر می‌کنم به خاطر این که در دوران جوانی‌اش زنی آشوبگر او را عذاب داده بوده است. فکر هم نمی‌کنم او بتواند کمکی به خودش بکند. باید از زن‌ها فرار کند، سرنوشتش این است. می‌بینید، من این‌طور شخصیت‌های داستان‌هایم را می‌بینم و دست به نگارش می‌زنم. حالا اگر سرنوشت را هم دخیل می‌بینم، زیاد غیرعادی نیست.»

خاله آلیس دوست دارد در شهری کوچک زندگی کند و بنویسد، چون ماجراهایی که در شهرهای بزرگ روی می‌دهد، هیچ حس‌وحالی ندارند و همه آدم‌ها شبیه به هم هستند. اما به گفته او در شهرهای کوچک همه چیز دست اول است. با این همه می‌گوید که هیچ‌وقت برای نوشتن کمبود سوز نداشته است. «هیچ‌وقت مشکل ماده خام داستانی نداشتم. منتظر می‌شوم ایده بیاید و می‌آید. همیشه در نوشتن اعتمادبه‌نفس بالایی داشتم؛ اعتمادبه‌نفسی همراه با جسارت که کم‌کم اعتمادبه‌نفس جای آن را گرفت. به نظرم اعتمادبه‌نفس نتیجه احمق بودن است. چون خارج از تمام جریان‌ها زندگی کردم. وقتی مثل من در شهر کوچکی می‌نویسی که بقیه فقط می‌توانند بخوانند، فکر می‌کنی موهبتی به تو رسیده است و این اعتمادبه‌نفس می‌آورد.»

۱۵ تا ۲۱ خرداد، هفته محیط زیست

راه آب برای نجات کره زمین

شده است. واقعیت این جاست که میزان تولید و مصرف انسان‌ها به هیچ‌وجه در راستای یک توسعه پایدار نیست.

برای همین بد نیست کمی از اقتصاد آبی* صحبت کنیم، که به نظر می‌رسد تنها راه حفظ کره زمین به بهترین شکل ممکن است. یعنی طوری که نه به صنعت آسیبی برسد و نه طبیعت و منابع طبیعی نابود شوند. در نظریه اقتصاد آبی که گونتر پاولی آن را در سال ۲۰۱۰ و در کتابی به همین نام مطرح کرد، هر واحد تولیدی (مثل یک کارخانه، رستوران، زمین کشاورزی و حتی یک خانه) یک سیستم در نظر گرفته می‌شود. اقتصاد آبی معتقد است در صورتی که خروجی هر سیستم ورودی یک سیستم دیگر باشد، تولید و مصرف به بهترین شکل ممکن بهینه‌سازی می‌شود و محیط زیست بدون مختل کردن چرخه اقتصادی حفظ می‌شود.

روش بالا تاثیر قابل توجهی در حفظ و کنترل منابع تجدید، حفظ محیط زیست و رونق چرخه اقتصادی دارد. نظریه اقتصاد آبی این فرایند را به صورت یک چرخه در نظر می‌گیرد، نه یک ساختار خطی. به این ترتیب عملاً هر چیزی که از یک سیستم خارج می‌شود (خروجی)، همه آن چیزی خواهد بود که سیستم بعدی به آن نیاز دارد و مصرفش می‌کند (ورودی). از دیگر مسائلی که اقتصاد آبی روی آن تاکید می‌کند، استفاده از ورودی‌ای است که یک سیستم بنا به وضعیت جغرافیایی و اقتصادی خودش در اختیار دارد. به این ترتیب آماده‌سازی هر محصول برای مسافت‌های دور و لجستیک** باید حذف شود تا باز به توسعه پایدار نزدیک‌تر شویم.

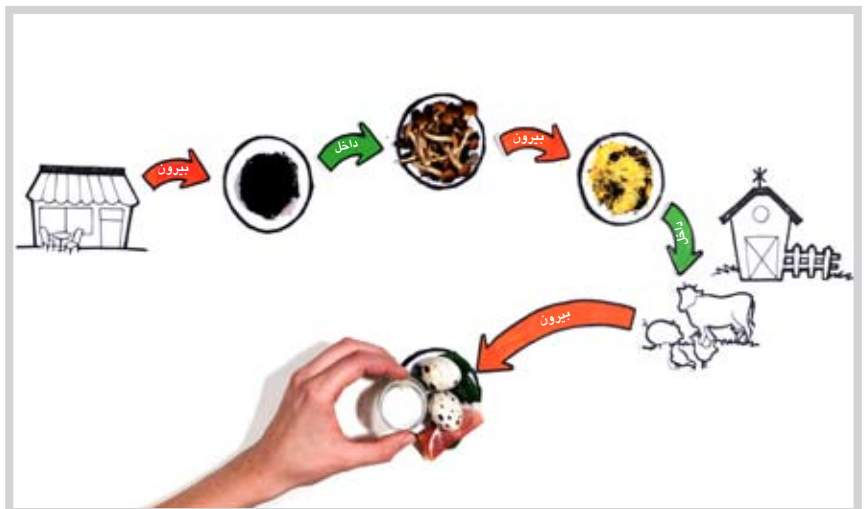
این نظریه گرچه بسیار جدید است، اما حاصل بیش از ۱۵ سال تحقیق گونتر پاولی، محقق و نظریه‌پرداز بلژیکی، است و روزبه‌روز به اهمیت و کاربردی بودن آن در دنیا توجه بیشتری می‌شود. حرف‌هایی که این نظریه برای گفتن دارد، بسیار مفصل‌تر و پیچیده‌تر از آنی است که در این مقاله بگنجد، اما همین آشنایی کم و اندیشیدن به آن خالی از لطف و سود نیست.



منابع انرژی قابل تجدید مثل نور خورشید و باد حرف زد یا روی اهمیت بازیافت و عدم قاچاق و شکار حیوانات تاکید کرد؟ تا زمانی که به هر کدام از این مسائل جدا از هم نگاه کنیم، این قصه تمام نخواهد شد. اولین انقلاب صنعتی به آلودگی روزهای مدرن اکنون منجر شد و دومین انقلاب صنعتی، میزان تخریبی را که گذشتن از حد و مرز ظرفیت طبیعت ایجاد کرده بود، برای انسان‌ها روشن کرد و حالا حس استیصال بر همه حکم‌فرما

۴۲ سال پیش سازمان ملل قطع‌نامه‌ای را تصویب کرد که منجر به تشکیل برنامه محیط زیست سازمان ملل شد. از آن زمان به بعد هر سال پنجم ژوئن مصادف با پانزدهم خرداد، این روز در سرتاسر دنیا با فعالیت‌های مختلف پاس داشته می‌شود. روز جهانی محیط زیست، از اصلی‌ترین برنامه‌های سازمان ملل برای داشتن محیطی سالم‌تر است. امسال محور این روز، تغییرات آب‌وهواست و کشور باربادوس به عنوان محل اصلی برگزاری این روز انتخاب شده است. با توجه به این‌که سازمان ملل پیش از این سال ۲۰۱۴ را سال توسعه جزایر کوچک اعلام کرده بود، دبیرکل آن، بان کی مون، به مناسبت این روز گفت: «کره زمین جزیره‌ای است که همه با هم در آن شریک هستیم. باید برای حفاظت از آن کمک کنیم.»

هر روز حرف‌های تکراری بیشتری در مورد محیط زیست، چرایی حفظ کردنش و چگونگی آن می‌شنویم؛ آن قدر که دیگر ورق زدن این صفحه و گذشتن از این مطلب عجیب نیست. فعالیت‌هایی که به صورت نمادین در روزهایی مشابه این برگزار می‌شوند، نه تاثیر درازمدتی دارند و نه ادامه پیدا می‌کنند. البته کشیدن نقاشی و پوستر و پاک‌سازی یک ساحل یا جنگل از زباله کار شایسته و بجایی است، اما در درازمدت دردی از مشکلات محیط زیستی که کره زمین هر روز بیشتر در آن فرو می‌رود، دوا نمی‌کند. تا کی می‌توان از اهمیت استفاده از



Blue Economy*

** لجستیک شامل یک‌پارچه‌سازی اطلاعات، حمل‌ونقل، موجودی کالا، انبارداری، جابه‌جایی کالا و بسته‌بندی و در مواردی شامل امنیت نیز می‌شود. لجستیک قسمتی از زنجیره تامین است که ارزش زمان و مکان را به آن می‌افزاید.

خانه سبز

راحیل ذبیحی

میلیاردها تومان برای این که بمیرم!

۱۰ خرداد روز جهانی بدون دخانیات



- دولت‌ها مالیات دخانیات را تا جایی افزایش بدهند که منجر به کاهش مصرف بشود. و به این ترتیب از مصرف دخانیات کاسته شود.

- خود افراد، جامعه و نهادهایش دولت را به افزایش مالیات دخانیات تشویق کنند، تا دولت آن را افزایش بدهد.

البته قصه همیشگی ضرر و زیان سیگار برای سلامتی می‌تواند بیشتر از این ادامه پیدا کند، اما روی دیگر قضیه که همیشه نادیده گرفته می‌شود و شاید هم اصلا دیده نمی‌شود، تاثیر سیگار روی محیط زیست است. یکی از بزرگ‌ترین و آسیب‌زاترین زباله محیط زیستی ته سیگار است که برخلاف تصور عمومی اصلا تجزیه نمی‌شود. هر سال در کل دنیا نزدیک به ۷۷۰ میلیون کیلوگرم ته سیگار جمع‌آوری می‌شود. ته سیگار وقتی روی زمین یا در آب می‌افتد، آهسته مواد سمی خود را در محیط منتشر می‌کند. کادمیم و آرسنیک موجود در ته سیگار حداکثر تا یک ساعت پس از افتادن در آب، در آن حل می‌شود و محیط زندگی جان‌داران دریایی را آلوده می‌کند. این البته منهای ته سیگارهایی است که همیشه در شکم ماهی‌ها، نهنگ‌ها و دیگر موجودات دریایی مرده پیدا می‌شود که آن را اشتباهی به جای غذا بلعیده‌اند و به همین دلیل جان خود را از دست داده‌اند.

برای فرآوری تنباکوی سیگار نزدیک به ۱۲ میلیون تن چوب خالص لازم است. در نتیجه هر سال ۶۰۰ میلیون درخت به خصوص در کشورهای در حال توسعه به همین منظور قطع می‌شود. بسته‌بندی سیگار نیز کاغذ فراوانی مصرف می‌کند. هر کارخانه تولید سیگار در هر ساعت شش کیلومتر کاغذ مصرف می‌کند. همه این‌ها برای تولید محصولی است که در درازمدت نتیجه‌ای به جز مرگ و میر ندارد.

در روز جهانی بدون دخانیات، با ۲۴ ساعت دوری از هر شکلی از دخانیات (سیگار، قلیان، پیپ و غیره) می‌توان قدم کوچکی برداشت برای رسیدن به یک دنیای بدون دخانیات.

جهانی پیش‌بینی می‌کند در صورت عدم کنترل مصرف دخانیات، میزان مرگ و میر بر اثر مصرف آن به هشت میلیون نفر در سال خواهد رسید. این روز از سال ۱۹۸۷ به این اسم نام‌گذاری شده و نمادش زیرسیگاری پر از آب باگلی شناور در آن است.

از راهکارهایی که برای کاهش مصرف دخانیات در نظر گرفته می‌شود، افزایش مالیات برای این محصولات است. به این ترتیب مصرف دخانیات در میان قشر کم‌درآمد و همین‌طور جوانان به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. تحقیقات نشان می‌دهد افزایش مالیاتی که تا ۱۰ درصد به قیمت سیگار



بیفزاید، مصرف آن را تا چهار درصد در کشورهای پردرآمد و تا هشت درصد در کشورهای کم‌درآمد کاهش می‌دهد. اما مسجیدی سال گذشته اعلام کرد که مالیات سیگار در کشور ما ۱۹ درصد است که ۶۰ تا ۷۰ درصد قیمت خرده‌فروشی می‌شود و در نتیجه این رقم از مصرف‌کننده گرفته می‌شود. مالیات سیگار در پاکستان ۷۵.۹ درصد، در ترکیه ۷۸.۷ درصد و در امارات ۶۷ درصد است.

اهداف ویژه سازمان بهداشت جهانی برای روز بدون دخانیات امسال هم روی افزایش مالیات این محصولات متمرکز است:

۱۰ هزار میلیارد تومان، به نظر تان این هزینه چیست؟ برای این که راهنمایی کرده باشم، می‌گویم که این یکی از هزینه‌هایی است که مردم ایران سالانه می‌پردازند. خودشان با میل و آگاهانه این کار را انجام می‌دهند.

۲۰ هزار میلیارد تومان چطور؟

این هم یک هزینه سالانه دیگر است که از بر هزینه بالا به وجود می‌آید.

اولی هزینه‌ای است که مردم ایران سالانه برای مصرف سیگار می‌پردازند. و دومی هزینه‌ای است که مردم سالانه برای مقابله با بیماری‌ها و آسیب‌های ناشی از آن خرج می‌کنند.

به طور متوسط هر دوی این هزینه‌ها روزی ۲۰ میلیارد تومان در سال برآورد می‌شود که معادل کل بودجه وزارت بهداشت در یک سال است!

این آمار و ارقام البته از ناکجاآباد نیامده‌اند و محمدرضا مسجدی سال گذشته همین موقع در نشست خبری به مناسبت هفته بدون دخانیات آن‌ها را مطرح کرد.

با یک حساب سر انگشتی می‌توان هزینه‌های مشابه بقیه کشورها را تخمین زد. برای مثال ایالات متحده آمریکا هر سال ۲۸۹ میلیارد دلار صرف

هزینه‌های درمانی مشکلات ناشی از مصرف دخانیات می‌کند.

روز سی و یکم ماه می میلادی، مصادف با دهم خرداد، روز جهانی بدون دخانیات است که با بیست و چهار ساعت دوری از هرگونه دخانیات در سرتاسر دنیا برگزار می‌شود. هدف از برگزاری این روز جلب توجه عموم به ضرر بی‌حدوحدصر دخانیات برای انسان است که سالانه جان نزدیک به شش میلیون نفر را می‌گیرد. از این شش میلیون، ۶۰۰ هزار نفر دخانیات مصرف نمی‌کنند، بلکه افرادی هستند که در معرض دود دخانیات قرار می‌گیرند. سازمان بهداشت

ما آدم‌ها گاهی نیاز به بستنی داریم



یخچال قدیمی در شهر یزد

اولین کبریتی که کشیده شد...

در سال ۱۸۲۷، جان واکر در انگلستان کبریت‌های امروزی را اختراع کرد. او کشف کرد که می‌توان چند ماده شیمیایی را ترکیب کرده و آن‌ها را در انتهای یک باریکه چوبی خشک کرد. بعد با هر ضربه‌ای این مواد قابلیت اشتعال پیدا می‌کردند. این مواد گوگرد، کلر اتپتاسیمورنو گوگرد اکسیژنه بودند که در آخر در محلول اسید سولفوریک فرو برده می‌شدند. در سال ۱۸۵۵ کبریت‌های ایمن توسط ادوارد لاندستروم ابداع شد که دیگر لازم نبود برای روشن شدن کبریت، آن را به در و دیوار کوبید. او در کناره جعبه کبریت، صفحه فسفر قرمز را قرار داد تا با کشیدن کبریت روی این صفحه، بتوان آن را روشن کرد. اولین کارخانه کبریت در ایران هم با نام توکلی در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی تاسیس شد.



نمونه‌ای از کبریت‌های قدیمی

اولین تلگرافی که زده شد...

اولین تلگراف در ۲۴ ماه می سال ۱۸۴۴ توسط ساموئل مورس از واشنگتن به مریلند فرستاده شد. متن تلگراف این بود: «خدا چه چیزهایی آفریده است؟» برای یک تلگراف جمله عجیبی است. جمله‌ای که یک مخترع آن را از واشنگتن به مریلند می‌فرستد و هیچ‌کس نمی‌داند آیا توانسته پاسخی در قالب تلگراف بگیرد یا نه؟



اولین تلگراف

یک پیامک سه کلمه‌ای زده که «شاتوت انبه اسپرسو». همیشه همین‌طور است. عمیق‌ترین مفاهیم زندگی را هم باید به صورت تلگرافی از زیر زبانش کشید. این یعنی بستنی هوس کرده است. از همان بستنی‌فروشی که دوستش دارد و اصلا کاش می‌شد امروز عصر با هم می‌رفتیم بستنی می‌خوریم. ولی حالا که کار من طول کشیده است، در زمان صرفه‌جویی می‌کند و بهتر است که من بستنی‌ها را بخرم و به خانه بروم. می‌نویسم «ok» و مسیرم را از سمت بستنی‌فروشی انتخاب می‌کنم. صدای موسیقی را کمی زیاد می‌کنم تا ترافیکی که می‌دانم یک ساعتی مهمانش هستم، کمتر آزاردهنده باشد. چشم‌هایم را می‌بندم و به تمام اتفاقات‌های روز و خبرهایی که شنیده‌ام، فکر می‌کنم. هیچ‌کدام خوشایند نبوده‌اند. چیزهایی به من مربوط می‌شود و مشکلات زندگی من است که باید حلشان کنم. بعضی هم اخباری است که همه در روزنامه و تلویزیون‌ها امروز خوانده و شنیده‌اند و معمولاً هم کاری از دست کسی ساخته نیست. چند ضربه به شیشه ماشین می‌خورد. چشم باز می‌کنم و می‌بینم چند قوطی کبریت به شیشه چسبانده شده و صورتی مبهم که اشاره می‌کند از او کبریت بخرم. کبریت‌هایش بامزه‌اند. یک بسته می‌خرم. چشم‌هایم را می‌بندم و به این فکر می‌کنم که امشب در جواب آن «چه خبر؟» تلگرافی‌اش چه بگویم؟ مسلمانا بدبختی‌های خودم و دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، برایش جالب نخواهد بود. دلم می‌خواهد به چیزهای بی‌ربط و ساده فکر کنم. گاهی لازم است. اصلاً برای من و زندگی‌ای که در آن گیر افتاده‌ام، ضروری است. چند کلمه را در سرم تکرار می‌کنم. همه تصویرهایی را که از آن‌ها دارم، از جلوی چشمم می‌گذرند. گوشه‌ام را برمی‌دارم و کلمه‌ها را سرچ می‌کنم. ما آدم‌ها گاهی نیاز به دانستن داریم؛ دانستن چیزهایی غیر از خبر فاجعه و اتفاق‌های بد که بشود آن‌ها را با یک موجود تلگرافی در میان گذاشت و از این همه بی‌ربطی شگفت‌زده‌اش کرد.

اولین باری که بستنی چسبید...

ملل مختلفی ادعای ابداع بستنی را دارند. گفته می‌شود اولین بار نرون، امپراتور روم باستان، بردگانی را به قله کوه‌ها می‌فرستاده تا برف تازه بیاورند. برف تازه با شهد و شربت میوه‌های مختلف مخلوط شده و چیزی شبیه بستنی از آن به دست می‌آمده و خدمت امپراتور برده می‌شده است. البته که احتمال افسانه بودن این روایت هم وجود دارد. بین سال‌های ۶۱۷ تا ۹۰۷ بعد از میلاد مسیح در کشور چین، بستنی به شکل تکامل‌یافته‌تری درست شد. این بار قطعه‌های یخ با شیر و آرد و کافور مخلوط شدند و بستنی دوران شاه تانگ را ساختند. در سال ۱۷۴۴ میلادی دستور ساخت دسرهای مختلفی از اروپا به آمریکا آورده شد که در بین آن‌ها دستور تهیه بستنی از توت فرنگی و شیر به چشم می‌خورد و می‌توان گفت اولین باری که نام بستنی شنیده شد، در این زمان بوده است. در سال ۱۸۵۰، جاکوب فاسل اوبین کارخانه تجاری ساخت بستنی را به راه انداخت. او محصولاتش را در پنسیلوانیا تولید و به بالتیمور منتقل می‌کرد. در عرض چند سال کسب‌وکارش رونق گرفت و نام او به عنوان پدر صنعت بستنی‌سازی، ثبت شد. در تاریخ ایران باستان هم می‌شود ردی از بستنی پیدا کرد. برف تازه یا زیرزمین‌های یخچالی منبع تهیه این ماده خنک بوده که به همراه شیره انگور مصرف می‌شده است.



مستطیل سبز

ستاره‌های جام جهانی از کوچی ما تا مسی آن‌ها

2014

Copa do Mundo da FIFA

Brasil

پنج ستاره ایران در جام جهانی ۲۰۱۴

آن‌ها باید بدرخشند!

شماره سوم خرداد ۱۳۹۳

۲۸

مهدی شریفی

همان‌طور که می‌دانید، جام جهانی برزیل به‌زودی آغاز می‌شود و تیم ملی ایران هم به‌عنوان یکی از ۳۲ تیم برتر فوتبال جهان در جام جهانی برزیل قرار دارد و در گروه ششم جام جهانی با تیم‌های آرژانتین، نیجریه و بوسنی و هرزگوین هم گروه شده است. در هر حال پنج ستاره تیم ملی در جام جهانی که بسیاری به آن‌ها امید بسته‌اند تا برای تیم ملی مشرک‌تر باشند، از دید کاربران شبکه‌های اجتماعی انتخاب شده‌اند که شامل جواد نکونام، اشکان دژاگه، رضا قوچان‌نژاد، دانیال داوری و مسعود شجاعی هستند. در هر حال تیم ملی ایران در حالی در جام جهانی ۲۰۱۴ خواهد بود که بیشتر بازیکنان این تیم تجربه اروپایی دارند و در فوتبال اروپا بازی کرده‌اند و این می‌تواند تجربه تیمی ایران را برای جام جهانی برزیل بالا ببرد. مثلاً رضا قوچان‌نژاد در هلند رشد کرده است و حالا در فوتبال انگلیس و در چمپیون شپ برای چارلتون انگلستان بازی می‌کند. یا اشکان دژاگه سال‌های زیادی در بوندسلیگا بازی کرده است و حالا در فولام انگلیس و در لیگ برتر جزیره بازی می‌کند. دانیال داوری دروازه‌بان ایران هم بازیکن دیگری است که در آلمان به دنیا آمده است و در بوندسلیگا حضور دارد و از دروازه اینتراخت برانشواگ محافظت می‌کند. در کنار آن‌ها باید از جواد نکونام هم نام برد که کاپیتان تیم ملی ایران محسوب می‌شود و سال‌های زیادی در لیگ اسپانیا بازی کرده است. ایران با ترکیبی از این بازیکنان شانس دارد تا از گروه خود در جام جهانی ۲۰۱۴ صعود کند و به جمع ۱۶ تیم برتر جام جهانی راه پیدا کند؛ چیزی که هدف اصلی کارلوس کی‌روش است.

نکو، آخرین کاپیتانی در تیم ملی؟



اما کاپیتان باسابقه تیم ملی ایران از زمانی که در سال ۲۰۰۰ اولین بازی ملی خود را انجام داد، به یکی از ارکان تیم ملی ایران تبدیل شد. این بازیکن ایرانی که در حال حاضر در تیم الکویت کویت بازی می‌کند، هر وقت تیمش به‌گل‌زنی نیاز داشته باشد، هنر خود را نشان می‌دهد. به همین دلیل است که هافبک دفاعی تیم ملی ایران موفق شده است در ۱۳۶ بازی ملی ۳۷ گل به ثمر برساند که جالب توجه است. جام جهانی ۲۰۱۴ آخرین جام جهانی این بازیکن ۳۳ ساله است که کاپیتان تیم ملی ایران محسوب می‌شود.

بسیاری از نزدیکان او عقیده دارند که نکونام پس از جام جهانی از ترکیب تیم ملی کنار می‌رود و این جام جهانی آخرین کاپیتانی اوست. اما برخی هم می‌گویند که نکونام در جام ملت‌های آسیای ۲۰۱۵ استرالیا هم بازی می‌کند. از ویژگی‌های بارز جواد نکونام می‌توان به بازی خوانی و پاس‌های دقیق او اشاره کرد.

کوچی منجی ایران می‌شود؟



رضا قوچان‌نژاد ملقب به کوچی، مدت زیادی نیست که به تیم ملی ایران اضافه شده است. مشکلات ویزای این بازیکن باعث شد حضور او در تیم ملی ایران به تاخیر بیفتد، اما در نهایت این بازیکن با ارزش ایرانی توانست به ترکیب تیم ملی ایران اضافه شود. این بازیکن ایرانی که قادر به استفاده از هر دو پای خود است، در انتخابی جام جهانی عملکرد خوبی در تیم ملی از خود نشان داد و در سه بازی موفق به زدن سه گل ملی شد تا نقش مهمی در صعود ایران به بیستمین دوره جام جهانی داشته باشد. او در ۱۱ بازی ملی خود برای ایران ۹ بار گل‌زنی کرده که آمار جالب توجهی محسوب می‌شود. او در استاندارد لیژ زیاد به بازی گرفته نمی‌شد و به همین خاطر به تیم چارلتون در لیگ دسته یک انگلیس پیوست تا شانس حضورش را در جام جهانی افزایش دهد. کوچی که گل صعود ایران به جام جهانی ۲۰۱۴ را به کره جنوبی زد، می‌تواند یکی از ستاره‌های ایران برای جام جهانی باشد. آیا او منجی تیم ملی ایران خواهد شد؟

Brasil 2014

نگاهی به تاثیرگذارترین ستاره‌های جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل

سلاطین فوتبال می آیند

ساسان ساعد

مسابقات جام جهانی ۲۰۱۴ فوتبال در حالی به سرعت نزدیک می‌شود که بهترین بازیکنان دنیا در حال آماده کردن خود برای حضور در بزرگ‌ترین رویداد ورزشی سال هستند. اگرچه جهان فوتبال در حال حاضر کمبودی از نظر بازیکنان درجه یک فوتبال، از نام‌های مطرح اروپا و آسیا گرفته تا ستاره‌های نوظهور آمریکا، ندارد، ولی بیشتر نگاه‌ها به چهار بازیکن خواهد بود؛ کریستیانو رونالدو از تیم پرتغال، لیونل مسی از تیم آرژانتین، نیمار از برزیل و لویس سوارز از اروگوئه. این چهار بازیکن در نظر سنجی‌ها بیشترین آرا را به دست آورده‌اند.



کریستیانو رونالدو، امید اول پرتغال

رونالدو شاید بزرگ‌ترین بازیکن جام جهانی ۲۰۱۴ باشد که امسال با روحیه‌ای متفاوت تیم ملی پرتغال را همراهی خواهد کرد. این بازیکن ۲۹ ساله با توجه به عملکرد درخشانی که در رئال مادرید دارد، شاید بتواند سرانجام منتقدان را ساکت کند و جام قهرمانی را بالای سر ببرد، چراکه بسیاری معتقدند او هم‌اکنون در اوج است و این به نفع تیم ملی پرتغال در جام جهانی خواهد بود. البته بازی کریس به بازی هم‌بازی‌هایش هم بستگی دارد که خود رونالدو گفته است باید خیلی اتفاق‌ها بیفتد که پرتغال قهرمان شود.

مسعود شجاعی، به یاد روزهای پامبلونا



اگرچه مسعود شجاعی، هافبک هجومی تیم ملی ایران فرازونشیب زیادی دارد، اما او هم می‌تواند در جام جهانی تفاوت‌های زیادی با بازیکنان ایرانی داشته باشد. هر وقت این بازیکن تکنیکی خوب بازی کرده است، ایران هم به تبع او توانسته بازی زیبایی از خود نشان دهد. او در فوتبال اسپانیا با مصدومیت‌های زیادی دست‌وپنجه نرم کرده است، اما باز هم این بازیکن تکنیکی در تیمش لاس پالماس با حرکات تکنیکی خود توانسته استعداد فوتبالی خود را به خوبی نشان دهد. کی‌روش اعتقاد زیادی به مسعود شجاعی دارد و البته شجاعی هم همیشه سعی کرده کی‌روش را از خودش راضی نگه دارد. در هر حال همه منتظرند آیا مسعود شجاعی در جام جهانی همان مسعود شجاعی دوران بازی در اوساسونا و پامبلوناست، یا با یک مسعود شجاعی جدید روبه‌رو خواهیم شد؟

اشکان دژاگه، امید اول و آخر تیم ملی



اشکان، بازیکن خوب ایرانی باشگاه فولام انگلستان، می‌تواند هم در گوش راست بازی کند و هم در پست مهاجم. اشکان دژاگه که سال‌ها در بوندسلیگای آلمان بازی کرده است، این فصل در تیم فولام انگلیس توانست بازی‌های زیبایی از خود نشان دهد و گل‌های مهمی به ثمر برساند. او در بوندسلیگا موفق شد ۱۵۰ بازی برای تیم ولفسبورگ داشته باشد و سپس در سال ۲۰۱۲ به فولهام در لیگ انگلیس پیوست. هر چند برای دژاگه ۲۷ ساله به ثبات رسیدن در فوتبال انگلیس نیاز به زمان دارد، اما نباید فراموش کنیم که این ستاره در روزهای اولش در انگلیس با مصدومیت دست‌وپنجه نرم کرد. او این فصل تلاش کرد تا همراه فولام در لیگ برتر باقی بماند و سپس در تابستان همراه ایران در جام جهانی برزیل به میدان برود. اما حالا فولام به دسته پایین‌تر سقوط کرده و اشکان دژاگه هم امید زیادی دارد که در جام جهانی بدرخشد. از اشکان دژاگه به عنوان امید اول و آخر تیم ملی ایران و کارلوس کی‌روش نام می‌برند.

دانیل داوری، اگر اشتباه نکند



داوری، دروازه‌بان ایرانی‌الصل که در آلمان به دنیا آمده است، می‌تواند در برزیل شانس ایران برای رفتن به مرحله بعد را افزایش یا کاهش دهد. او که این فصل در تیم اینتراخت برانشوگ بازی می‌کند، تنها سه بازی ملی در کارنامه خود ثبت کرده است و علامت سوال بزرگی در کنار نام او برای حضور در جام جهانی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد تجربه اروپایی این بازیکن تنها دلیلی باشد که کارلوس کی‌روش او را به اردوی

تیم ملی ایران دعوت کرده است. هر چند بعید به نظر می‌رسد برانشوگ در بوندسلیگا باقی بماند، اما حضور دروازه‌بانی که در یکی از بهترین لیگ‌های دنیا بازی کرده است، در تیم ملی ایران اتفاق خوبی محسوب می‌شود. او در اولین دیدار خود با ایران عملکرد خوبی داشت، اما در بازی دوستانه ایران برابر گینه چندین اشتباه فاحش مرتکب شد که باعث شد دیدها نسبت به او برگرود. اگر او بتواند در ادامه با مدافعان ایران هماهنگ شود، می‌تواند به دروازه‌بانی تبدیل شود که ایران آرزوی آن را دارد؛ کاری که کمی سخت است، چون داوری به زبان فارسی مسلط نیست و البته مدافعان ایران هم زیاد زبان خارجی نمی‌دانند و همین عامل باعث می‌شود تا کار ایران در جام جهانی سخت‌تر هم بشود. دانیل داوری اگر اشتباه نکند، می‌تواند سال‌ها درون دروازه ایران بایستد.

مستطیل سبز



مسی به دنبال شکستن رکوردها

لیونل مسی، بزرگ‌ترین رقیب رونالدو در لالیگا، پرچم‌دار تیم ملی آرژانتین در جام جهانی خواهد بود. او ماشین گل‌زنی بارسلونا است و در طول دوران حرفه‌ای خود بیش از ۳۵۰ گل به ثمر رسانده است. با وجود این، مسی در تیم ملی آرژانتین در ۸۳ بازی فقط ۲۷ گل زده است، اما هنوز هم از نظر بسیاری، بهترین بازیکن دنیا به شمار می‌رود. اگر مسی در روزهای جام جهانی در اوج آمادگی باشد، آرژانتین می‌تواند یکی از مدعیان اصلی قهرمانی در جام جهانی باشد. مسی می‌خواهد رکوردها را در جام جهانی بشکند و حتی شنیده شده که او می‌خواهد در بازی مقابل ایران، آقای‌گلی‌اش را قطعی کند. درباره مسی گفته می‌شود که او معمولاً در سال‌های جام جهانی افت می‌کند؛ چیزی که امسال درباره مسی دیدیم.

سوآرز می‌خواهد سوار باشد



سوآرز، بازیکنی که امسال دوباره نامش بر سر زبان‌ها افتاده است، امسال می‌خواهد همراه با اروگوئه بدرخشد. البته مهاجم لیورپول در فصل جاری مسابقات لیگ برتر، توقف‌ناپذیر ظاهر شده است و تلاش می‌کند همین روند را در تیم ملی کشورش هم ادامه بدهد. چند هفته پیش او از سوی چند مجله مهم فوتبال در قاره اروپا به عنوان بهترین بازیکن لیگ برتر فوتبال انگلیس انتخاب شد و در جام جهانی قرار است در کنار کاونی بازی کند تا چشم‌ها را خیره کنند. زوج ادینسون کاونی و لوییس سوآرز در تیم ملی اروگوئه یکی از مخوف‌ترین خط‌حمله‌های جام هستند.

نیمار برای برزیل جان می‌دهد



در مورد نیمار همین بس که پله، اسطوره فوتبال برزیل، او را بهتر از مسی می‌داند. اما فشار زیادی روی نیمار هست. نیمار در جام جهانی ۲۰۱۰ معروف شد، اما برزیل در آن مسابقات از هلند شکست خورد و برای هشتمین بار نتوانست به نیمه‌نهایی برسد تا امیدهای زردها بر باد برود. اما نکته مهم این است که برزیل این بار میزبان جام جهانی است و بازیکنان برزیل برای قهرمان شدن از جانشان هم می‌گذرند. در هر حال در چند سال گذشته نیمار چهار سال باتجربه‌تر شده است و با بازی در کنار بزرگانی چون مسی، در بارسا قطعاً در خاک خود عملکردی تماشایی در مقابل هوادارانی که او را می‌پرستند، به نمایش خواهد گذاشت.

دیگر ستاره‌ها

اما ستاره‌های دیگری هم هستند که می‌شود به درخشش آن‌ها دل بست. مسعود اوزیل با پیراهن تیم ملی آلمان؛ ژرمن‌ها روی او حساب ویژه‌ای باز کرده‌اند. آریین روبن در تیم ملی هلند هم مثل بایرن مونیخ یک ستاره بی‌چون‌وچرا است. وین رونی با تیم ملی انگلیس رویای بزرگی را در جام جهانی جست‌وجو می‌کند. فرانک ریبری با فرانسه می‌خواهد شایستگی‌هایش را بیشتر ثابت کند. دیدیه دروگبا آخرین حضورش در جام جهانی را با تیم ملی ساحل عاج تجربه خواهد کرد. رادامل فالکائو ستاره تیم ملی کلمبیا در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل خواهد بود. خاویر هرناندز با پیراهن تیم ملی مکزیک به دنبال درخشش تازه‌ای خواهد بود. ساموئل اتوئو تیم ملی کامرون را رهبری می‌کند، ولی کسی برای تیم کشورش شانس را قائل نیست. ماریو ماندزوکچ در تیم ملی کرواسی هم مثل بایرن مونیخ یک گل‌زن قهار است. آندرس اینیستا و تیم ملی اسپانیا کار سختی برای دفاع از عنوان قهرمانی در خاک آمریکای جنوبی دارند. ادین زکو و وداد ایبیشویچ دو ستاره تیم ملی بوسنی و هرزگوین هستند که می‌توانند برای حریفان خطرناک باشند. البته همه باید منتظر درخشش رومن شیریکوف در ترکیب تیم ملی روسیه باشند. ادن آزارد ستاره تیم ملی بلژیک در دور مقدماتی جام جهانی بود. کوستاس میروگولو در ترکیب یونانی‌ها به طور معمول بهتر از دیگر هم‌تیمی‌هایش ظاهر می‌شود. هنونگ مین سو، بازیکن جوان تیم ملی کره جنوبی می‌خواهد در جام جهانی نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند. کمتر کسی روی شایستگی‌های کوین پرنس بوتانگ در ترکیب تیم ملی غنا تردید دارد. شینجی کاکاوا، بازیکن منچستر یونایتد، در تیم ملی ژاپن یک مهره بی‌جانشین محسوب می‌شود. جان اوبی میکل به همراه نیجر به مقابل آرژانتین، ایران و بوسنی و هرزگوین به میدان خواهد رفت و مطمئناً کیفیت بالایش را نشان می‌دهد. رابی کروز و استرالیا با قرعه بدی در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۴ مواجه شدند، ولی استرالیایی‌ها به کروز هم چنان امید دارند. در تیم ملی ایران اشکان دژاگه و جواد نکونام و رضا قوچان‌نژاد می‌خواهند ایران را از گروهش به مرحله بعدی ببرند. جونیور دیاز در تیم کاستاریکا بازیکن تاثیرگذاری به حساب می‌آید. آنتونیو والنسیا به همراه اکوادور در پی رسیدن به مراحل بالاتر در جام جهانی است. ویلسون پالاسیوس چهره شاخص هندوراس به حساب می‌آید. آن‌ها تیمی کاملاً ناشناخته هستند. جرمن جونز بهترین بازیکن تیم ملی آمریکا در دیدارهای اخیر بوده است. الکسیس سانچز مثل بارسلونا در تیم ملی شیلی هم بازیکنی خطرناک است. ماکد بوقرام؛ او را شاخص‌ترین بازیکن الجزایر می‌نامند. خردان شکیری، بازیکن تیم ملی سوئیس و عضو تیم بایرن مونیخ هم می‌تواند یکی از بهترین‌های سوئیس و برای هر حریفی خطرناک باشد. اما ماریو بالوتلی مورد توجه‌ترین چهره ایتالیا در جام جهانی خواهد بود و طرفداران بی‌شمار ایتالیا منتظر درخشش او هستند.



رسالت انسان بودن

خیابان‌ها سراسر جشن و چراغانی است. هر چقدر هم که چهره‌ها درهم کشیده و گرمزده و خسته از شهر دودگرفته باشند، این که چندین روز چیزی در هیاهوی شهر بوی تیریک، بوی شادباش، بوی برکت بدهد، حال آدم را خوب می‌کند. ماه خوبی است. نام چند روز را به چند اتفاق گره زده‌اند. اتفاقاتی که از قصه‌های آسمان می‌خوانند. این که روزی انسانی به رساندن یک پیام به انسان‌های دیگر مبعوث شد. این که روزی انسانی پا به زمین گذاشت که با شجاعت، پیام آزادی را با خون خود در گوش جهان خواند. این که جشن‌هایی برای وجود انسان‌هایی در زمین برپاست که از وفاداری، جوانی و یاد آفریدگارشان خوانده‌اند. این که روزی در این تقویم است که به نام تمام ستم‌دیدگان جهان رقم خورده است، روزی که انسانی پا به زمین گذاشته تا آدم‌ها یادشان بماند نجات بشریت، امری محال نیست.

ضمیری آرام، قلبی مطمئن



بودند، هزینه‌های سنگینی مثل زندان، شکنجه، شهادت، جنگ، اسارت، جانبازی، ترور، تنگناهای اقتصادی و... دادند. ۱۴ خردادماه ۱۳۶۸ روز خداحافظی مردم با رهبری که در هر اتفاق این ۲۶ سال همراه ملت بود، روزی تاریخی به شمار می‌آید. روزی که انگار مردم از پدری خداحافظی کردند که سال‌ها پشتشان به حضور او گرم بود.

می‌توان گفت امام خمینی با شروع جرقه‌های انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۲ به عنوان رهبر انقلاب یک ملت شناخته شد. او به مدت ۲۶ سال رهبری نهضتی را برعهده گرفت که به انقلاب رسید و بعد از آن شکل حکومت به خود گرفت. نظامی که او همواره تاکید می‌کرد باید بر مدار زنده نگه داشتن آرمان‌های الهی بگردد. اکثریت مردم در این دوران ۲۶ ساله برای رسیدن به آرمان‌شهری که سال‌ها انتظارش را کشیده

آزادی یک شهر



سوم خرداد ۱۳۶۱ روز تولد امید میان رزمندگانی بود که چند سال جنگیده بودند و چند سال دیگر برای مقاومت پیش رو داشتند. شادی بازپس‌گیری شهر برای مردم بی‌پناه آن، که از مال و جان خود گذشته بودند، چیزی بیشتر از شوق یک پیروزی بود. دل تمام مردم ایران در این روز، زنده شد به امید این که خونین شهر یک ملت، دوباره خرم شود.

چند قاب از یک قیام خونین

۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ در تاریخ ایران به عنوان سرآغاز انقلاب اسلامی شناخته می‌شود. روزی که در آن مردم قم، ورامین و تهران به اعتراض از دستگیری امام خمینی (ره) برخاستند و با سرکوب خونینی مواجه شدند.



جاودانگی



۳۱ خرداد سال ۱۳۶۰ روز شهادت دکتر مصطفی چمران است. دکتر شریعتی و دکتر چمران برای تفکراتی که داشتند، زندگی کردند و نامشان در تاریخ جاودانه شد. هر دو برای آزادی و آزادی انسان در این خاک و خارج از مرزها فعالیت می‌کردند. سرنوشت هر کدام را به سویی کشاند که برای جاودانگی انسان باید به آن‌جا می‌رفتند. دکتر شریعتی حسینیته ارشاد را زنده کرد و دکتر چمران جنبش امل را به راه انداخت. این بخشی از سخنان دکتر چمران در رثای هم‌داستان شهیدش، دکتر شریعتی، است: «ای علی! به جسد بی‌جان تو می‌نگرم که از هر جان‌داری زنده‌تر است؛ یک دنیا غم، یک دنیا درد، یک کویر تنهایی، یک تاریخ ظلم و ستم، یک آسمان عشق، یک خورشید نور و شور و هیجان، از ازلت تا به ابدیت در این جسد بی‌جان نهفته است. تو ای علی! حیات جاوید یافته‌ای و ما مردگان متحرک آمده‌ایم تا از فیض وجود تو، حیات یابیم. قسم به غم، که تا روزگاری که دریای غم بر دلم موج می‌زند، ای علی، تو در قلب من زنده و جاویدی...»

معلم انقلابی



درباره دکتر شریعتی بسیار گفته شده، اما باز هم کم است. صدا و حضور معنوی او هنوز در حسینیه ارشاد پیداست. بسیاری این حسینیه را با نطق‌ها و سخنرانی‌های پرشور شریعتی می‌شناسند؛ سخنرانی‌هایی که جوانان روشن‌فکر قبل از انقلاب را شیفته خودش می‌کرد. دکتر شریعتی در سال ۱۳۱۲ در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدر او استاد محمدتقی شریعتی، مردی پاک و پارسا و عالم به علوم نقلی و عقلی و استاد دانشگاه مشهد بود. شریعتی پس از گذراندن دوران کودکی وارد دبستان شد و پس از شش سال وارد دانش‌سرای مقدماتی در مشهد شد. معلم انقلاب در سال ۱۳۳۷ پس از دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارسی به علت شاگرد اول شدنش، برای ادامه تحصیل به فرانسه فرستاده شد. در آن‌جا به تحصیل علمی چون جامعه‌شناسی، مبانی علم تاریخ و تاریخ و فرهنگ اسلامی پرداخت و با اساتید بزرگی چون ماسینیون، گورویچ و... آشنا شد و از علم آنان بهره‌های بسیار برد. سرانجام در روز یکشنبه ۲۹ خردادماه ۱۳۵۶ با قلبی عاشق، اندیشه‌ای پاک، ایمانی محکم، زبانی قاطع، قلمی توانا، روانی آگاه و سیمایی آرام به سوی آسمان‌ها و آرامشی ابدی عروج کرد و عاشقان و دوستان‌ار خود را در این فقدان همیشه محسوس تنها گذاشت.

شوریدگان خردادی

خردادماه پرحادثه‌ای است. در کنار تمام این حوادث تلخ و شیرین سیاسی و اجتماعی نوابی هم پا به جهان گذاشتند که اگر نبودند چیزی کم بود. بیا بید چشمانتان را ببندید و به نبود مولوی فکر کنید... بس است! می‌دانم به نتایج خوبی نرسیدید. در طالع متولدین خرداد آمده اهل تنوع، واقعا با هوش، دارای شخصیت پیچیده و نا آرام. این را می‌شود در زندگی بسیاری از متولدین خرداد که می‌شناسیدشان دید. در کنار تاماشان عطار، خواجه عبدالله انصاری، مولوی را هم اضافه کنید. می‌شود تا حدی گفت ما مدیون این ماه آخر بهار هستیم. ماهی که رو به گرما کرده، اما پشتش به نسیم بهاری است.

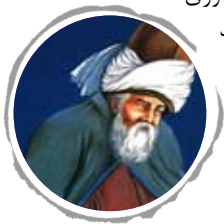


خواجه عبدالله انصاری

«در عجبم از کسی که کوه را می‌شکافت تا به معدن جواهر برسد، ولی خویش را نمی‌کاود تا به درون خود راه یابد.» این جمله از خواجه عبدالله انصاری است و می‌تواند به کل شیوه زندگی و تفکر او را به نمایش بگذارد. معروف‌ترین کتابش «مناجات‌نامه» است، که در کنار محتوای درجه یکیش، نثری به‌غایت زیبا و آموزنده دارد که می‌تواند درس خوبی برای نوشتن باشد. خواجه عبدالله که شیخ‌الاسلام لقب گرفته و مریدان بسیاری در هرات به هم زده بود، در پایان عمر نابینا شد. صبح روز جمعه ۲۲ ذی‌الحجه سال ۴۸۱ ه.ق به سن ۸۵ سالگی درگذشت و در گازرگاه (۱۰ کیلومتری هرات) به خاک سپرده شد. آرامگاهش در همان محل برجاست.

مولوی

افسانه به زندگی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، مشهور به مولوی گره خورده است. او در بلخ زاده شد و بنا به روایتی در قونیه به خاک سپرده شده است. ابتدا تحت تعلیم برهان‌الدین محقق ترمذی قرار گرفت و بعد طی ملاقاتی با شمس تبریزی به کلی زیرو رو شد. به طوری



که عده‌ای معتقد هستند بسیاری از اشعار مولوی اشاره به شمس دارد. هنگامی که شمس او را ترک می‌کند، در رثایش می‌گوید:

بی‌همگان به سر شود بی‌تو به سر نمی‌شود

داغ تو دارد این دلم جای دگر نمی‌شود

مولوی، پس از طی طریق و رسیدن به کمالات و ایستادن بر اوج قله فنا، در غروب آفتاب یک‌شنبه پنجم جمادی‌الآخر ۶۷۲ درگذشت. دلیل مرگ او بیماری‌ای بود که طبیبان از معالجه او ناتوان شده بودند. در مراسم تشییع جنازه‌اش مرد و زن، کودک و بزرگ حاضر شدند و شیون و زاری کردند.



عطار نیشابوری

مشهور است روزی عطار در مغازه خود مشغول کار بوده که درویشی از او طلب کمک می‌کند. عطار جواب رد می‌دهد.

درویش می‌گوید ای شیخ تو چگونه خواهی مرد. عطار می‌گوید همان‌گونه که تو خواهی مرد. درویش سر می‌گذارد و دیگر بیدار نمی‌شود. آن‌گونه می‌شود که عطار ترک مغازه می‌کند و راهی دیگر در پیش می‌گیرد. سفر می‌کند و دیوان اشعاری دارد که مشهورترین آن منطق الطیر است و تذکره‌الاولیا؛ کتاب بالینی بسیاری که اهل عرفان هستند. مشهور است زمانی که مغولان به ایران حمله کردند، شمشیری به دوش عطار زدند و او که دید مرگش نزدیک است، به خون خود روی دیواری این دو بیت را می‌نویسد:

در کوی تو رسم سرفرازی این است
مستان تو را کمینه بازی این است
با این همه رتبه هیچ نتوانم گفت
شاید که تو را بنده‌نوازی این است

جدول کلمات متقاطع

طراح: علیرضا صفری

	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱													
۲													
۳													
۴													
۵													
۶													
۷													
۸													
۹													
۱۰													
۱۱													
۱۲													
۱۳													

افقی:

۱- مقداری از کالاها و خدمات در اقتصاد که در تمام سطوح قیمت احتمالی خریداری خواهد شد - آیین یا آموزهای ویژه-
۲- ادامه داشتن - تهیه کالا و خدمات مورد نیاز با استفاده از منابع و امکانات موجود-۳- سال ترکی - سازمان فضایی آمریکا-۴- پارچه یا لباسی که بر اثر فرسودگی پرزش از میان رفته و تار و پودش نمایان شده - از طعم‌دهنده‌ها - نوعی

بازی کامپیوتری قدیمی ۵- پولی غیرقانونی که برای راهاندازی کار بعضی‌ها پرداخت می‌کنند - جایگاه - محل خرید و فروش اوراق بهادار-۶- هم‌نشین گل - سخت‌تر - پاره آتش-۷- تکرار یک حرف - دادرسی دوباره نسبت به رأی دادگاه بدوی - حب وارونه‌شده-۸- پروردگار - نصف - بیماری لک و پس-۹- از سیارات منظومه شمسی - قلاب کمر - خردمند-۱۰- سطل آبکشی - نوعی دسر به صورت خمیر شیرین محتوی قطعه‌های میوه و پوششی از خامه - طبیعی-۱۱- سمت چپ - از کلمات پرسشی-۱۲- در علم اقتصاد به درآمدی که بی‌تلاش و با استفاده از نفوذ سیاسی و یا افراد بانفوذ به دست می‌آید، گفته می‌شود - جزیره‌ای در استان هرمزگان-۱۳- پولی که برای امور زیربنایی مصرف می‌شود - برچسبی که پس از بازرسی دولتی روی کلایبی چسبانده می‌شود

عمودی:

۱- حرف فاصله - از محاسبه درصد نسبت سود پس از کسر استهلاک به میانگین سرمایه به کار رفته به دست می‌آید-۲- کاهن - مخزنی در اسلحه برای فشنگ‌ها - دانه خوشبوکننده - گل سرخ-۳- از ادات جمع - شهر روشنایی - همان رویایی است که ناتمام مانده-۴- چیزی که همراه با چیز دیگری عرضه می‌شود و آن را کامل می‌کند - از وسایل درودگری - آداب و رسوم-۵- نژاد ایرانی - حیوانی نجیب - کلوچه یا شیرینی تهیه شده از گوشت-۷- ناشنوا - مجموعه پول نقد رایج در یک دستگاه مالی یا اقتصادی - مایه حیات-۸- یوزپلنگ - خوب و پسندیده - خودداری کردن-۹- درخت انگور - غذای شب - عنصری شیمیایی در لامپ‌های الکتریکی-۱۰- موشواره - از نزولات زمستانی - مالی که شخص در مدت معین در برابر فروش کالا یا به علت سرمایه‌گذاری به دست می‌آورد-۱۱- جزوه‌دان - پوشش بالای ساختمان - سمت و جهت-۱۲- نوعی خط‌کش مهندسی - کچل - جوان - نور اندک-۱۳- خوب نیست - بهره‌برداری از جایی مانند معدن که دارای محصولی با ارزش اقتصادی است - پهلوان